

انجمن مدیران صنایع

کار آفرین

ماهنامه

شماره ۱۶۲، آذر ۱۴۰۳، ۶۴ صفحه

شرکت رنگسازی سیکلمه (پارت فام)
اولین شرکت دانش بنیان تولید کننده
رنگ های الکترو دیپوزیشن ED در ایران
تولید کننده رنگ های مستر ساختنی، جفانلی، تو نکی
پیدری، گزارش، آماج نتر، بسپه سفید و ششه نوی

Tel: 051-3550
051-35410458-63
www.siklameh.com

رنگ ایران جام
larbfam



چالش های صنعتی شدن ایران

گزارش حضور انجمن مدیران صنایع

در «بیست و چهارمین نمایشگاه

بین المللی صنعت»

ترامپ

و اقتصاد ایران





سس مایو خردل



ملائم

وزن خالص: ۳۶۰ گرم

REDUCED FAT
MAYO MUSTARD
SAUCE



یک نام و هزار لبخند

شرکت صنایع غذایی سحر

تلفن: ۰۲۱-۹۲۳۶۹۲۳۶-۰۲۱-۲۲۶۶۹۲۲۴ | ورنه کار: ۰۲۱-۲۲۶۶۹۲۲۴

WWW.SAHARFOOD.COM





انجمن مدیران صنایع ایران

انجمن مدیران صنایع به عنوان اولین تجربه شرکت در نمایشگاه ها با مصوبه هیات مدیره و با حضور تعدادی از شرکتهای عضو در بیست و چهارمین نمایشگاه صنعت حضور داشت. در این نمایشگاه، پانزدهمین انجمن میزبان ۶ شرکت به مدت ۴ روز بود. شرکت کی پلاس پارس، گروه صنعتی سپاهان، شرکت رنگسازی پارت فام (سیکلمه)، شرکت پارس مشعل، کارگزاری بانک آینده و گروه میکرو صنعت

حضور در نمایشگاه صنعت فرصتی برای معرفی برند انجمن مدیران صنایع و گسترش روابط با تولیدکنندگان و صنعتگران فراهم گردید. همچنین با توجه به برگزاری نشست های تخصصی در غرفه انجمن در طول نمایشگاه و حضور مسئولان و کارشناسان، فرصتی برای گسترش تعامل و ارتباط با سازمانها و شرکتهای ایجاد گردید.

بیست و چهارمین نمایشگاه بین المللی صنعت

24th International
INDUSTRY

Exhibition ۱۳ تا ۱۶ آبانماه ۱۴۰۳
3-6 Nov 2024 محل دائمی نمایشگاه های
بین المللی تهران





بی‌سان

بانکداری به‌عنوان خدمت (BaaS) بی‌سان؛ بانک شخصی‌سازی‌شده کسب‌وکارها

بی‌سان، متا‌بانک خاورمیانه، با بهره‌گیری از تیمی مجرب و فناوری‌های نوین، امکان ارائه خدمات یکپارچه بانکی در کنار سایر نیازهای کسب‌وکارها را فراهم می‌کند. این پلتفرم با استفاده از هوش مصنوعی و تحلیل رفتار مشتریان، به کسب‌وکارها کمک می‌کند تا تجربه‌ای شخصی‌سازی‌شده و بهینه را برای کاربران خود رقم بزنند. با بی‌سان، کسب‌وکارها نه تنها خدمات مالی را به‌سادگی در اکوسیستم خود ادغام می‌کنند، بلکه با شناخت دقیق‌تر نیازها و رفتار مشتریان، مسیر رشد و نوآوری را با اطمینان بیشتری طی خواهند کرد.



بانک خاورمیانه
Middle East Bank



www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir



در این شماره مرخوانید

صاحب امتیاز: انجمن مدیران صنایع

مدیرمسئول: دکتر رمضانعلی روپایی

سر دبیر: محمدصادق جنان صفت

اعضای تحریریه: فریدون اسعدی

احسان جنان صفت

مدیر اجرایی و صفحه آرایی:

علی صالحی

ویراستار:

فاطمه لبراجیبیان

نشانی: تهران، خیابان اسلامپوری، روبه روی خیابان میرعماد

پلاک ۲۶۲، طبقه سوم و چهارم

نمابر: ۸۸۸۳۹۶۴۱

نقل مندرجات این نشریه با ذکر ماخذ آزاد است

نظر نویسندگان و شرکت کنندگان در میزگردها و مصاحبه‌ها

لزوماً نظر این نشریه نیست

مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده آن است

نشریه در انتخاب و ویرایش متون آزاد است

مقالات و نظرات به دفتر تحریریه ارسال شود

مقالات رسیده پس داده نخواهد شد

متن اصلی مقالات ترجمه شده به بیوست ارسال شود

مقالات روی بکسرف برگ ۸۴ نوشته و فاصله بین سطرها رعایت شود

برای مرور فهرست مقالات

به آدرس www.amsiran.com مراجعه کنید

چاپخانه:

پیمان نو تدوین



۳



۱۵



۲۱



۳۵



۴۷



۵۳

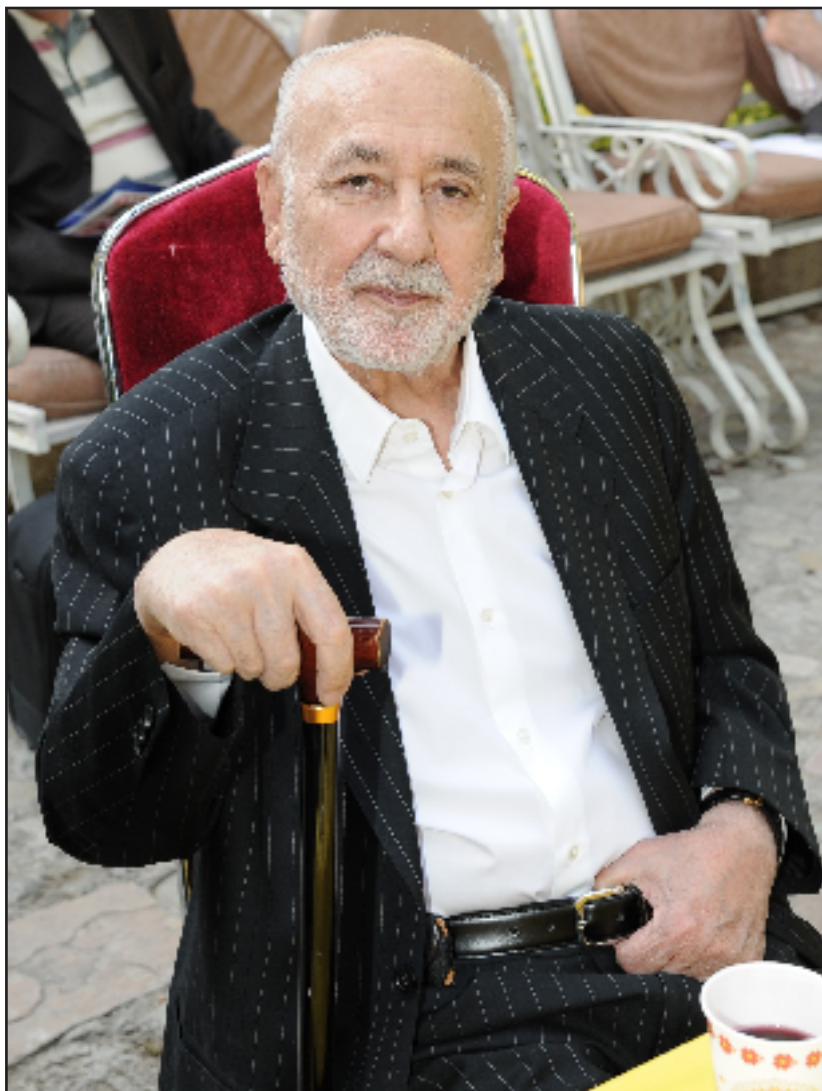
چالش‌های صنعتی شدن ایران

تاسیس بنیاد توسعه صنعتی در اواسط نهمین دهه زندگی ام را، به رمان «پیرمرد و دریا» تشبیه می‌کرد، پیرمردی که قصد دارد برای صید ماهی تا دل آب‌های دور برود چراکه به باور او «برنده کسی است که به جای دور می‌رود!»

آری شاید اینچنین باشد. صید ماهی درشت «توسعه صنعتی» از دریای فرصت‌های جهان امروز اگرچه سخت و توانفرسا می‌نماید اما به گمانم «شدنی» و «ضروری» است. شدنی است با توجه به مزیت‌های عظیم فرهنگی و تمدنی، نیروی انسانی جوان و تحصیلکرده بسیار با استعداد، منابع عظیم انرژی و معدنی، موقعیت بی‌نظیر جغرافیایی، زیرساخت‌های نسبتاً مناسب و چند دهه تجربه فعالیت صنعتی. اما توسعه صنعتی امری «ضروری» برای میهن‌مان است به سبب انواع ناترازی‌ها و فقر و بیکاری که چهره خشکش در گذر هر روزه از کوچه و خیابان، دل هر فرد انساندوست و میهن‌پرستی را می‌آزارد و ترس به چهره می‌آورد؛ «من از بیهودگی اینهمه دست و بیگانگی اینهمه صورت می‌ترسم»

به گمان این ارادتمند و از پس حدود هفتاد سال کار صنعتی، تحقق «توسعه صنعتی» و بالفعل شدن توان بالقوه این مردم و سرزمین با «آزادی» امکان‌پذیر است. این «آزادی» است که امکان خلق ایده و اندیشه را به عنوان گام اول هر توسعه‌ای برای انسان فراهم می‌آورد و برداشتن گام‌های دیگر را ممکن می‌سازد. اینکه نظام آموزشی امکان خلاقیت و کسب مهارت‌های واقعی را فراهم آورد، افراد خلاق امکان ثبت ایده‌ها و حق مالکیت بر آن را به تمامی دارا باشند و در ادامه، نهادهای اقتصادی امکان دهند تا این افراد به آسانی و بدون موانع برطرف نشدنی شرکت‌هایی را راه اندازی کنند، همچنین نهادهایی برای تامین مالی پروژه‌های نوآورانه و حمایت از بنگاه‌های نوآور وجود داشته باشند و بازار کار امکان استخدام نیروهای با کیفیت را فراهم سازد و در انتها فضای اقتصاد رقابتی، ظرفیت و امکان عرضه و جذب محصولات این شرکت‌های نو آمده و خلاق و پیشرو را داشته باشد. بر این اساس تاریخ «توسعه صنعتی»، به گمان اینجانب، چیزی جز تاریخ «آزادی» نیست. تاریخی که با عشق و صلح و دوستی و نه تضاد و دشمنی، گره خورده و رقم زده شده است.

پیام محسن خلیلی به همایش



نعمتی بزرگ برای این مرز و بوم و حضورش در «بنیاد توسعه صنعتی» در کنار سایر اعضا و دست‌اندرکاران محترم برای این خدمتگزار اقتصاد ملی، مایه مباهات و افتخار بسیار است.

«بنیاد توسعه صنعتی» با هدف «بشپتیبانی و حمایت از مطالعات و پژوهش‌های کاربردی اقتصادی و صنعتی و تشکل‌های فعال در این زمینه» و انجام فعالیت‌هایی شکل گرفت که «منجر به ارتقای تولید ناخالص ملی کشور از طریق بهبود برنامه، سیاست و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با توسعه صنعتی» شود. نهادی که اکنون نهالی تازه‌پاست و بارآوری و دوام و بقای آن نیازمند کمک و حمایت همه کارشناسان و محققان و پژوهشگران و کارآفرینانی است که عشق و درد میهن و پیشرفت و توسعه آن را در سر دارند. عزیزی از یاران بنیاد اقدام این ارادتمند در

آنچه در این جمع شریف می‌گذرد، گامی بزرگ و ارزشمند در تحقق رویای همه عمر کسی است که خود را «اسبی از ارابه توسعه صنعتی کشور» می‌داند. رویایی صنعتی شدن این سرزمین، ایران عزیز، همواره مایه حیات و امید به زندگی این ارادتمند بوده است.

پس بر این مینابر خود می‌بالم که در این لحظه و از طریق «بنیاد توسعه صنعتی محسن خلیلی»، سهمی در این واقعه مهم علمی و پژوهشی دارم و اگرچه به سبب کسالت و سالخوردگی، کمی دور از شما فرهیختگان و سروران بس عزیز و گرمای در منزل به سر می‌برم، اما با تمام وجود خود را در کنار شما بزرگواران احساس می‌کنم.

سلام و درود فراوان بر همه شما عزیزان و نازنینان و علی‌الخصوص دکتر مسعود نیلی، دانشمند گرانمایه و برجسته که وجودش



در همایش چالش‌های صنعتی شدن در ایران تحلیل شد

شکست حکمرانی صنعتی

می‌یابد دولت کسری بودجه می‌آورد و دولت در این وضعیت برای تامین کسری بودجه به بانک‌ها روی می‌آورد و بانک‌ها نیز از منابع بانک مرکزی برداشت می‌کنند و به این ترتیب منابع لازم برای تسهیلات بخش صنعت کاهش می‌یابد.

سیاست باز توزیع

نیلی باور دارد که دولت‌های ایران با دادن انرژی ارزان به صنعت راه را برای آنها باز می‌کنند تا بتوانند به رشد اقتصادی کمک کنند. اما این اتفاق به جای اینکه به رشد اقتصادی با صیانت از منابع طبیعی باشد به بدتر شدن وضعیت محیط زیست منجر می‌شود و پایداری رشد را از کشور می‌گیرد. از سوی دیگر دولت می‌خواهد به گروه‌های کم‌درآمد کمک کند و در این راهبرد به بنگاه‌های صنعتی فشار می‌آورد که باید قیمت‌های دستوری را اجرا کند. به این ترتیب است که بخش صنعت انگیزه رشد

دیروز یک روز مهم در اقتصاد ایران به حساب می‌آید. روز گذشته مسعود نیلی و همکارانش نتایج پژوهش بزرگ انجام شده درباره اینکه چرا باید ایران صنعتی شود و چرا تاکنون نتوانسته است به توسعه صنعتی برسد را با وسواس علمی کامل توضیح دادند. مسعود نیلی و همکارانش در یک فرصت چندساعته توانستند این منظور خود را به خوبی توضیح دهند که در ۲۰ سال تازه سپری شده یعنی از دهه ۸۰ تا پایان دهه ۹۰ صنعت ایران نه تنها با صنعت روز جهان از ابعاد گوناگون به‌ویژه از نظر سطح تکنولوژی به کار برده شده همراه نبوده است بلکه به دلیل کاهش واردات ماشین‌آلات صنعتی، تکنولوژی‌ای که همراه این واردات انجام می‌شد را نیز از دست داده است. مسعود نیلی در بخشی از سخنانش تاکید کرد کمتر کشوری در دنیا هست که در یک دهه شاهد چهاربار جهش ارزی باشد. جهش‌های ارزی با خود تورم به همراه می‌آورد و تورم که افزایش



سالم را از دست می‌دهد.

ضرورت و فایده توسعه صنعتی

مسعود نیلی در این نشست مذکور به کمک دو همکار خود، نتیجه یک تحقیق را ارائه داد؛ بنا بر تحقیق و پژوهش‌های گروهی که این اقتصاددان رهبر آن بود، ایران برای حل مشکلات خود چاره‌ای جز صنعتی شدن ندارد. نیلی با اذعان به همین مساله سخنان خود را چنین آغاز کرد: برخی می‌گویند که اقتصاد ایران با یک نگاه آگاهانه، اساساً قصدی برای صنعتی شدن ندارد اما در این مجال و صورت فشرده، توضیح می‌دهم که اقتصاد ایران حتماً باید صنعتی شود چراکه صنعتی شدن، تفاوت معنادار و زیادی با رشد در بخش‌هایی چون کشاورزی و مسکن یا دیگر حوزه‌ها دارد. بزرگ شدن بخش صنعت، پدیده‌ای متفاوت با بزرگ شدن صرف بخش‌های دیگر است زیرا صنعتی شدن، یک مرحله از رشد کل است و تنها به معنای افزایش تعداد کارخانه‌ها معنا نمی‌شود.

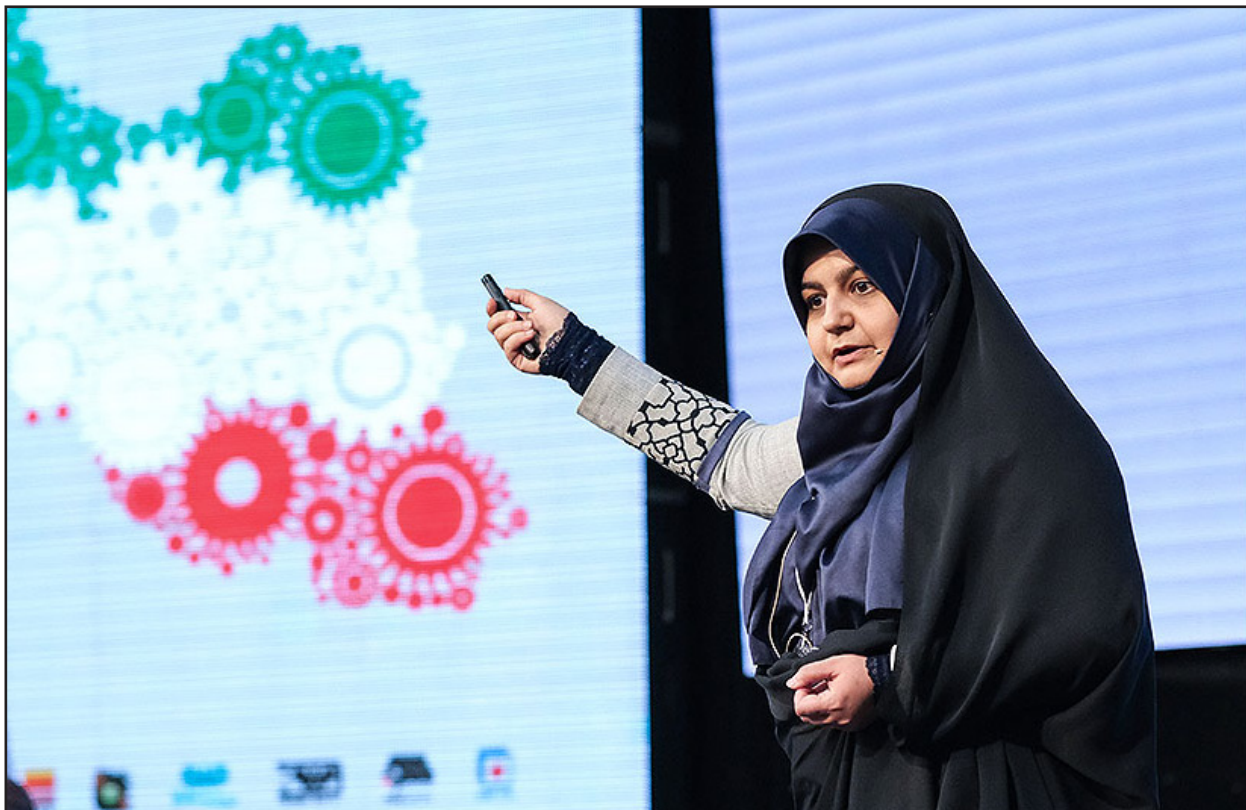
این اقتصاددان در ادامه سخنان خود پنج سازوکار را برشمرد که اثر مستقیمی بر افزایش تولید ناخالص داخلی خواهد داشت. نیلی با تأکید بر همین پنج سازوکار اظهار کرد: پنج سازوکار برای ایران وجود دارد که نشان می‌دهد چرا باید حتماً صنعتی شویم؛ اول از همه اینکه صنعتی شدن، اثر مستقیم بر تولید ناخالص داخلی داشته و آن را افزایش می‌دهد. البته این افزایش، بدیهی‌ترین اثر صنعتی شدن است و آنچه بسیار مهم‌تر است چهار عامل دیگر محسوب می‌شوند.

نیلی که چهار عامل دیگر را مهم‌تر از افزایش تولید ناخالص داخلی دانست، بیان کرد: صنعتی شدن یک کشور، منجر به افزایش بهره‌وری سایر بخش‌ها می‌شود. همچنین مزیت دیگر صنعتی شدن آن است که برای کشور ارزآوری دارد و منجر به ترمیم مشکلات ناشی از تحریم می‌شود. بنابر بررسی‌ها، سومین مزیت صنعتی شدن یک کشور، ایجاد کشش درآمدی است چراکه صنعت میزان تقاضا را افزایش می‌دهد و در نهایت همین امر، منجر به اشتغال‌زایی سایر بخش‌ها خواهد شد. محصولاتی که در فرآیند صنعتی ایجاد می‌شوند کشش درآمدی به وجود می‌آورند یعنی اینکه اگر درآمدها ۱۰ درصد افزایش یافته باشد، تولید بسیار بیشتر است و به همین ترتیب افزایش درآمد و وفور تقاضا منجر به

رونق می‌شود. در هیچ‌یک از کشورهای صنعتی، صنعت منجر به اشتغال نشده است اما صنعت می‌تواند سبب شود که اقتصاد اشتغال‌زا شود و کیفیت اشتغال هم افزایش می‌یابد زیرا صنعت به نوع خاصی نیروی کار نیاز دارد. از آنجا که اقتصاد ایران در بازه ۴۵ میلیون تا ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد، مساله اشتغال‌زایی برای ما مهم است و باید حتماً صنعتی شویم. مدرن شدن و صنعتی شدن هم در کنار هم ایجاد می‌شوند و مدرن شدن، ابعاد اجتماعی دارد و همین مساله سبب می‌شود که تغییرات اجتماعی مثبتی هم رخ دهد.

پس از آن، نیلی به معرفی چارچوب پژوهش پرداخت و توضیح داد: بررسی عملکرد صنعت ایران در این مجال، بین بازه زمانی ۱۳۸۰ تا پایان دهه ۹۰ انجام شده است. ما تصمیم گرفتیم دهه ۸۰ را انتخاب کنیم زیرا اقتصاد ایران در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ به بعد، آستان اتفاقات زیادی بود و رخدادهای بسیار مهمی بر سپر اقتصادی اثر گذاشت. در سال‌های اول دهه ۸۰ اقتصاد شاهد رشد اقتصادی، تورم پایین و رشد صنعت بوده است اما از نیمه دوم دهه ۸۰ اقتصاد در کشور ما با وفور درآمدهای نفتی، بیماری هلندی و همچنین تنش‌های خارجی در اقتصاد مواجه شد و کانون اصابت همه این بحران‌ها بخش صنعت کشور بوده و در سال ۱۳۸۹ اصلاح قیمت حامل‌های انرژی عامل مهمی در اقتصاد کشور بوده است. سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ سال‌های ثبات نسبی در کشور بوده است اما از سال ۱۳۹۷ به بعد، تلاطم‌ها مجدد به اقتصاد ایران بازگشت چراکه با اعمال تحریم و بعد هم کرونا، تغییرات زیادی در کشور به وجود آمد. ما در سال ۱۴۰۳ هستیم اما نتوانستیم تحقیق خود را به سال‌های اخیر هم گسترش دهیم چراکه داده‌های کشور تا سال ۱۳۹۹ با دقت و ظرافت مورد نظر ما منتشر شده بود و بعد از آن داده‌های منتشره دیگر دقت مورد نیاز ما را ندارد.

این اقتصاددان با طرح این سوال که چرا صنعت در ایران چنین عملکردی داشته است، اضافه کرد: به‌رغم شش دهه تلاش، ایران هنوز هم صنعتی نشده است. همه اسناد بالادستی کشور به اهمیت صنعتی شدن تأکید دارند و برای اینکه بخواهیم به چنین سوالی پاسخ دهیم، باید یک روند انتخاب می‌کردیم و آن روند حاوی این مفهوم بود که کشورهایی که صنعتی شدند چه کردند که صنعتی



رخ داده است. او همچنین به این نکته اشاره کرد که در بررسی این تغییرات، باید مقایسه‌ای با کیفیت اقتصاد انجام شود، به ویژه اینکه صنعت بزرگ‌تر یا کوچک‌تر شده است. در این زمینه، محمودزاده به این نکته اشاره کرد که در دوره اول رشد اقتصادی، سهم صنعت از اقتصاد تا ۲۰ درصد رشد کرده بود، اما در دوره‌های بعدی این سهم به ۱۳ درصد کاهش یافته است. این کاهش، به ویژه در دوره‌های بعد از برنامه‌های نوسازی و تحولات اقتصادی، قابل توجه است. در این مطالعه به داده‌های سال پایه ۱۳۹۰ استناد شده و این اطلاعات به کمک شاخص‌های مختلف بررسی شده‌اند. وی به نقش صنعت در خلق تکنولوژی و افزایش بهره‌وری اشاره کرد و بیان داشت که ارتباط صنعت با دنیا و مقیاس‌پذیری آن از جمله مواردی است که باید بررسی شود. به ویژه تأکید کرد که شاخص‌هایی مانند نرخ بهره‌وری، هزینه‌های تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری در واحدهای صنعتی به طور واضح کاهش یافته است. در دهه ۸۰، نرخ رشد بهره‌وری صنعت منفی ۶ درصد بوده و این کاهش همزمان با کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه مشاهده شده است. در ابتدای دهه ۸۰، سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه از کل هزینه‌های بنگاه‌های صنعتی تنها ۱۴ درصد بود که در ادامه به ۶ درصد کاهش یافته است. وی این کاهش در هزینه‌های تحقیق و توسعه را ناشی از این دانست که فرآیند صنعتی شدن در ایران به طور عمده متکی به تقلید از تکنولوژی‌های خارجی بوده و خود فرآیند خلق تکنولوژی نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر است.

سرمایه‌گذاری

در دهه ۸۰، میزان سرمایه‌گذاری در بنگاه‌ها حول و حوش ۸ درصد از کل هزینه‌ها بوده است، اما در ادامه این رقم کاهش یافته و به ۴ درصد رسیده است. این کاهش در سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده رکود در فعالیت‌های صنعتی کشور است. صنایع وابسته به منابع تکنولوژی با کیفیت پایین، به ویژه در بخش‌های متوسط و پایین، در کشور افزایش یافته‌اند. او به ویژه تأکید کرد که در بازار جهانی، قیمت نسبی محصولات صنعتی ایران کاهش یافته است. این کاهش به دلیل وابستگی کشور به صنایع با تکنولوژی پایین و عدم توانایی در خلق تکنولوژی‌های

شدند. همچنین سعی می‌کنیم یک مدل مفهومی حکمرانی معطوف به توسعه صنعتی ارائه دهیم و به یک مدل حکمرانی برسیم که معطوف به توسعه صنعتی است. سوالات زیادی را در نظر داشتیم مانند اینکه آیا ویتنام، مالزی و بسیاری کشورهای دیگر به این دلیل صنعتی شدند که صنعتگران خوبی داشتند؟ آیا سیاست‌های صنعتی ما مشکل داشته است؟ آیا می‌توان در گلخانه‌هایی صنعتی شدن را به وجود آورد و از طریق آن، مساله رفاه و فقر را حل کرد؟ در پایان اینکه آیا صرفاً اضافه شدن تعداد کارخانه‌ها، منجر به صنعتی شدن کشور می‌شود؟ در پایان می‌خواهیم مدل حکمرانی ایران را بررسی کنیم.

نیلی در بخشی از سخنانش گفت واقعیت این است که حکمرانی اقتصادی در ایران و حکمرانی صنعتی گونه‌ای آرایش یافته و گونه‌ای پیش رفته که می‌توان گفت حکمرانی صنعتی شکست خورده است. حکمرانی با شرایطی که کشور دارد و به طور مثال سیاست بین‌المللی آن به تضعیف صنعت منجر شده که بگوییم با این وضعیت توسعه صنعتی جایی در ایران ندارد.

سخنان محمودزاده

امینه محمودزاده، اقتصاددان، در همایش «چالش‌های صنعتی شدن در ایران» به بررسی وضعیت بخش صنعت کشور پرداخت و در ادامه به کاهش تقاضای داخلی برای محصولات صنعتی اشاره کرد و گفت: با کاهش درآمدها و تغییرات در ترکیب سبد مصرفی خانوارها، تقاضا برای کالاهای صنعتی نیز کاهش یافته که این تغییرات منجر به کاهش سهم صنعت در اقتصاد کشور شده است. این اقتصاددان در ابتدا توضیح داد که برای شناسایی وضعیت صنعتی ایران باید یک تصویر کلی از صنعت کشور داشته باشیم تا بتوانیم آن را با سایر کشورها مقایسه کنیم. وی اشاره کرد صنعت مدرن در ایران از آغاز در مقایسه با کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، روندی متفاوت طی کرده و این در حالی است که معمولاً در فرآیند صنعت‌زدایی در کشورهای در حال توسعه، سهم صنعت کاهش یافته و بخش خدمات رشد می‌کند اما در ایران، علاوه بر کاهش سهم صنعت، تولید صنعتی واقعی نیز کاهش یافته است. این کاهش در اندازه واقعی تولید صنعتی، همراه با تحولات سیاسی و اجتماعی زیادی است که در ۲۰ سال اخیر



تکنولوژی

این اقتصاددان این پرسش را مطرح کرد که آیا تحولات مشاهده شده در صنعت ایران ناشی از تغییرات طبیعی فرآیند صنعتی شدن و رشد تکنولوژی در دنیاست یا به دلیل ویژگی‌های خاص کشور ماست. او به تحلیل گروه‌های مختلف کشورها پرداخته و گفت که برخی کشورها رشد صنعتی خود را بر پایه منابع طبیعی قرار داده‌اند، در حالی که برخی دیگر از توسعه بخش خدمات به عنوان موتور رشد استفاده کرده‌اند. محمودزاده سپس به مقایسه ایران با کشورهای دیگر پرداخت و گفت در ابتدای دهه ۸۰، بزرگ‌ترین سهم صنعت ایران مربوط به فرآورده‌های شیمیایی، خودرو و فلزات بود. اما در ادامه، سهم فرآورده‌های شیمیایی به ویژه در ایران افزایش یافته و از سوی دیگر، سهم خودرو کاهش پیدا کرده است. در عین حال، فرآورده‌های غذایی نیز سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. وی گفت: روندهای صنعتی ایران به ویژه در مقایسه با کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، مطلوب نبوده و با ناهنجاری‌هایی همراه است که نشان‌دهنده ضعف‌های اساسی در ساختار و توسعه صنعت کشور است. امینه محمودزاده در تحلیل خود به مشکلات و ریسک‌های ناشی از سیاست‌های حمایتی در ایران اشاره می‌کند. او توضیح می‌دهد که در بازار داخلی، برخی تولیدکنندگان بالقوه به دلیل محدودیت‌های دسترسی به نوآوری و بازار، نمی‌توانند وارد رقابت شوند. مصرف‌کنندگان نیز دسترسی به محصولات مشابه خارجی با کیفیت بهتر ندارند اما دولت به دلیل حمایت از کالاهای وارداتی واسطه‌ای و سرمایه‌ای، با ریسک کسری بودجه و مشکلات اقتصادی مواجه می‌شود. محمودزاده تأکید می‌کند که این نوع حمایت‌ها، اگرچه در ابتدا برای کمک به صنایع نوپا در نظر گرفته شده بود اما در طول زمان موجب افزایش هزینه‌های تولید و کسری بودجه می‌شود و در نهایت به مشکلاتی مانند ناسازگاری زمانی و کسری تراز پرداخت‌ها منجر می‌شود.

پیشرفته مشاهده می‌شود. ایران تنها در سه رشته فعالیت خاص، شامل نفتی، شیمیایی و فلزات اساسی، توانسته صادراتی قابل توجه داشته باشد اما در مجموع، صنعت ایران به طور گسترده نتوانسته است در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصاد، نقش موثری ایفا کند. با کاهش درآمدها و تغییرات در ترکیب مصرفی خانوارها، تقاضا برای کالاهای صنعتی نیز کاهش یافته است. این تغییرات منجر به کاهش سهم صنعت در اقتصاد کشور شده است. برای بهبود وضعیت صنعت ایران، باید روی ارتقای بهره‌وری، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و همچنین ایجاد ارتباط موثرتر با دنیای بیرونی تمرکز کرد تا صنایع کشور توانایی رقابت در سطح جهانی را پیدا کنند. محمودزاده پرسید آیا تغییرات مشاهده شده در شاخص‌ها تنها نشان‌دهنده یک روند کلی برای تمامی فعالان صنعت است یا اینکه برخی بخش‌ها در مقایسه با دیگران تغییرات متفاوتی داشته‌اند. در این زمینه، او به بررسی ۲۴ رشته فعالیت صنعتی با استفاده از دسته‌بندی «آی‌سی» پرداخت و بیان کرد که برخی از این رشته‌ها در طول زمان سهم خود را افزایش داده‌اند و برخی دیگر کاهش یافته‌اند. برای مثال، رشته‌هایی که وابستگی بیشتری به منابع طبیعی و انرژی دارند، سهم‌شان در صنعت ایران افزایش یافته است. بعضی صنایع که سهم‌شان از اقتصاد در ابتدا حدود ۴۰ درصد بوده، حالا به بیش از ۶۰ درصد رسیده‌اند و خاطر نشان کرد: این رشته‌ها بیشتر به منابع طبیعی و انرژی وابسته‌اند و به تبع آن، فعالیت‌های آنها به شدت انرژی‌بر شده است. در عین حال، افزایش اشتغال در این صنایع متناسب با افزایش ارزش افزوده نبوده است. به عبارت دیگر، صنایع بزرگ‌شده، شغل‌زا نبوده‌اند و به طور طبیعی نمی‌توانند در حل مسائل اشتغال کشور نقشی داشته باشند. ۲۰ درصد از کارگاه‌های صنعتی بالای ۱۰ نفر، حدود ۵۰ درصد از تولیدات کشور را به خود اختصاص داده‌اند. این نشان‌دهنده تمرکز بسیار زیاد در بخش‌های خاصی از صنعت است. علاوه بر این، ترکیب مالکیتی صنعت و روند تغییرات در این زمینه نیز از نکات مهمی بود که محمودزاده به آن پرداخت. او بیان کرد با وجود اینکه شاخص‌های مختلفی مانند بهره‌وری، تکنولوژی و رقابت‌پذیری کاهش یافته‌اند، تمرکز بالای تولید و وابستگی به منابع طبیعی همچنان در صنعت ایران وجود دارد.



رقابت پذیری؛ نمونه ویتنام

علیرضا ساعدی، اقتصاددان، دیگر سخنران این نشست نیز در سخنانی بسیار با اهمیت به مقایسه توسعه صنعتی در ایران و دیگر کشورها پرداخت. او در سخنرانی خود به بررسی وضعیت رقابت پذیری صنعتی کشورها پرداخته و تاکید کرده که برای حضور موفق در صحنه بین المللی، صنعت کشور نیازمند حمایت‌های داخلی است. ساعدی گفت: شاخص‌هایی برای ارزیابی ظرفیت تولید و صادرات صنعتی در سطح ملی وجود دارد که می‌تواند به درک بهتر وضعیت رقابت‌پذیری کشورهای مختلف کمک کند. به طور خاص، وضعیت ویتنام طی سه دهه گذشته را مورد توجه قرار داده و آن را نمونه‌ای از موفقیت در پیشبرد استراتژی‌های صنعتی خود دانسته است. وی همچنین بر ضرورت توجه به استراتژی‌های صنعتی کشورهای موفق مانند ویتنام اشاره و بر این نکته تاکید کرد که این کشورها توانسته‌اند با پایبندی به سیاست‌های صنعتی خود، جایگاه رقابتی خود را ارتقا دهند. در مقایسه با کشورهای آسیایی دیگر مانند مالزی و اندونزی، ویتنام توانسته است رتبه رقابتی خود را به سطح بالاتری ارتقا دهد. ساعدی همچنین به چالش‌های صنعتی کشور و ارتباط آن با سیاست‌های اقتصادی و بازارهای مختلف اشاره کرده و به تحلیل اثرات سیاست‌های صنعتی بر عملکرد بنگاه‌ها پرداخت. وی تاکید کرد که دولت‌ها در کشورهای موفق، با اتخاذ سیاست‌های صنعتی مناسب، توانسته‌اند عملکرد بازارهای داخلی و خارجی خود را بهبود بخشند و از این طریق به توسعه صنعتی و اقتصادی دست یابند. در عصر انقلاب فناوری، توجه ویژه‌ای به توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و بهبود فناوری‌های مرتبط با صنعت شده است. برای مثال، کشورهایی مانند آلمان و ایالات متحده در سال‌های اخیر تمرکز ویژه‌ای بر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال و حفظ امنیت مالکیت داده‌ها داشته‌اند.

وی به نمونه‌هایی از کشورهایهایی مانند مالزی و مکزیک اشاره کرد که در راستای پیشبرد برنامه‌های فناوری و گسترش زیرساخت‌های دیجیتال تلاش‌های زیادی انجام داده‌اند. در این راستا، دولت‌ها سعی کرده‌اند با ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی و استفاده از فناوری‌های

نوین، به تقویت صنایع داخلی بپردازند. ساعدی تاکید کرد که در کشورهای پیشرفته، تولیدات صنعتی نه تنها برای تامین نیازهای داخلی بلکه برای صادرات به بازارهای جهانی انجام می‌شود. در این زمینه، کشورهایی مانند ترکیه و چین با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تولید کالاهای صنعتی برای صادرات به اروپا، توانسته‌اند به جایگاه‌های بالاتری در زنجیره‌های ارزش جهانی دست یابند. ساعدی همچنین به چالش‌های صنعت ایران اشاره و بر این نکته تاکید کرد که در سند ۲۵ ساله‌ای که با چین تدوین شده، به جای تمرکز بر واردات و صادرات کالا، نیاز است که ایران به دنبال تقویت زنجیره‌های ارزش خود باشد. در این راستا، تولیدات صنعتی ایران باید با کیفیت و ارزش افزوده بالا تولید و به بازارهای جهانی صادر شود.

وی به تغییرات در سیاست‌گذاری‌های صنعتی اشاره کرد و گفت که در سال‌های اخیر، توجه به سفارشی‌سازی تولیدات و تحولات زنجیره ارزش جهانی باعث شده است کشورهای مختلف به سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی و تقویت ظرفیت‌های فناوری پرداخته و سیاست‌های خود را بر اساس این تحولات تنظیم کنند. ساعدی در ادامه سخنان خود به استراتژی صنعتی کشورهای دیگر، از جمله امارات متحده عربی اشاره کرد. او به سیاست‌های صنعتی دولت امارات در ایجاد دسترسی به بازار سرمایه و استفاده از صندوق‌های ثروت ملی این کشور برای تقویت اقتصاد و صنعت اشاره داشت. امارات با استفاده از پلتفرم‌های نوین در نظام مالی و صنعتی خود، تلاش می‌کند تا در حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله صنعت، به یک بازیگر جهانی تبدیل شود. وی همچنین به تحولات نسل چهارم صنعتی اشاره کرد و نقش پلتفرم‌ها در ارتباط بین سیاست‌گذاران و بنگاه‌های صنعتی را مهم دانست. این نسل از صنعت‌گری به ویژه از طریق فناوری‌های نوین و تعاملات دیجیتال، به بنگاه‌ها و دولت‌ها اجازه می‌دهد تا فرآیندهای صنعتی خود را بهینه‌سازی و رقابت‌پذیری خود را در سطح جهانی ارتقا دهند.

همایش چالش‌های صنعتی شدن در ایران با همکاری بنیاد صنعتی خلیلی و دنیای اقتصاد برگزار شد.

اراده سیاسی نباشد توسعه صنعتی نخواهد بود



سطح، در درون صنعت و یا در چارچوب کلان سیاست‌های دولتی هماهنگ با صنعت قابل بررسی است.

او ادامه داد: در این مسیر تجربه سیاست‌های صنعتی شرق آسیا بررسی شده است؛ هماهنگی سرمایه‌گذاری‌های مکمل، سرمایه‌گذاری رقیب، صرفه مقیاس و واردات فناوری تنظیم گری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، آموزش اجباری کارگران، ترویج توسعه، سهمیه‌بندی ارزهای خارجی و دولت به‌مثابه یک سرمایه‌گذار خطرپذیر باید مورد توجه قرار گیرد.

جعفرتاش امیری به استراتژی صنعتی مأموریت محور اشاره کرد که سیاست صنعتی برزیل، اسکاتلند و انگلستان بر اساس آن نوشته شده است. هر کشور با چالش‌هایی مواجه است که در دل آن، فرصت‌هایی پیش می‌آید. در واقع توسعه صنعتی را با چالش‌های کشور، ارتباط می‌دهد. یعنی با مشخص شدن چالش‌ها، دولت مأموریتی می‌یابد که چالش‌های را مرتفع کند و بخش‌هایی که به رفع چالش کمک می‌کند. در این مسیر

خصوصی و اتاق ایران در تدوین استراتژی توسعه صنعتی همکاری کنیم.

در ادامه برزین جعفرتاش امیری، پژوهشگر توسعه درباره الگوی سند استراتژی توسعه صنعتی گزارشی ارائه کرد: ما بارها سیاست توسعه صنعتی تدوین کرده‌ایم ولی شکست خورده‌ایم. این شکست دلایل متعددی دارد؛ یکی از دلایل این است که دولت‌ها در اواخر دوره خود اقدام به تدوین سند می‌کردند. برای موفقیت این سند باید اراده سیاسی باشد.

جعفرتاش امیری ادامه داد: سیاست صنعتی خیلی موضوع بحث‌برانگیزی است. سیاست صنعتی مورد نظر ما گزینشی و بخشی است. اگر قبلاً می‌گفتند بهترین سیاست صنعتی، نداشتن سیاست صنعتی است، الان بازگشت به سیاست صنعتی را داریم. از سال ۲۰۱۰ به این موضوع توجه ویژه‌ای می‌شود. دونالد ترامپ در حال حاضر طرفدار جدی تعرفه‌هاست.

جعفرتاش امیری تصریح کرد: کشورهای توسعه‌یافته بیشترین استفاده را از توسعه صنعتی می‌کنند. سیاست صنعتی در دو

مرکز بهبود کسب‌وکار اتاق ایران در نشستی ظرفیت‌های بند «ت» ماده ۴۸ قانون هفتم پیشرفت را بررسی کرد. براساس ماده ۴۸ برنامه هفتم پیشرفت، وزارت صنعت، معدن و تجارت و اتاق ایران با همکاری سایر ذی‌نفعان، مکلف به تدوین استراتژی توسعه صنعتی هستند.

در این نشست، سعید شجاعی، معاون برنامه‌ریزی، نوآوری و هوشمندسازی وزارت صنعت، معدن و تجارت درباره ظرفیت ماده ۴۸ برنامه هفتم گفت: با بررسی اسناد قبلی توسعه در ایران در زمان تدوین برنامه هفتم پیشنهاد شد دولت بتواند مطالعات توسعه صنعتی انجام دهد و در صورت لزوم اولویت‌هایی دیگری برای توسعه صنعتی در نظر گرفته شود.

شجاعی گفت: قرار شد در چند گام این سند تدوین شود؛ باید جایگاه استان‌ها در سند توسعه‌ای دیده شود. اگر قرار است سندی برای توسعه صنعتی نوشته شود باید به همه عناصر اثرگذار توجه شود. برای این کار ما الگویی را تدوین کرده‌ایم که می‌توانیم چارچوب آن را بررسی کنیم و در نهایت به همراه بخش

شود؛ باید در مسیر تدوین این سند با حاکمیت همراهی و همکاری کرد. سعی کنیم این سند یک سند جامعی باشد و در زمان تدوین، تعجیل نداشته باشیم. حاجی‌نوروزی تصریح کرد: پیشنهاد اتاق ایران این است که نماینده بخش خصوصی در مسیر تدوین سند همراه وزارت صنعت، معدن و تجارت باشد. در ادامه فرزانه صمدیان، رئیس گروه صنعت، معدن و انرژی هم گفت: از سال ۱۴۰۰ تدوین سند استراتژی توسعه صنعتی در موسسه نیاوران شروع شده و مرکز پژوهش‌های اتاق ایران هم در این مسیر حضور داشت. در آن نشست‌ها به این نتیجه رسیدیم که مقدم بر استراتژی توسعه صنعتی، بهبود ساختار حکمرانی است. برای همین پیشنهاد شد که به سازوکار اجرا توجه شود. صمدیان تصریح کرد: باید از ظرفیت کمیسیون‌های تخصصی و مرتبط با موضوع استفاده شود. باید اولویت‌ها به‌دقت مشخص شود. با توجه به محدودیت درآمدی، اولویت‌ها به‌دقت انتخاب شود. مثلاً مسئله ناترازی مهم‌ترین مساله صنعت است. صمدیان به مساله کنترل فساد اشاره کرد: شاخص‌های حکمرانی بانک جهانی به شش شاخص تاکید دارد؛ توسعه صنعتی نیازمند محیط مناسب برای تولید است و در آن باید به مساله فساد و تداخل و تضاد منافع توجه شود.

کلاهی صمدی اشاره کرد: اگر سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به جایگاه و مأموریت اصلی خود بازگردد، می‌تواند در این مسیر به توسعه صنعت کمک کند. باید در این مسیر تقسیم‌کار ملی صورت گیرد.

صنعتی است. با صنایع کمادیتی محور توسعه رخ نمی‌دهد؛ باید به توسعه فناوری‌های نوین توجه شود. الان توسعه صنعتی به بازارهای و بنگاه‌های بزرگتری نیاز دارد. اتکا به بازار داخلی در توسعه صنعتی بی‌راهه است.

او ادامه داد: باید در توسعه صنعتی به آمار و عدد به‌دقت توجه شود. صنایع میانی در ایران توجیه ندارد و باید به‌های تک توجه شود. یکی از مسیرها برای توسعه صنعتی، خرید بنگاه‌های ورشکسته اروپای شرقی و غربی است؛ با توسعه این بنگاه‌ها و سرپا شدن آن برندها، می‌توانیم جایگاهی در بازار جهانی پیدا کنیم. مثلاً الگوی توسعه صنعتی تایوان الگوی خوبی برای ایران خواهد بود. رئیس کمیسیون صنعت اتاق ایران گفت: در استراتژی توسعه صنعتی به ساختار مشوق‌ها توجه شود که مانند گذشته به بیراهه نرود. سودبخشی و رشد اقتصادی را نباید در توسعه یک رشته صنعتی مورد توجه قرار دهیم. باید کیفیت توسعه صنعتی و اهمیتان مورد توجه قرار گیرد.

محمد زائری، مرکز بهبود کسب‌وکار اتاق ایران گفت: اتاق‌های سه‌گانه نماینده‌های خود را به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای تدوین استراتژی توسعه صنعتی معرفی کنند و رد ادامه چارچوب تعامل مشخص شود.

شیمیا حاجی‌نوروزی، مدیر پژوهش‌های اقتصادی هم گفت: مرکز پژوهش‌های اتاق ایران سلسله نشست‌هایی در حوزه تدوین استراتژی توسعه صنعتی برگزار کرده است. باید برای تدوین سند توسعه‌های اولویت‌ها مشخص شود. در تعیین اولویت‌ها به مساله فساد توجه

پروژه‌هایی تدوین می‌شود. او ادامه داد: برای حل چالش‌های موجود، طرح‌هایی مشخص می‌شود. استراتژی توسعه صنعتی را با رفع چالش‌های کشور هم سو می‌کند و این مزیت است.

جعفر تاش ادامه داد: قبل از تدوین سند توسعه‌ای باید ابر چالش‌ها شناسایی شود، و بعد مشخص شود که این چالش‌ها با چه مأموریتی حل می‌شود؛ سیاست اقتصاد کلان، اقتصاد بخشی و اصلاحات نهادی مورد توجه قرار می‌گیرد. در نهایت به اجرا و پیاده‌سازی این سند توجه شود. مشکل سند نویسی در ایران این است که به ملاحظات اجرا و پیاده‌سازی توجه نمی‌شد.

او در ادامه به چالش‌های مهم اقتصاد ایران اشاره کرد: بیکاری، فقر و نابرابری، تحریم‌های خارجی، ناترازی انرژی، بحران‌های محیط زیستی و مدیریت شهری، بحران آب و امنیت غذایی مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد هستند. حدود ۴۰ میلیون ایرانی در اقتصاد کار اثرگذار نیستند. او در ادامه به ۹ مأموریت دولت اشاره کرد: ایجاد اشتغال صنعتی گسترده با محوریت صنایع کم‌آبر، متنوع‌سازی سبد صادراتی، تکمیل زنجیره ارزش و افزایش ارزآوری، حل ناترازی انرژی و کاهش بحران آب و بیابان‌زایی، کاهش تنش‌های زیست‌محیطی و تحول در مدیریت شهری، ارتقای امنیت غذایی، توسعه فناوری‌ها و صنایع پیشرفته و تحول در سیاست نوآوری کشور و تحول نظام رفاهی توسعه‌ای نه توزیعی مهم‌ترین مأموریت مورد توجه دولت در تدوین سند توسعه صنعتی است.

جعفر تاش ادامه داد: چهار وظیفه دولت‌های توسعه‌گرا از نظر «آلیس امسدن» چهار محور دارد: مدیریت داخلی‌سازی، انزوای انتخابی (حمایت تعرفه‌ای)، بانکداری توسعه‌ای و ایجاد بنگاه‌های بزرگ‌مقیاس، محور توسعه صنعتی است.

در ادامه شجاعی، معاون برنامه‌ریزی، نوآوری و هوشمندسازی وزارت صنعت، معدن و تجارت اشاره کرد: ما در نظر داریم از تجربه کارشناسان و مطالعات انجام‌شده استفاده کنیم؛ در حال حاضر موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی مطالعات خوبی انجام داده است.

در ادامه علیرضا کلاهی صمدی، رئیس کمیسیون صنعت اتاق ایران گفت: نباید به کمادیتی‌های با پایین‌ترین ارزش افزوده تمرکز کرد؛ در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارج باید استراتژی نوینی تدوین شود. فرار مغزها و نبود نیروی متمرکز یکی از مشکلات اساسی توسعه



توسعه صنعتی نهاد کار دولت نیست



و دستگاه‌های مختلف ذیل دولت، متولی این کار باشد. استراتژی توسعه صنعتی امری بلندمدت‌تر است و با تغییر دولت‌ها تغییر نمی‌کند.

منصوری، استراتژی توسعه صنعتی را در چند سطح معرفت‌شناسی، اصول و قواعد استراتژیک، قانون و سیاست بررسی کرد و گفت: از محل توسعه صنعتی، به مواردی چون نظام تدبیر، حکمرانی و اقتصاد کلان رجوع می‌کند؛ نقطه آغاز کار، اقتصاد کلان نیست. یعنی ما نمی‌توانیم صبر کنیم تا مسائل اقتصاد کلان حل شود و بعد سراغ توسعه صنعتی برویم.

او ادامه داد: من به استراتژی توسعه صنعتی در زمینه بین‌المللی نگاه می‌کنم و بعد به مسائل داخلی توجه دارم. اولین نقطه توافق در حوزه توسعه صنعتی، حوزه معرفت‌شناسی است. یعنی در عین کار در حوزه معرفت‌شناختی و دکتربین، توافق ایجاد شود. البته همه این

است. از اتاق ایران هم انتظار می‌رود نسبت به این موضوع فعالانه برخورد کنند و نظر فعالان اقتصادی و بنگاه‌های صنعتی در سند استراتژی توسعه‌ای مورد توجه قرار گیرد. باید مشخص شود که سیاست صنعتی چه الزاماتی دارد و چه اولویت‌هایی باید مورد توجه باشد؟ قرار است مرکز پژوهش‌های اتاق این سلسله نشست‌هایی را برگزار کند و در تدوین این سند توسعه صنعتی از کارشناس و استادان دانشگاه نظرخواهی شود و نظرات آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

در ادامه نشست، عیسی منصوری، معاون اسبق توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: استراتژی توسعه صنعتی فراتر از سیاست‌های دولتی برای توسعه صنعتی است. تدوین سیاست صنعتی توسط یک وزارتخانه مناسب خودش است. در لایه بالاتر دولت می‌تواند تدوین سیاست کند

عیسی منصوری، معاون اسبق توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت کار دومین نشست استراتژی توسعه صنعتی در ایران تأکید کرد: ایران برای توسعه صنعتی، نیازمند حضور در شبکه جهانی، دسترسی به فناوری نوین و لجستیک است.

رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران گفت: در برنامه هفتم توسعه، ماده ۴۸ به تدوین سیاست و استراتژی توسعه صنعتی با مشارکت وزارت صنعت، معدن و تجارت و بخش خصوصی تأکید شده است.

حجت میرزایی در دومین نشست بررسی سیاست‌های صنعتی در ایران که با حضور عیسی منصوری، معاون اسبق توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شد، افزود: برای تدوین سیاست توسعه صنعتی، تلاش‌هایی از طرف وزارت صمت شروع شده بود ولی جلسات آن‌ها متوقف شده

میدان می‌آید، قیمت بالاتر می‌رود. او افزود: در دنیا برای استراتژی صنعتی سه مؤلفه در نظر می‌گیرند حضور در شبکه‌های صنعتی، شبکه‌های فناوری و دانش و مهارت و لجستیک. مالزی به‌صورت جدی بخشی از شبکه جهانی تأمین فناوری‌های کامپیوتر هستند، ما در کجای تأمین الزامات جهانی هستیم و در شبکه ارزش جهانی صنعت متعدد در کجا قرار گرفته‌ایم؟ باید اتصال بین بنگاهی شکل بگیرد و حضور در شبکه صنعتی بسیار مهم است.

او در ادامه عنوان کرد: هیچ صنعتی وجود ندارد که از ابتدا تا انتهای آن را خودش تولید کند مگر حوزه استراتژیک و امنیتی. چین اول قطعه ساز بود و الآن می‌خواهد کالای نهایی تولید کند. نقطه آغاز توسعه صنعتی، دکتترین استراتژی توسعه صنعتی است. نقطه آغاز اصلاحات کشور توسعه صنعتی است. اگر صنعت را به‌عنوان یک نقطه آغاز در نظر گرفتیم نباید صبر کنیم همه حوزه‌ها درست شود بلکه باید مبتنی بر یک یا چند نقطه سیاست‌های کلان را تعریف کنیم. به گفته منصوری، توسعه صنعتی نیازمند یک نهاد فراملی و فرادولتی است؛ توسعه صنعتی از دل قانون مجلس یا برنامه هفتم توسعه در نمی‌آید و نیازمند نهاد فراملی است.

دانش و مهارت تعیین می‌کرد و فرآیند تولید به مراحل مختلفی تقسیم می‌شود. این تخصص‌یافتگی عمودی است. هر کشوری نقشی به خود اختصاص می‌یابد. منصوری درباره دوره اول، دوم و سوم صنعتی شدن گفت: آنچه در کشور ما اتفاق افتاده، در بخش‌هایی صنعت و کسب‌وکار از نوع اول یا دوم است. یعنی وقتی اصرار داریم زنجیره را کامل کنیم یا خودکفایی کنیم، نشان می‌دهد که ما از نوع دوم کار می‌کنیم و محصول نهایی را به بازار بفرستیم.

او ادامه داد: در حوزه صنعت چند سطح را تجربه کرده‌ایم و الآن به مالکیت معنوی و تجارت آزاد رسیده‌اند که نهادهای بین‌المللی فراملی تعیین کننده‌اند. در سطح دوم کشورها و بنگاه‌ها قرار دارند و اتصال بنگاه‌ها تعیین کننده سیاست صنعتی هستند. یعنی هر قدر دولت‌ها تابع صنعت باشند، بنگاه‌ها موفق‌ترند. در نوع بنگاهی مختصات بنگاه دو کشور باهم در ارتباط‌اند ولی در سطح بین‌المللی این مشخصه‌ها مورد توجه نیست و تطابق بنگاه‌ها در سایه نهادهای بین‌المللی و فراملیتی کار دشواری است.

به گفته منصوری در سطح پایین اعتماد صنعت و بنگاه‌های کشورها به هم بیشتر می‌شود ولی وقتی دولت به

باورها در نهایت در مسیر توسعه صنعتی اثرگذار است. برای همین برخی صنعت را قدرت می‌دانند و به‌عنوان حقیقت مطلق به آن تأکید دارند و برخی چنین مطلق‌نگر نیستند. اینکه کشورها صنعت را در اختیار بگیرند، یا خود در اختیار صنعت قرار گیرند، مسیر توسعه صنعتی را تعیین و متفاوت می‌کند؛ در کشور ما هم به این هر دو طیف اعتقاد دارند.

منصوری تصریح کرد: در کشور ما در سند برنامه بودجه، توسعه به سمت توسعه روستایی گرایش داشته؛ به این صورت که وام‌های کوچک به روستاییان داده شده تا آن‌ها در همان‌جا تولید انجام دهند و همه‌جا هم تولید خود را مصرف کنند. این نوعی گرایش به اقتصاد معیشتی است. درحالی‌که محل تولید از محل مصرف از زمان ماشین بخار به بعد تغییر کرده است؛ مبتنی بر این نگاه رقابت اصلی روی مزیت بر قیمت است. معاون اسبق توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، افزود: فرض بر این است که فرد تولید انبوه می‌کند. هر تولید کننده‌ای قیمت تمام شده کمتری داشته باشد، می‌تواند بازار هدف را به خود اختصاص دهد. در ادامه مجتمع‌های صنعتی شکل می‌گیرد تا با تولید انبوه، قاعده بازی تغییر کند. در ادامه مسیر توسعه صنعتی مزیت را



توسعه صنعتی دولت توسعه گرامی خواهد



اجتماعی که مکتب دارد، از علمی بودن صرف به دور است. با قبول این پیش‌نیاز، تنوع آرا را متوجه می‌شویم و تعصب را کنار می‌گذاریم. او اظهار کرد: ما مصرف‌کننده علم اقتصاد هستیم و نمی‌توانیم مدعی آن باشیم. هر کس بدون مآخذ درباره اقتصاد ایران حرف زد، حرف‌هایش قابل‌اعتنا نیست. ما در اقتصاد صاحب مکتب نیستیم. کسی که به زبان انگلیسی، روش‌های کمی تحلیل و کامپیوتر مسلط نباشد، نباید در این حوزه ادعایی داشته باشد.

او در ادامه به ضرورت تدوین استراتژی صنعتی اشاره کرد و گفت: علت سیاست‌گذاری برای پیشرفت صنعت این است که رشد اقتصادی نوین بدون توسعه صنعتی ممکن نیست. دومین علت شکست بازار است؛ البته برخی معتقدند شکست بازار مهم نیست در حالی که شکست بازار مهم است. شکست بازار فناوری و بازار کار بسیار مهم است. اقتصاددان‌های نئوکلاسیک معتقدند که سیاست تجاری باید نسبت به صادرات و واردات خنثی باشد و خود اقتصاد آن را تنظیم

اتاق ایران هم انتظار می‌رود نسبت به این موضوع فعالانه برخورد کنند و نظر فعالان اقتصادی و بنگاه‌های صنعتی در سند استراتژی توسعه‌ای مورد توجه قرار گیرد. باید مشخص شود که سیاست صنعتی چه الزاماتی دارد و چه اولویت‌هایی باید مورد توجه باشد؟

میرزایی تصریح کرد: قرار است مرکز پژوهش‌های اتاق این سلسله نشست‌هایی را برگزار کند و در تدوین این سند توسعه صنعتی از کارشناس و استادان دانشگاه نظرخواهی شود و نظرات آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

در ادامه نشست بهروزهادی زنوز، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی با تأکید بر اهمیت و ارتباط علم اقتصاد و تاریخ اقتصاد، گفت: برای درک نظریه‌های اقتصادی باید تاریخ اقتصاد و تاریخ نظریه‌های اقتصادی را بدانیم. اقتصاد جنبه تاریخی، اجتماعی و سیاسی دارد که باید این جوانب را هم‌زمان دید. اقتصاد قوانین جهان‌شمول ندارد و قواعد آن را باید برحسب زمان و مکان به کار برد.

هادی زنوز ادامه داد: اقتصاد با ایدئولوژی همراه است و مکاتب مختلفی دارد. هر علم

در اولین نشست استراتژی توسعه صنعتی، بهروزهادی زنوز، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی با تشریح سیاست‌های صنعتی در ایران و الزامات آن، گفت: دولت توسعه‌گرا می‌تواند سیاست‌های توسعه صنعتی را در ایران پیگیری کند.

بررسی سیاست‌های صنعتی در ایران؛ تجربه گذشته و الزامات آتی، موضوع نشست حضوری و مجازی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران بود. در این نشست رئیس مرکز کمیسیون صنعت اتاق ایران و رئیس کمیسیون فناوری اطلاعات و ارتباطات اتاق ایران حضور داشتند.

حجت میرزایی، رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در ابتدای این نشست گفت: در برنامه هفتم توسعه، ماده ۴۸ به تدوین سیاست و استراتژی توسعه صنعتی با مشارکت وزارت صنعت، معدن و تجارت و بخش خصوصی تأکید شده است.

رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران افزود: برای تدوین سیاست توسعه صنعتی، تلاش‌هایی از طرف وزارت صمت شروع شده بود ولی جلسات آن‌ها متوقف شده است. از

مبتنی بر بروکراسی متکی به شایسته‌سالاری است، مورد توجه قرار گیرد.

او تصریح کرد: بخش خصوصی و جامعه باید بدانند که رانت‌های داده‌شده توسط دولت موقت، نزولی و گزینشی است. در سیاست صنعتی باید به چهار نهاد ایجاد بازار یعنی تضمین حقوق مالکیت خصوصی، نهادهای تنظیم‌کننده بازار شامل نهادهای قانونی نظارتی، نهادهای تثبیت‌کننده بازار مثل نهادهای پولی-مالی و نهادهای مشروعیت بخش به بازار که تأمین اجتماعی است، توجه شود. این نهادها دولت‌های توسعه‌گراست.

هادی زنوز درباره صنعتی شدن ایران اظهار کرد: ما هم‌زمان با دوره میجی در ژاپن، صنعتی شدن را شروع کردیم. ما زیرساخت فیزیکی، توسعه آموزش عمومی، و غیره نداشتیم. در بین دو جنگ اول جهانی و دوم، دولت مدرن ایجاد شد. این دولت ارتش نوین، بروکراسی وبری، نظام مالی، امنیت، قوانین تضمین نظام مالکیت و غیره را برقرار کرد.

او با اشاره به رشد بالای اقتصادی در سال ۱۳۴۱ الی ۱۳۵۶ گفت: از دهه چهل تا پنجاه، سیاست جایگزینی واردات در پیش گرفتیم و متوسط اقتصادی ایران ۹,۹ درصد در سال بود و عملکرد بدون نفت ۵,۱۰ بود. تا اینکه خواست از دروازه تمدن بزرگ عبور کند و منابع نفتی را به اقتصاد تزریق کرد. ما از سیاست جایگزین واردات به سیاست واردات توسعه رسیدیم و به‌رغم رشد اقتصادی، اشتغال ایجاد نشد. مهاجرت از روستا به شهر اتفاق افتاد و این سیاست سرکوب‌هایی را با نارضایتی

برای جذب سرمایه‌گذاری باید استراتژی توسعه صنعتی داشت. ما در ساختمان‌سازی مهارت خوبی داریم و نباید ترک‌ها یا چینی‌ها در این صنعت سرمایه‌گذاری کنند.

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی درباره محدودیت توسعه بنگاه‌ها از عوامل مختلفی سرمایه‌گذاری، شکست بازار سرمایه، فناوری، عوامل تولید و توزیع، مداخله‌های مختلف و ... گفت: در کشور ما اقتصاددان‌های نئوکلاسیک سیاست صنعتی تدوین می‌کنند. آن‌ها که منکر بازار و تکامل آن هستند، باید استراتژی توسعه صنعتی تدوین کنند.

هادی زنوز در ادامه درباره رابطه سیاست‌های تجاری و صنعتی و الزامات آن گفت: بین سیاست تجاری و صنعتی ارتباط وجود دارد. مثلاً انگلستان به دلیل قدرت برتر اقتصاد جهانی بودن دنبال بازار آزاد بود و مدتی بعد امریکا در این جایگاه قرار گرفت. ولی الان این سیاست به دلیل تحولاتی کمرنگ شده و دولت‌ها به دنبال سیاست‌های حمایتی هستند. شرط پیشرفت دموکراسی، پیشرفت صنعتی است. دموکراسی در هیچ کشوری که توسعه صنعتی ندارد، دیده نشده است. ولی ما از زمان مشروطه دنبال دموکراسی هستیم. مملکت دنبال ارباب - رعیتی دموکرات نمی‌شود. باید بروکراسی مبتنی برای شایسته‌سالاری باشد.

در ادامه ادبیات دولت‌های توسعه‌گرا مورد توجه قرار گرفت. دولت‌های به دولت غارت‌گرا و دولت توسعه‌گرا تقسیم می‌شوند که در دو سر طیف ایستاده‌اند. در ایران مشکل اصلی دولت است. باید خودگردانی متکی به جامعه که

کند. ما نمی‌توانیم بخش‌های آینده دار و مستعد رشد را به‌عنوان پایه رشد تعیین کنیم بلکه باید بازار این اولویت را تعیین کند.

هادی زنوز تصریح کرد: مبانی نظری سیاست صنعتی، شکست بازار است. بازار منابع کمی به تحقیق و توسعه اختصاص می‌دهد. دولت باید این کمبود را جبران کند. دولت‌ها در این حوزه باید به کمک بازار بیایند. دولت‌ها در حوزه تکنولوژی هم بی‌توجه نیستند. یعنی سیاست‌گذاری محصول شکست در بازار محصول، مهارت‌ها، فناوری اطلاعات و بازار کار است.

او درباره توسعه بنگاه‌ها نیز گفت: در توسعه بازارها عواملی مانند زیرساخت‌ها، منابع مالی، عرضه‌کننده داخلی و خارجی، فناوری، مهارت‌ها و بازار محصول را باید بررسی کرد.

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی درباره دخالت دولت، تصریح کرد: باید دخالت دولت کارکردی باشد و در حوزه زیرساخت‌ها و نوع محصول نوع خاصی از دخالت لازم است. شکست در بازار فناوری و اطلاعات یکی از دلایل دخالت دولت است. انتقال تکنولوژی و یادگیری به‌عنوان پیشروان حوزه توسعه، یکی از وظایف دولت‌ها تا پایان قرن بیستم بود.

او با اشاره به کیفیت و معیارهای این بازار، گفت: شرط رقابت کامل یا یکسان در این بازار برای خریداران و فروشندگان وجود ندارد. قدرت چانه‌زنی‌ها برای ورود تکنولوژی برابر نیست. برای ورود هر فناوری پیچیدگی‌هایی وجود دارد. سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی یکی از عوامل اثرگذار در این مسیر است. اما



توده مردم در پی داشت. این‌ها با همراهی بازار و روحانیون به ناراضیان حکومت تبدیل شدند تا اینکه حکومت سقوط کرد. بعد از انقلاب دولت توسعه جای خود را به دولت متعهد داد. در دوره سازندگی و اصلاحات کمی پیشرفت ایجاد شد و در دوره بعد نفت به یغما رفت و نظام گری اتفاق افتاد.

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی سیاست اقتصادی ایران و کره جنوبی را مقایسه کرد و گفت: کره جنوبی در دهه از حمایت جایگزینی دولت دست برداشت و پیوند دانشگاه و صنعت و توسعه ملی رخ داد و نقش راهبردی دانشگاه‌ها، نظام ملی نوآوری کارا، و خوشه‌های فناوری در دستور قرار گرفت. یکی از دلایل موفقیت کره جنوبی ثبات سیاسی، همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر کشورها، شایسته‌سالاری و ظرفیت سازمانی و استقلال ریشه‌دار داشت. کره جنوبی ژنرال توسعه بود.

به گفته‌های زنونز برای موفقیت در تجربه سیاست‌های توسعه صنعتی، باید دولت توسعه‌گرا در ایران وجود داشته باشد. باید با جهان آشتی کنیم تا سیاست صنعتی بنویسیم و گر نه این مسیر موفق نخواهد بود.

او ادامه داد: سیاست توسعه صنعتی چند بار نگاشته شد اما مورد اجرا گذاشته نشده است. در همه این سیاست‌ها به تقویت بخش خصوصی، تقویت حقوق مالکیت، توجه به اقتصاد کلان، توجه به فناوری‌های زیرساختی، انتخاب صنعت رقابت‌پذیر و تغییر سیاست خارجی و تعامل با دنیا توجه شده ولی در اجرا به آن‌ها بی‌توجهی شده است.

او معتقد است: باید همه ذی‌نفع‌ها در کنار هم سند استراتژی توسعه صنعتی بنویسند. تلقی نادرستی از تدوین استراتژی توسعه صنعتی داریم. ما در مطالعات قبلی، کارهای زیربنایی انجام نداده‌ایم. به این دلیل که هدف‌گیری صنایع راهبردی موفق نداشتند. رویکرد نادرستی به رقابت و بازارهای ساختاریافته بین‌المللی دارند. بازارهای ذره‌ای امکان توسعه ندارد. از انتقال تکنولوژی برداشت نادرستی داشتند و در طول مسیر دانش‌بنیان نشدند. در ادامه دولت بی‌ظرفیت با بحران‌های متعدد روبه‌رو شد و در چرخه معیوب فساد، مشروعیت نشانه گرفته می‌شود.

در ادامه شاپور اعتماد، پژوهشگر حوزه فلسفه گفت: مهر صنعت شدن ایران با مهر صنعتی کره با صنایع خود، فرق بنیادی داشت. آن‌ها به سمت سرمایه فرهنگی رفتند و ما به سمت سرمایه نظامی رفتیم. اما چرا آن‌ها به سمت توسعه فرهنگی رفتند؟ باید به عناصر تاریخی و عناصر تطبیقی هم‌زمان توجه کرد تا ببینیم توسعه صنعتی در ایران چگونه ممکن است.

بعد از آن علیرضا کلاهی صمدی، رئیس کمیسیون صنعت ایران گفت: چرا الیگارش‌ی در ایران بعد از این گذار تاریخی به فکر توسعه صنعتی نیفتاد. به نظر می‌رسد در شرایط حاضر و تحریم‌های خارجی علیه ایران، امکان توسعه صنعتی در ایران وجود دارد و آیا چین می‌تواند چین امکانی در اقتصاد ایران برای واردات فناوری، مدیریت تکنولوژی به کشور داشته باشد؟ مشکلات

این حوزه چه خواهد بود؟

ابراهیم بهادری، مشاور عالی رئیس اتاق تهران هم در این نشست اظهار کرد: خیلی از اهداف مورد تاکید در برنامه‌های توسعه و استراتژی توسعه صنعتی آرمان و آرزوهای ما نوشته‌شده و باید بتوانیم از این مسیر برگردیم و برنامه‌های نوشته‌شده با واقعیت اقتصاد ایران همخوانی داشته باشد. باید مشکلات موشکافی شود و راه برگشت از خطاها شناسایی شود. حتی اگر به نتیجه هم نرسیم باید مدارک و مطالعاتی انجام شود، که در اختیار سیاست‌گذاران قرار گیرد.

سادیبا آباپی، رئیس کمیسیون فناوری اطلاعات و ارتباطات اتاق ایران هم در این نشست گفت: ما بارها روی استراتژی توسعه صنعتی کار کرده‌ایم و خیلی از مطالعات ما در متن اصلی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و یا اجرا با خود سند بسیار فاصله دارد. چرا باید این قدر سند بنویسیم و در نهایت هیچ کدام به نتیجه مشخصی نرسید. اگر استراتژی مشخص صنعتی داشته باشیم، شاید بتوانیم جایگاهی در دنیا برای خود پیدا کنیم.

او تصریح کرد: باید سندها به‌موقع نوشته و اجرا شود و گر نه خروجی مشخصی نخواهیم داشت. هیچ‌کس در قبال سندها نوشته‌شده، پاسخگو نیستند. باید سیستم نظارت‌گر درباره چندوچون این اسناد سؤال کند. حتی ممکن است خیلی از دولت‌ها با تغییر رئیس‌جمهور و دولت به اسناد نوشته‌شده در دولت قبل هم توجه نمی‌کنند.



گزارش حضور انجمن مدیران صنایع در «بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی صنعت»



راه‌حل مشکلات صنعتگران و تولیدکنندگان و تقویت همکاری میان بخش‌های دولتی و خصوصی تمرکز گردید. نمایشگاه صنعت هر ساله در آبان ماه در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار می‌شود و به دلیل تعداد بالای شرکت‌کنندگان و غرفه‌داران از مهم‌ترین رویدادهای تجاری و صنعتی ایران است.

در بیست و چهارمین دوره این نمایشگاه ۳۶۰ شرکت تولیدی و صنعتی و تعدادی از شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات در ۸ سالن به برپایی غرفه پرداختند. در این نمایشگاه فرصتی برای معرفی برند انجمن مدیران صنایع و گسترش روابط با تولیدکنندگان و صنعتگران فراهم گردید.

همچنین با عنایت به برگزاری نشست‌های تخصصی در غرفه

انجمن مدیران صنایع در بیست و چهارمین دوره نمایشگاه بین‌المللی صنعت با هدف تقویت شبکه‌سازی و نقش‌آفرینی در مسیر توسعه اقتصادی کشور با برپایی پایبونی حضوری فعال داشت و در کنار انجمن برخی از شرکت‌های عضو نیز توانستند خدمات و دستاوردهای خود را معرفی نمایند.

در این رویداد که از ۱۳ الی ۱۶ آبان ماه در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار گردید، انجمن مدیران صنایع با ایفای نقشی کلیدی در تسهیل و ارتقای فضای کسب‌وکار کشور، علاوه بر شبکه‌سازی از طریق حضور در نمایشگاه با برگزاری نشست‌های تخصصی که با حضور کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه‌های مالی، تامین اجتماعی و سرمایه‌گذاری برگزار شد برای رفع مشکلات صنعت راهکارهایی ارائه نمود. در این نشست‌ها بر



روز دوم : صنعت و تامین مالی

* برگزاری نشست تخصصی تامین مالی از بازار سرمایه با توجه به «قانون تامین مالی تولید و زیرساخت‌ها»

روز سوم : صنعت و سرمایه گذاری خارجی

* برگزاری نشست بررسی روش‌های بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری خارجی

روز چهارم : صنعت و تامین اجتماعی

* برگزاری نشست بررسی مسایل و مشکلات صنعتگران در حوزه تامین اجتماعی.

روز اول - سیزدهم آبان ماه ۱۴۰۳

روز صنعت و انرژی

در روز اول نمایشگاه برخی از صاحبان صنعت و فعالان حوزه تولید از غرفه انجمن بازدید کردند.

آقایان: مهندس نصراله محمدحسین فلاح نایب رئیس هیات مدیره انجمن و رئیس هیات مدیره گروه صنعتی مشفق و مهندس میراسرافیل حجازی مدیرعامل گروه میکرو صنعت، مدیران شرکت‌های زیرمجموعه گروه پارت لاستیک (خانم موسوی مدیر توانمندسازی شرکت مانوپارت و مهندس الیاس جوادی مدیر عامل شرکت مانوپارت، مهندس نجم آبادی مدیرعامل شرکت مبتکران پزشکی سپهر)، علی پناهی

انجمن در طول نمایشگاه و حضور مسوولان و کارشناسان، فرصتی برای گسترش تعامل و ارتباط با سازمان‌ها و شرکت‌ها ایجاد شد.

در بیست و چهارمین نمایشگاه صنعت انجمن مدیران صنایع میزبان ۶ شرکت در پانویون انجمن به مدت ۴ روز بود.

شرکت کی پلاس پارس، گروه صنعتی سپاهان، شرکت رنگسازی پارت فام (سیکلمه)، شرکت پارس مشعل، کارگزاری بانک آینده و گروه میکرو صنعت.

غرفه انجمن که به لحاظ طراحی بسیار آراسته بود و با وجود فضای محدود ۸۰ متری به شکلی کاربردی میزبان جمع زیادی از افراد و مقامات در طول دوره برگزاری ۴ روزه بود. معرفی انجمن و ۶ شرکت حاضر در نمایشگاه در کاتالوگ نمایشگاهی انجمن درج شده بود که به همراه کارت ویزیت انجمن به بازدیدکنندگان تقدیم شد.

بر اساس چندین جلسه هم‌اندیشی در انجمن مدیران صنایع، در طول ۴ روز چهار نشست تخصصی برنامه‌ریزی شد و بر اساس موضوعات مطرح شده در نشست‌ها و متناسب با آن‌ها و همچنین جهت برنامه‌ریزی بهتر روزهای نمایشگاه نیز نام‌گذاری شد:

روز اول : صنعت و انرژی

* برگزاری نشست تخصصی روش‌های تامین مالی و انتقال تکنولوژی انرژی‌های تجدیدپذیر





انجمن تحقیق و توسعه و همچنین غرفه انجمن میزبان هیأتی از کشور افغانستان در روز دوم بود.

نشست روزهای اول و دوم با محوریت روش‌های تامین مالی از طریق بازار سرمایه توسط کارگزاری بانک آینده برگزار شد. در این نشست‌ها روش‌های مختلف تامین مالی از بازار سرمایه تشریح شد و سه روش کلی تامین مالی مطرح گردید: * اولین مورد تامین مالی طرح‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان که در راستای حمایت از فعالیت‌های دانش‌بنیان تعریف شده است که صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه، صندوق سرمایه‌گذاری خصوصی و تامین مالی جمعی از آن جمله‌اند.

* روش دیگر تامین مالی از طریق اوراق بهره است که اوراق اجاره و اوراق مرابحه در این دسته قرار می‌گیرد.

* و سومین روش پذیرش در بورس و فرابورس است که در این روش با توجه به بررسی صورت گرفته از شرایط و صورت‌های مالی شرکت، امکان پذیرش، درج نماد و عرضه در بازارهای مختلف بورس تهران و فرابورس ایران وجود دارد و از مزایای این روش تامین مالی این است که امکان معافیت مالیاتی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس فراهم می‌شود.

در این نشست‌ها هر کدام از موارد و روش‌های فوق تشریح گردید. همچنین به ابهامات و سوال‌های شرکت‌کنندگان نیز پاسخ داده شد و راهکارهایی به منظور تامین مالی هر کدام از فعالان اقتصادی حاضر در جلسه نیز بیان گردید.

بازرس انجمن و عضو هیأت مدیره گروه صنعتی سدید نیز از جمع بازدیدکنندگان در روز اول بودند.

با نام‌گذاری روز اول نمایشگاه با نام روز صنعت و انرژی، نشست «روش‌های تامین مالی و انتقال تکنولوژی انرژی‌های تجدیدپذیر» سیزدهم آبان در محل غرفه انجمن با حضور آقایان: دلیر عضو هیأت مدیره کارگزاری بانک آینده و پایون معاون عملیات این کارگزاری به عنوان ارائه‌دهندگان موضوع و حضور مدیران بازدیدکننده برگزار شد.

روز دوم - چهاردهم آبان ماه ۱۴۰۳

در روز دوم نمایشگاه نیز برخی دیگر از صاحبان صنعت و فعالان حوزه تولید در غرفه انجمن حضور داشتند.

آقایان: دکتر سهیل یزدانبخش عضو هیأت مدیره انجمن مدیران صنایع و رئیس هیأت مدیره گروه صنعتی پارت لاستیک، مهندس پیمان یزدانبخش مدیر ارشد گروه صنعتی پارت لاستیک، دکتر علیمردان شیبانی مدیر عامل صنایع مکت همدان، دکتر نورمحمدی مدیر عامل شرکت رنگسازی پارت فام (سیکلمه)، مهندس منوچهر سپهری مدیرعامل شرکت پارس مشعل، آرش سپهری مدیرعامل شرکت خورشیدی پارس، مهندس مهدی نصراله مدیرعامل کارگزاری بانک آینده، علی معصومی دبیرکل و عضو هیأت مدیره انجمن تحقیق و توسعه و نوآوری صنایع و معادن ایران و علیرضا خانجانی مدیر اجرایی





روز سوم - پانزدهم آبان ماه ۱۴۰۳ صنعت و سرمایه‌گذاری خارجی

در این روز انجمن میزبان با صاحبان صنعت و فعالان حوزه تولید بود. آقایان: دکتر اسکندر ستوده عضو هیات مدیره انجمن مدیران صنایع، دکتر سیدباقر شریفزاده رئیس هیات رئیسه انجمن مدیران صنایع در آذربایجان شرقی و مدیرعامل شرکت هواسان، دکتر بهرامی معاون مدیرکل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی، مهندس جواد کسروی دبیر کل انجمن سرمایه‌گذاری مشترک ایرانی و خارجی، دکتر مرتضی طالع ماسوله رئیس بنیاد ملی توسعه و تعالی گردشگری در غرفه انجمن حضور داشتند.

با نام‌گذاری روز سوم با نام روز صنعت و سرمایه‌گذاری خارجی، نشست «بررسی روش‌های بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری خارجی» برگزار شد.

در این نشست آقای دکتر بهرامی با اشاره به این موضوع که به دلیل اعتبار شش ماهه مجوزها سرمایه‌گذاری و امکان ابطال آن و سرمایه‌گذاری‌های بدون مجوز سازمان به طور دقیق نمی‌توان عدد و رقمی اعلام نمود. رقم سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۴۰۲ را ۵/۵ میلیارد دلار بیان کرد.

وی افزود: از نظر سازمان سرمایه‌های که فعالان اقتصادی از خارج وارد کنند و ناشی از فعالیت اقتصادی خارج از کشور باشد تحت عنوان

سرمایه‌گذاری خارجی تعریف می‌شود و هر شخصی درخواست مجوز بدهد اعم از این که سرمایه را به صورت تجهیزات و ماشین-آلات وارد کند تحت عنوان سرمایه‌گذاری خارجی تعریف می‌شود.

دکتر اسکندر ستوده در مخالفت با این تعریف بیان کرد: تعریف ارائه شده از جانب سازمان در خصوص واردات مواد اولیه تحت عنوان «واردات بدون انتقال ارز تعریف می‌شود»، در صورتی که سرمایه‌گذاری خارجی باید برای کشور ارزش افزوده ایجاد کند و به بیان ایشان بدون FATF صحبت از سرمایه‌گذاری خارجی بی‌معنا است. به گفته دکتر بهرامی اگر کسی به عنوان صنعتگر مواد اولیه نیاز داشته باشد و سرمایه‌گذار خارجی نیز باشد که سرمایه‌ای برای این کار در اختیار او قرار دهد، این امر از طریق تهاتر می‌تواند انجام شود و این شیوه‌ای برای ورود سرمایه است.

وی همچنین با اشاره به تجربه برجام و حضور سرمایه‌گذاران در ایران، بیان داشت: آن دوران سازمان‌ها بیشتر سرگرم شرکت در جلسات شدند و کشتش و چابکی لازم برای استفاده از فرصت پیش آمده وجود نداشت.

بعد از تجربه برجام، در ۳۱ استان مراکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی دایر شد و تحت عنوان «ورک شاپ‌ها» اقدام به آموزش فعالان محلی کردیم. وی در پاسخ به سوالی در خصوص اولویت‌های دولت در این زمینه گفت فرصت‌های سرمایه‌گذاری به صورت مداوم از طریق





مدیران صنایع و آقایان: مهندس علیرضا بینا نایب رئیس هیات رئیسه انجمن اصفهان و جمعی از اعضای انجمن در اصفهان، مدیرعامل شرکت کی پلاس پارس و مهندس هاشمی مدیر فروش این شرکت، مهندس بیژن محبی مدیرعامل شرکت آساده صنعت، مرتضی رجبی کارشناس ارشد حوزه روابط کار، مهندس مرتضی توجه مدیرعامل شرکت میرآب و مجید غلامی مدیر مالی این شرکت، دکتر ریاضی مشاور معاون رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دکتر سیداحمد رشیدی معاون مدیرکل وصول حق بیمه سازمان تامین اجتماعی و مهندس صدری رئیس خانه صنعت و معدن جوانان از غرفه انجمن بازدید کردند.

با نام‌گذاری روز چهارم با نام «روز صنعت و تامین اجتماعی»، نشست بررسی مسایل و مشکلات صنعتگران در حوزه تامین اجتماعی» با حضور آقایان: دکتر ریاضی مشاور هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی و دکتر سیداحمد رشیدی معاون مدیرکل وصول حق بیمه سازمان تامین اجتماعی به عنوان ارائه‌دهندگان موضوع و حضور مدیران بازدیدکننده برگزار شد. در این نشست دکتر ریاضی تعادل مالی صندوق‌های بیمه ای را به عنوان مهمترین اصل برای ارائه خدمات این صندوق‌ها بیان کرد و گفت ورودی‌های صندوق تامین اجتماعی صرف پرداخت هزینه‌های صندوق می‌شود و برای پرداخت ماهانه به بیش از ۴

سازمان توسعه تجارت اعلام می‌شود و با برگزاری کمیته‌های مشترک در کنار کمیسیون‌های اقتصادی مشترک با کشورهای همسایه، فرصت‌های سرمایه‌گذاری نیز اعلام می‌شود.

در این نشست دکتر مرتضی طالع ماسوله رئیس بنیاد ملی توسعه و تعالی گردشگری مشکلات موجود را حاکم بودن تفکر دولتی عنوان کرد و گفت تا زمانی که تفکر خصوصی از دولتی جدا نشود مشکلات پابرجاست و تا وقتی که اراده‌ای برای تغییر شکل نگیرد اتفاقی نخواهد افتاد و این امر نیازمند پرداختن به کودکان و توانمندسازی آن‌هاست. برنامه‌ریزی برای نسل آینده باید انجام گیرد تا جوانان بتوانند با دنیا ارتباط برقرار کنند و ابهامات و دشمنی‌ها از بین برود. قرن ۲۱ قرن آینده‌نگری و آینده‌سازی است.

دکتر طالع در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به کشف مدل نیاکان ایران زمین بیان کرد: مدل تجارت پدران این سرزمین باید کشف شود و راه‌های موفقیت آنان بیان شود تا بتوانیم مدل‌های موفق آینده را تعریف و روش‌های نیاکان را احیا کنیم.

روز چهارم - ۱۶ آبان ماه ۱۴۰۳

روز صنعت و تامین اجتماعی

در آخرین روز نمایشگاه صنعت صاحبان صنعت و فعالان حوزه تولید سرکار خانم هریسچیان عضو محترم هیات مدیره انجمن





فعالیت دبیرخانه انجمن در غرفه نمایشگاه

علاوه بر حضور صاحبان صنعت و مدیران عضو انجمن و مقامات مدعو، در این نمایشگاه انجمن مدیران صنایع میزبان ۱۵۰ نفر بازدیدکننده از صنوف مختلف بود که همکاران انجمن اقدام به معرفی انجمن کردند. همچنین با حضور در غرفه‌های حاضر ضمن دعوت به بازدید از غرفه و شرکت در نشست‌های تخصصی به معرفی انجمن پرداختند و توضیحاتی در خصوص فعالیت‌های انجمن ارائه دادند.

ضمناً مذاکراتی نیز با برخی شرکت‌های خارجی حاضر در نمایشگاه انجام شد که اظهار تمایل به همکاری با انجمن داشتند و می‌تواند زمینه مناسبی جهت تامین نیازهای تولیدکنندگان و صادرات محصولات آنان باشد.

در آخرین روز دبیر کل انجمن مدیران صنایع با آقای دکتر احمدوند دبیر ستاد توسعه فناوری نانو و میکرو در پانزدهمین نمایشگاه فناوری نانو ملاقات داشتند و در خصوص نحوه همکاری و تعامل مشترک تصمیماتی اتخاذ گردید. همچنین از برخی از غرفه‌های اعضای انجمن در نمایشگاه نیز بازدید شد.

در این روز به حامیان انجمن در نمایشگاه صنعت لوح تقدیری به رسم یادبود اهدا گردید و از مدیران عامل مجموعه‌های حاضر تقدیر به عمل آمد.

میلیون نفر از مستمری بگیران صندوق، بحث وصول مطالبات بسیار حساس است و بر اساس قانون نیز سازمان تامین اجتماعی بدون نیاز به پرونده‌های اداری و قضایی می‌تواند مطالبات را وصول کند. اگر کارفرمایان تکالیف خود را انجام ندهند صندوق دچار مشکل می‌شود و به اعتقاد او بسیاری از مشکلات کارفرمایان ناشی از عدم اشراف کارفرمایان به قوانین سازمان تامین اجتماعی است. وی دو موضوع را از یکدیگر تفکیک کرد: اول اینکه قوانین و مقررات سازمان باید رعایت شود و دوم اینکه اگر موردی ایراد دارد باید در مرجع مربوطه اصلاح شود. مانند مورد بازرسی ده ساله دفاتر که سازمان مجبور به اصلاح این موضوع شد.

از دید کارفرمایان مطالب مطرح شده فوق در حالی است که در کنار رعایت قوانین و مقررات توسط کارفرمایان، مجریان سازمان قوانین را رعایت نمی‌کنند و علی‌رغم تلاش کارفرمایان به اشراف به قوانین، صدور بخشنامه‌های متعدد و خلق‌الساعه مشکلات مضاعفی را برای کارفرمایان ایجاد می‌کند.

علاقه‌مندان برای مطالعه مشروح کامل این نشست می‌توانند به سایت انجمن و گزارش شماره ۱۲۱ - ویرایش دوم تحت عنوان «بررسی مسائل و مشکلات کارفرمایان با سازمان تامین اجتماعی» مراجعه کنند.





جابه‌جایی رانت ارزی

همتی چه می‌گوید؟

عبدالناصر همتی که به‌طور غیررسمی سخنگویی مسائل کلان اقتصاد را در اختیار گرفته و دیروز و امروز پا به پای رئیس بانک مرکزی به مجلس رفته است درباره دلایل اجرایی شدن راهبرد تازه در سیاست‌های ارزی می‌گوید به این دلیل که چندنرخ بودن به فساد اقتصادی منجر می‌شود و جریان رانت‌خواری را تشدید می‌کند باید به سوی تک‌نرخ کردن ارز پیش برویم و نباید با اعطای دلار ارزان تقاضای ارز را شتاب‌آلود کرده و کسانی را که تجارت خارجی هم نمی‌کنند در صف دریافت‌کنندگان ارز قرار داد.

رانت جابه‌جا می‌شود

منتقدان راهبرد تازه ارزی دولت و بانک مرکزی باور دارند که سیاست تازه ارزی و تک‌نرخ کردن ارز برای فروش در بازار توافقی

در این روزها هیچ مساله اقتصادی به اندازه تغییرات قیمت ارزهای معتبر و نیز سیاست ارزی مبهم دولت و مخالفت‌های پرشمار با سیاست ارزی جدید و نیز موافقت با این راهبردها در چشم و گوش شهروندان فرو نرفته است. شهروندانی که جز نیروی کار خود چیزی برای فروش ندارند و شمارشان نیز بخش قابل‌اعتنایی از جمعیت را شامل می‌شود منتقد و خشمگین هستند و می‌گویند دولت می‌خواهد با گران کردن دلار کسری بودجه خود را جبران کند.

فعالان صنعتی نیز با احتیاط به سیاست‌های ارزی دولت نگاه کرده و باور ندارند بانک مرکزی و نیز وزیر اقتصاد بتوانند این سیاست را ادامه دهند زیرا فشار سیاسی به شتاب گرفتن قیمت دیگر کالاها وضعیت مصرف‌کنندگان را بدتر کرده و احتمال بروز رفتارهای ناشناس از سوی تهیدستان را افزایش می‌دهد.

دلار سیاسی

در این میان، اخیراً با گشایش بازار ارز تجاری به‌عنوان یک بستر رسمی برای معاملات ارزی، نوسانات ارزی روند صعودی پیدا کرد. با این حال، بسیاری از کارشناسان ریشه نوسانات ارزی اخیر را در ریسک‌های سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی عنوان کرده‌اند. به عقیده آنها، تداوم جنگ غزه و گسترش دامنه آن در منطقه، درگیری‌های میان ایران و اسرائیل، تغییر غیرمنتظره دولت در ایران، جنگ رژیم صهیونیستی با حزب‌الله لبنان و موارد دیگری از جمله سقوط دولت در سوریه از عواملی است که ریسک‌های سیاسی و متعاقب آن اقتصادی به همراه داشته است. هفته پیش نیز رئیس کل بانک مرکزی اظهار کرد: از روزی که بانک مرکزی اطلاعیه بازار ارز توافقی را منتشر کرد، موج شدیدی از اخبار کاملاً برنامه‌ریزی شده خارجی و عملیات روانی خارجی آغاز شد تا اثرات مثبت آن را کاهش دهد و تمامی مطالب مطرح‌شده همگی عملیات روانی بود.

از سوی دیگر، تاکید سکاندار وزارت اقتصاد بر کاهش رانت‌دهی و مبارزه با آن است. همتی روز گذشته، به مجلس رفت تا در رابطه با سیاست‌گذاری‌های ارزی با نمایندگان مجلس گفت‌وگو کند. وی پس از آن جلسه در پستی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «نکاتی که امروز در جلسه کمیسیون اقتصادی مجلس گفتم دقیق و از روی صداقت با مردم و نمایندگان بود؛ مردم بدانند از روزی که وزارت اقتصاد را تحویل گرفتم و مبارزه با رانت‌خواری را شروع کردم یک روز آسوده نبوده‌ام. هر روز یک خبر جعلی و فیک درست کرده‌اند تا اراده ما در حذف رانت‌ها را کاهش دهند اما فقط انگیزه‌ام از پذیرش مسوولیت ایجاد تحولات بزرگ و حل بحران‌های عظیم کشور در راستای منافع و معیشت مردم با کمک شخص رئیس‌جمهوری بوده است بنابراین با قدرت این مسیر را در جهت منافع مردم ادامه می‌دهیم.»

نگاه مجلس به سیاست‌های ارزی اخیر

در این بین کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی هم بعد از نشست با وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی که حول بررسی تحولات ارزی کشور برگزار شد، اعلام کرد: بانک مرکزی در راستای تکلیف جزء (۱) بند (ب) ماده ۴ قانون برنامه هفتم پیشرفت، بازار ارز تجاری را ایجاد و سقف دستوری نرخ ارز در سامانه نیما را حذف کرده است، مجلس از این اقدام حمایت می‌کند و ارتباط دادن افزایش نرخ غیررسمی ارز به حذف سقف سامانه نیما، فاقد ادله نظری و خلاف تجربه مشابه است. در گزارش کمیسیون اقتصادی مجلس آمده است که بازار ارز تجاری گامی مثبت در راستای ایجاد یک بازار مبادله‌ای برای رفع ایرادات سامانه نیما و ساختار بازار ارز کشور است و قدرت بازارسازی بانک مرکزی و مرجعیت این بانک در بازار ارز را افزایش می‌دهد. با این حال، انتظار از بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و سایر وزارتخانه‌هایی که به‌نوعی تامین‌کننده درآمد ارزی کشور هستند، این است که به نحوی برنامه‌ریزی کنند که روند بازگشت ارز حاصل از صادرات تسریع شود. دیروز چهارم دی ماه نیز، یک جلسه غیرعلنی در مجلس شورای اسلامی با حضور وزیر اقتصاد و روسای بانک مرکزی و سازمان برنامه‌بودجه تشکیل شد که محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در این رابطه گفت: محور بحث در نشست نظارتی، موضوع ارز، تبادلات ارزی و تراز ارزی در کشور بود. به گفته قالیباف، در این نشست غیرعلنی مباحث بسیار دقیق، خوب و کارشناسی مطرح شد و حتماً دولت و مجلس مصمم هستند در حوزه ثبات نسبی بازار ارز براساس همان چیزی که در قانون پیش‌بینی شده گام بردارند و امیدواریم بتوانیم نیاز حوزه ارز در بعد کاربردی، تجاری و صنعتی و ثبات بازار ارز و بازار تبادل ارزی، چه برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان و همچنین بخشی که بحث واردات را انجام می‌دهند، تامین کنیم.

شاید به کاهش رانت واردات منجر شده و شاید به کاهش واردات منجر شود اما این راهبرد به جابه‌جا کردن رانت می‌رسد. به‌طور مثال وقتی به صادرکنندگان بزرگ که در صنعت نفت و میعانات گازی و فولاد هستند مهلت یک‌ماهه داده می‌شود که ارزهای خود را از بهمن ماه به بازار توافقی بیاورند با توجه به روند قیمت ارز توافقی که از ۲۶ آذر تا امروز روندی فزاینده داشته این مهلت به سود آنها خواهد بود. با توجه به اینکه سهام قابل توجهی از سهام شرکت‌های پتروشیمی در اختیار نهاد دولت و بخش خصوصی است این راهبرد به جابه‌جایی رانت منجر می‌شود.

از سوی دیگر وقتی به پتروشیمی‌ها اجازه داده می‌شود دلارهای خود را دیرتر به بازار توافقی بیاورند قیمت سهام آنها افزایش یافته و نوعی تبعیض رخ می‌دهد که این هم یک رانت بزرگ به حساب می‌آید.

کار ارز به مجلس کشیده شد

به گزارش ایسنا دوشنبه و سه‌شنبه دولت و مجلس طی جلساتی علنی و غیرعلنی سیاست‌های ارزی را تبیین و بررسی کردند و اعلام شد که حتماً دولت و مجلس مصمم هستند در حوزه ثبات نسبی بازار ارز براساس همان چیزی که در قانون پیش‌بینی شده گام بردارند تا بازار ارزی عملکرد بهتری داشته باشد. مدت‌هاست که موضوع ارز، نوسانات ارزی، تک‌نرخ یا چندنرخ بودن آن و ایجاد یک بازار رسمی ارز به‌عنوان محورهای سیاست‌گذاری ارزی و پولی به موضوع داغ اقتصاد ایران بدل شده و نظام ارزی کشور به علت واقعیت‌های اقتصادی با تحولات روبه‌رو شده است؛ به‌طوری که اکثر کارشناسان اقتصادی و همچنین سیاستگذاران پولی، نبود یک نظام ارزی شفاف و رسمی در کشور را به‌عنوان یکی از پاشنه‌های آشیل نظام ارزی و متعاقب آن اقتصاد کشور بیان کرده‌اند. یکی دیگر از مسائل مهم در این رابطه، موضوع چندنرخ بودن ارز و اثر آن بر نوسانات ارزی است. چندی پیش، عبدالناصر همتی، وزیر امور اقتصادی و دارایی در این رابطه گفته بود در سال ۱۴۰۲ به‌علت چندنرخ بودن ارز، ۱۷۰۰ همت رانت در کشور توزیع شده است.



شاخص مدیران خرید کل اقتصاد به عدد ۴۵/۵ رسید

کاهش کم سابقه فعالیت‌های اقتصادی



داده است و این در حالی است که بیشتر بنگاه‌ها (خصوصاً بنگاه‌های کوچک و متوسط) با کمبود منابع مالی، عدم تخصیص ارز و کاهش دسترسی به تسهیلات روبه‌رو هستند.

طبق بررسی‌ها، در آذرماه امسال، کاهش تقاضای داخلی نیز رکود را در اقتصاد تشدید کرده است و کاهش شاخص صادرات در ماه‌های اخیر نیز بیانگر آن است که تقاضای خارجی نتوانسته کاهش تقاضای داخلی را جبران کند. رفع مشکلات موجود در سیاستگذاری داخلی و موانع تجاری که به تضعیف تجارت خارجی منجر شده است، از جمله اصلاح سیاست‌های مرتبط با رفع تعهد ارزی با توجه به فشارهای قیمتی موجود، می‌تواند باعث تقویت صادرات شود. از نتایج آمار و اطلاعات اقتصادی و نظرسنجی‌های انجام‌شده از فعالان چنین برمی‌آید که برای جلوگیری از تعمیق رکود در بخش تولید، سیاستگذاران باید بر تحریک تقاضا، کاهش هزینه‌های تولید و تقویت صادرات تمرکز کنند. این اقدامات می‌تواند به بازگشت بخش صنعت به مسیر رشد کمک کند.

هشدارهای شامخ از نگاه آمار

شاخص مدیران خرید کل اقتصاد در آذر ۱۴۰۳، معادل ۴۳/۹ محاسبه شده که کمترین مقدار از اردیبهشت‌ماه است و پس از تعدیل فصلی نیز این شاخص ۴۵/۵ برآورد شده که کمترین مقدار از تیرماه محسوب می‌شود. شاخص «میزان تولید محصول یا ارائه خدمت» به کمترین مقدار چهارماهه رسیده، شاخص «میزان سفارشات جدید مشتریان» کمترین مقدار از تیرماه

فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی در آذرماه سال جاری تحت‌تاثیر عواملی همچون قطعی برق و گاز و نوسان‌های ارزی به‌طور چشمگیری کاهش یافته‌اند. شاخص مدیران خرید کل اقتصاد در آذرماه وارد محدوده رکود و انقباض شده و از کاهش قابل توجه در همه مولفه‌های اصلی و فرعی حکایت دارد. شاخص مدیران خرید بخش صنعت نیز در ماه مورد اشاره، معادل ۴۴/۸ برآورد شده که نسبت به ماه قبل ۵/۸ کاهش قابل توجهی داشته است و کمترین مقدار پنج‌ماهه را از مردادماه به ثبت رسانده است. در چنین شرایطی است که پیش‌بینی فعالان اقتصادی از آینده نیز چندان امیدبخش نیست، به‌گونه‌ای که شاخص «انتظارات در مورد میزان فعالیت اقتصادی در ماه آینده»، با سقوط بی‌سابقه، به کمترین میزان ۳۱ ماهه از خرداد ۱۴۰۱ رسیده است. در این حال، «تمرکز بر تحریک تقاضا»، «کاهش هزینه تولید» و «تقویت صادرات» از جمله مهم‌ترین توصیه‌های فعالان اقتصادی به سیاستگذاران به‌شمار می‌رود.

به گزارش اتاق ایران آنلاین، در آذرماه ۱۴۰۳، روند شامخ ترکیبی کل اقتصاد به‌طور قابل توجه کاهش یافته و یکی از عمیق‌ترین رکودهای اقتصاد ایران در این ماه به ثبت رسیده است. شامخ صنعت نیز، پس از حذف اثرات فصلی، به شدت و به‌گونه‌ای کم‌سابقه، کاهش یافته است.

نتایج بررسی‌های مرکز پژوهش‌های اتاق ایران نشان می‌دهد: کمبود منابع انرژی و قطعی برق، مشکل اصلی بخش تولید بوده و باعث شده است تا بنگاه‌های تولیدی بسیار پایین‌تر از ظرفیت خود فعالیت کنند. علاوه بر این، شوک‌های افزایشی نرخ ارز، هزینه تامین نهاده‌ها را برای بنگاه‌ها افزایش



است، شاخص «سرعت انجام و تحویل سفارش مشتریان» کمترین مقدار از بهمن ۱۴۰۱ بوده و شاخص «میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی» بعد از دوماه متوالی کاهش، به کف چهارماهه رسیده است.

بررسی مولفه‌های شاخص آذرماه نشان می‌دهد، در این ماه، شاخص «موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده» در پایین‌ترین رکورد ۲۲ ماهه از اسفند ۱۴۰۱ قرار دارد، در حالی که شاخص «قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری شده» بیشترین مقدار از اردیبهشت ۱۴۰۲ را به ثبت رسانده است.

از نگاهی دیگر، شاخص «موجودی محصول نهایی در انبار یا کارهای در حال تکمیل» کمترین مقدار از مرداد ۱۳۹۹ را ثبت کرده و شاخص «انتظارات در مورد میزان فعالیت اقتصادی در ماه آینده»، با سقوط بی‌سابقه، به کمترین میزان ۳۱ ماهه از خرداد ۱۴۰۱ رسیده است.

روایت فعالان اقتصادی از مشکلات

آنگونه که فعالان اقتصادی اعلام کرده‌اند، قطعی گسترده برق هزینه‌های بسیاری را بر شرکت‌ها تحمیل کرده است و بسیاری از شرکت‌ها در آذرماه نیمه تعطیل بوده‌اند یا ظرفیت پایین تولید کرده‌اند. در همین حال، حذف ارز نیمایی و همچنین زمان بر بودن فرآیند تخصیص ارز از سوی وزارت صمت و بانک مرکزی، از طرف دیگر قطعی‌های برق و گاز باعث شده تا بسیاری از شرکت‌ها متضرر و برای کاهش هزینه‌ها ناچار به تعدیل نیروی انسانی شوند. افزون بر این، تخصیص ناعادلانه تسهیلات و کمبود شدید نقدینگی و پیش‌بینی ناپذیری اقتصاد، بسیاری از شرکت‌ها را در آستانه تعطیلی قرار داده است. به گفته فعالان اقتصادی، افزایش شدید نرخ ارز بر کمبود مواد اولیه اثر گذاشته و با توجه به مشکلات تامین منابع مالی، مواد اولیه خارجی را بسیار گران کرده و فرآیند تولید بسیار هزینه‌بر شده است. در این حال، حذف ارز نیمایی هزینه تولید را برای شرکت‌ها افزایش داده و همزمان به دلیل افزایش نرخ ارز و تورم بالای نهاده‌ها انتظار افزایش قیمت‌های فروش برای ماه‌های آتی وجود دارد. فعالان اقتصادی با توجه به شرایط تورمی نرخ ارز و نااطمینانی و ریسک‌های بازار، انتظارات منفی و ناامیدی بیشتری نسبت به ماه‌های آتی دارند. برخی شرکت‌ها در فرآیند ترخیص واردات مواد اولیه در گمرک مشکلات زیادی دارند. فرآیند ثبت سفارش مواد اولیه در سامانه با چالش‌های زیادی همراه است، همچنین عدم ارائه تسهیلات و تخصیص ناعادلانه تسهیلات و بی‌ثباتی قیمت‌ها و نرخ ارز شرکت‌ها را با کمبود منابع مالی برای ادامه فعالیت‌ها روبه‌رو کرده است.

شاخص مدیران اقتصاد

آخرین نظرسنجی انجام شده نشان می‌دهد که شاخص مدیران خرید کل اقتصاد در آذر ۱۴۰۳، معادل ۴۳/۹ محاسبه شده است. شاخص مذکور نشان می‌دهد، رشد فعالیت‌های اقتصادی در این ماه نسبت به ماه قبل کاهش یافته و کمترین مقدار را از اردیبهشت‌ماه داشته است. این در حالی است که پس از تعدیل فصلی، شاخص مذکور برای آذر معادل ۴۵/۵ برآورد شده که حاکی از آن است که میزان فعالیت‌های اقتصادی در این ماه نسبت به ماه قبل ۵/۱٪ کاهش قابل توجهی داشته و به کمترین مقدار خود از تیرماه رسیده است تا از ابتدای سال برای پنجمین بار، رکود و قرار گرفتن در محدوده کمتر از ۵۰ را ثبت کند. رکود مذکور باید به‌عنوان یک زنگ خطر برای سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی تلقی شود. اعمال سیاست‌های حمایتی، تقویت تقاضا و مدیریت ریسک‌های اقتصادی مانند افزایش تورم، نوسانات نرخ ارز و محدودیت‌های مالی می‌تواند به تثبیت شرایط و جلوگیری از تشدید رکود کمک کند. شاخص «میزان تولید محصول یا ارائه خدمت» در آذرماه بعد از تعدیل فصلی، معادل ۴۶/۲ محاسبه شده و کمترین مقدار چهارماهه خود را به ثبت رسانده است.

با قطعی‌های گسترده برق و بی‌ثباتی نرخ ارز مجدداً روند فعالیت کسب و کارها کاهش یافته و برای هفتمین بار از ابتدای سال کمتر از محدوده ۵۰ قرار گرفته است. در عین حال با افزایش شدید نرخ ارز و افزایش تورم قیمتی و کاهش قدرت خرید مشتریان، تقاضا برای کالاها و خدمات با کاهش روبه‌رو شده در نتیجه تولیدکنندگان با کاهش سفارشات مواجه شده‌اند. به طوری که شاخص «میزان سفارشات جدید مشتریان» کل اقتصاد در آذرماه، پس از حذف اثر فصلی، معادل ۴۱/۸ برآورد شده و کمترین مقدار خود را از تیرماه به ثبت رسانده و برای هفتمین بار از اردیبهشت‌ماه کاهش یافته است.

شاخص «سرعت انجام و تحویل سفارش»، ۴۸/۸ محاسبه شده و کمترین مقدار خود را از بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱ به ثبت رسانده است. به دنبال نیمه تعطیل بودن شرکت‌ها ناشی از کمبود انرژی و همچنین در شرایطی که شرکت‌ها با کمبود منابع مالی روبه‌رو هستند، افزایش شدید نرخ ارز تامین مواد اولیه را با کمبود روبه‌رو کرده و سرعت فرآیند کسب و کار با کندی روبه‌رو شده است.

شاخص «میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی» مقدار ۴۷/۸ محاسبه شده است. شاخص مذکور که برای دومین ماه پیاپی کاهش یافته، کمترین مقدار چهارماهه اخیر را به ثبت رسانده است. تداوم مشکلات به‌ویژه نیمه تعطیل بودن شرکت‌ها و افزایش نرخ ارز باعث تشدید رکود در کسب و کارها شده و شرکت‌ها برای کاهش هزینه‌های خود ناچار به کاهش در استخدام نیروی انسانی شده‌اند. شاخص «موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده»، پس از حذف اثر فصلی به عدد ۴۵/۵ به دست آمده و طی ۲۲ ماه گذشته از اسفند ۱۴۰۱ تاکنون، کمترین مقدار خود را ثبت کرده است. به دلیل افزایش نرخ ارز و کمبود نقدینگی بسیاری از کسب و کارها در تامین نهاده‌های خود با مشکل روبه‌رو بوده‌اند و فرآیند ثبت سفارشات و تخصیص ارز همچنان بسیار زمان‌بر است. بر همین اساس، شاخص «قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری شده» با مقدار ۸۳/۹ بیشترین مقدار خود را از اردیبهشت ۱۴۰۲ به ثبت رسانده است. این شاخص منعکس‌کننده فشارهای قیمتی بر کسب و کارها و نقش آن در کاهش توان رقابتی و تولید اقتصادی است. با افزایش فشار هزینه‌های تامین نهاده‌ها، شاخص «قیمت محصولات تولید شده و خدمات ارائه شده» با عدد ۶۱/۵ بیشترین مقدار هشت‌ماهه خود از اردیبهشت‌ماه را ثبت کرده است. با این حال، افزایش قیمت‌های فروش، به شدت افزایش قیمت نهاده‌ها نبوده و از آنجایی که معمولاً اثرگذاری آن با وقفه زمانی در زنجیره تولید صنایع و خدمات کسب و کارها روبه‌رو است، پیش‌بینی می‌شود طی ماه‌های آتی بسیاری

فعالیت‌های صنعتی است که ناشی از کمبود منابع انرژی، افزایش هزینه‌های تولید، مشکلات زنجیره تامین و کاهش تقاضاست.

شاخص «مقدار تولید محصولات» در آذرماه پس از تعدیل فصلی، ۴۴/۳ محاسبه شده است. شاخص مذکور کمترین مقدار پنج‌ماهه از مردادماه را به ثبت رسانده است. بسیاری از شرکت‌ها به دلیل کمبود انرژی، قطعی برق، افزایش نرخ ارز و هزینه‌های بالای تامین نهاده‌های تولید، نیمه‌تعطیل بوده و با ظرفیت تولید بسیار پایین‌تر از توان خود فعالیت کرده‌اند و بسیاری از آنها، افزایش رکود در تولید را طی ماه آینده پیش‌بینی کرده‌اند.

شاخص «میزان سفارشات جدید» در آذرماه پس از تعدیل فصلی ۴۷/۱ ثبت شده است، این شاخص که نسبت به ماه قبل کاهش داشته، کمترین مقدار پنج‌ماهه، از مرداد را به ثبت رسانده است. افت قدرت خرید مصرف‌کنندگان، رکود اقتصادی و افزایش هزینه‌های تولید از عوامل اصلی این کاهش هستند به طوری که کاهش سفارشات منجر به کاهش رشد فروش، پیش‌بینی درآمد و اشتغال در کسب‌وکارها و تشدید رکود اقتصادی می‌شود. شاخص «میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی» در آذرماه، پس از تعدیل فصلی ۴۸/۹ به دست آمده است که کمترین مقدار پنج‌ماهه خود را به ثبت رسانده است. همزمان با کاهش تولید و تحمیل هزینه‌های ناشی از قطعی‌های برق و افزایش فشار هزینه‌های تولید ناشی از افزایش نرخ ارز و قیمت مواد اولیه، برخی شرکت‌ها برای کنترل هزینه‌های خود ناچار به کاهش نیروی انسانی شده‌اند. شاخص «موجودی مواد اولیه» در آذرماه، پس از تعدیل فصلی، معادل ۴۳/۶ برآورد شده است. شاخص مذکور کمترین میزان خود را از مرداد ۱۴۰۰ به ثبت رسانده است. افزایش نرخ ارز، افزایش هزینه تولید و قیمت مواد اولیه را به همراه داشته است. در همین حال بسیاری از شرکت‌ها به دنبال مشکلات ناشی از عدم تخصیص ارز و تسهیلات، با کمبود منابع مالی برای تامین مواد اولیه روبرو بوده‌اند. همانطور که شاخص «قیمت خرید مواد اولیه» در آذرماه ۸۶/۵ نشان می‌دهد به دنبال افزایش نرخ ارز، شاخص بیشترین میزان خود را از فروردین ۱۴۰۲ ثبت کرده است. در همین حال «شاخص قیمت محصولات تولیدشده» نیز با عدد ۶۲/۸ بیشترین مقدار هفت‌ماهه خود را از اردیبهشت‌ماه ثبت کرده است. این در حالی است که به دلیل تقاضای ضعیف در بازار، همچنان شدت افزایش قیمت فروش محصولات به میزان افزایش نرخ ارز و نهاده‌های تولید نبوده است اما پیش‌بینی می‌شود، طی ماه‌های آتی با توجه به فشار هزینه‌های تولید شاهد تورم بیشتری در قیمت محصولات تولیدشده باشیم.

شاخص «موجودی محصول نهایی در انبار» در آذرماه، پس از تعدیل فصلی، معادل ۴۴/۸ برآورد شده است که برای هفتمین ماه پیاپی کاهش و کمترین مقدار خود را از آبان‌ماه سال ۱۳۹۹ در سری تعدیل شده به ثبت رسانده است. طی ماه‌های اخیر به دلیل افزایش قیمت مواد اولیه و کمبود آن و همچنین کمبود برق، شرکت‌ها برای تامین تقاضای هرچند محدود مشتریان، از موجودی انبار به میزان بیشتری استفاده کرده‌اند. در همین حال، شاخص «سرعت انجام و تحویل سفارش» پس از تعدیل فصلی ۴۹/۷ به دست آمده که از اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۹، کمترین مقدار خود را به ثبت رسانده در واقع بیانگر آن است قطعی‌های برق و کمبود مواد اولیه در بخش تولید بر سرعت تحویل سفارشات تاثیرگذار بوده است. شاخص «میزان فروش محصولات» در آذرماه، پس از حذف اثر فصلی معادل ۴۳/۲ برآورد شده است. این شاخص کمترین مقدار پنج‌ماهه از مردادماه را به ثبت رسانده است. همچنان بخشی از کاهش در رشد فروش ناشی از تقاضای ضعیف داخل و کمبود نقدینگی مشتریان و بخش دیگر آن ناشی از کاهش فروش صادراتی به خصوص به دلیل مشکلات ناشی از رفع تعهد ارزی است، به طوری که شاخص «میزان صادرات کالا» پس از حذف اثر فصلی ۴۶/۷ برآورد شده و برای دومین ماه متوالی کاهش یافته است.



از محصولات و خدمات با افزایش بیشتری در قیمت‌های فروش روبرو باشند. شاخص «موجودی محصول نهایی در انبار» در آذرماه پس از حذف اثر فصلی، ۴۳/۰ به دست آمده است. شاخص مذکور که برای چهارمین ماه متوالی کاهش یافته است، کمترین مقدار را از مرداد ۱۳۹۹ به ثبت رسانده است. افزایش نرخ ارز و هزینه زیاد تامین مواد اولیه و کاهش ظرفیت تولید، ناشی از قطعی برق، منجر به کمبود محصولات نهایی در انبارها شده است.

شاخص «میزان صادرات کالاها یا خدمات» در آذرماه پس از حذف اثر فصلی مقدار ۴۶/۴ به دست آمده است که کمترین مقدار چهارماهه خود را به ثبت رسانده است. این کاهش نشان‌دهنده کاهش تقاضای خارجی، مشکلات موجود در سیاست‌گذاری داخلی و موانع تجاری است که به تضعیف تجارت خارجی ایران منجر شده است. این وضعیت به کاهش درآمدهای ارزی، افزایش فشار بر نرخ ارز و تشدید رکود اقتصادی دامن می‌زند. مشکلاتی از جمله سیاست‌های مرتبط با رفع تعهد ارزی به دنبال فشارهای قیمتی موجود، باعث کاهش صادرات شده است. شاخص «میزان فروش کالاها یا خدمات» در آذرماه پس از حذف اثر فصلی، ۴۷/۶ ثبت شده است که در مقایسه با ماه قبل کاهش یافته و کمترین مقدار سه ماه اخیر را به ثبت رسانده است. مقدار شاخص «انتظارات در مورد میزان فعالیت اقتصادی در ماه آینده» ۴۷/۷ محاسبه شده است و کمترین مقدار ۳۱ ماهه از خردادماه سال ۱۴۰۱ را به ثبت رسانده است. قطعی شدید برق، افزایش نرخ ارز و تورم قیمت‌ها، هزینه‌های کسب‌وکارها را بالا برده و نااطمینانی نسبت به ماه آینده را برای فعالان اقتصادی افزایش داده است. کسب‌وکارها در برنامه‌ریزی برای تولید تا تامین نهاده‌ها طی ماه‌های آینده با ریسک‌های بالایی روبرو هستند که باعث شده اکثر کسب‌وکارها نسبت به چشم‌انداز ماه آتی انتظارات منفی داشته باشند.

شامخ بخش صنعت

براساس داده‌های به دست آمده از بنگاه‌های بخش صنعت، شاخص مدیران خرید بخش صنعت در آذر ۱۴۰۳، معادل ۴۴/۸ برآورد شده است. این شاخص نسبت به ماه قبل ۵۱/۸، کاهش قابل توجهی داشته و کمترین مقدار پنج‌ماهه را از مرداد ماه به ثبت رسانده است. شاخص مذکور پس از تعدیل فصلی، برای ماه آذر معادل ۴۶/۸ برآورد شده است که در سری تعدیل شده نیز کاهش یافته و کمترین میزان پنج‌ماهه را از مردادماه در شامخ صنعت نشان می‌دهد. افت مجدد شاخص مدیران خرید بخش صنعت نشان‌دهنده کاهش جدی

داستان تک نرخی کردن ارز به اتاق سیاست رفت دلار سرکش و انتظارات مبهم



این جلسه که شنبه ۱۵ دی ماه برگزار شد، با اشاره بر ضرورت تقویت عرضه ارز در بازار و مدیریت تقاضای آن، اقدامات جدید بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارائه و بر موارد زیر تاکید شد:

- ۱- تاکید بر اختیارات کامل بانک مرکزی برای ساماندهی و نظارت بر بازار رمز ارزها بر اساس قانون بانک مرکزی
- ۲- تعمیق بازار ارز تجاری و حضور کلیه شرکت‌های صادراتی در این بازار
- ۳- کنترل و مدیریت تقاضای ارز تجاری با همکاری دستگاه‌های ذی ربط از طریق نظارت بر کلیه ثبت سفارش‌ها بر اساس تقاضاهای واقعی

داستان مرموز ساز صنایع در حال حاضر سیاستمداران، اقتصاددانان و فعالان اقتصادی و نیز علاقه‌مندان به اقتصاد سیاسی هر کدام انتظارات خاصی از بازار ارز دارند که البته شاید با خواسته‌های پنهان

بماند و به مسائل پر شمار هر روز پیچیده‌تر شده نرخ ارز برسد راهی محل نشست سران قوا شد. خبرگزاری‌های رسمی و حتی سایت بانک مرکزی درباره این نشست مهم رئیس بانک مرکزی تنها به انتشار این خبر بسنده کردند که رئیس بانک مرکزی درباره مسائل اقتصاد کلان و نیز داستان نرخ ارز به سران سه قوا توضیح داده است. در صورتی که دیدگاه‌های سه رئیس قوه درباره توضیحات فرزین و نیز آنچه فرزین در این نشست گفته به اطلاع افکار عمومی می‌رسید شاید ابهام‌ها کمتر می‌شد.

خبر کوتاهی با مضمون برگزاری نشست سران قوا با موضوع مدیریت بازار ارز/ تاکید بر اختیارات کامل بانک مرکزی برای ساماندهی و نظارت بر بازار رمز ارزها، نشست سران قوا با موضوع مدیریت بازار ارز، تشکیل و گزارش رئیس کل بانک مرکزی از مجموع مولفه‌های موثر بر بازار و نرخ ارز در این جلسه ارائه شد. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی؛ به نقل از روابط عمومی نهاد ریاست جمهوری، در

نرخ تبدیل دلار به ریال روندی فزاینده را به سود دلار ایالات متحده آمریکا می‌پیماید. در حالی که قیمت هر دلار آمریکا در همین چند ماه تازه سپری شده از فعالیت دولت چهاردهم به کمی بیشتر از ۸۰۰ هزار ریال رسیده است هراس از پیامدهای پنهان و پیدای این فرآیند به سران سه قوه اداره‌کننده کشور رسیده است. سران سه قوه به‌ویژه رئیس مجلس و رئیس دولت پس از هشدارهای عجیب و نیز نشان دادن ترس خود از پیامدهای افزایش قیمت دلار در بازار آزاد و نیز بازار ارز توافقی سرانجام ناگزیر شدند دورهم جمع شوند و درباره روندها و نتایج سیاستگذاری‌ها رو در رو گفت‌وگو کنند.

هیچ خبر مهمی بیرون نیامد

محمد رضا فرزین، رئیس بانک مرکزی به‌جامانده از دولت سیزدهم که بدون چون و چرا یک بازیکن اصلی در سیاستگذاری‌های پرنوسان ارزی است به‌جای اینکه در بانک

که از امروز دوشنبه ۱۷ دی ماه عرضه ارز صنعت پتروشیمی در سامانه ارز تجاری مرکز مبادله ایران آغاز می‌شود، گفت: صنعت پتروشیمی ماهانه حدود ۹۰۰ میلیون دلار در بازار ارز تجاری مرکز مبادله عرضه خواهد کرد. «احمد مهدوی‌ابه‌ری»، دبیر کل انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی با اعلام این خبر توضیح داد: میزان عرضه روزانه به دلیل دوره برگشت ارز صادرات و اینکه ارز چه‌زمانی در حساب تراستی‌ها خواهد نشست، متفاوت خواهد بود. مهدوی‌ابه‌ری با بیان اینکه «صادرات ۹ ماهه امسال پتروشیمی‌ها حدود ۱۰ میلیارد دلار بوده است»، گفت: ۸ میلیارد و ۱۷۶ میلیون دلار از این میزان صادرات در سامانه نیما عرضه و مابقی برای نیازهای خود صنعت استفاده شده است. این مقام مسوول صنعت پتروشیمی ابراز کرد: سامانه ارز تجاری به‌نفع تولیدکنندگان و صادرکنندگان است چراکه این اقدام سبب حذف رانت ارزی می‌شود و علاوه بر شفافیت، دسترسی سهل‌الوصول‌تری برای طرفین معامله فراهم می‌کند. همچنین قیمت‌ها غیردستوری و مبتنی بر عرضه و تقاضا کشف می‌شود. وی در ادامه توضیح داد: با این اقدام مناسب بانک مرکزی، رانت‌های ارزی از بین می‌رود و صادرکنندگانی که با سختی‌های فراوان، محصول خود را به فروش می‌رسانند و ارز حاصل از صادرات را به کشور می‌آورند، حس سرخوردگی نخواهند داشت؛ در نتیجه، صادرکنندگان ارز حاصل از صادرات خود را با اشتیاق بیشتری در سامانه ارز تجاری به فروش خواهند رسانید.

از تقاضا عقب بماند. منتقدان اما باور دارند این استدلال برای ایجاد انحراف از هدف‌های دولت است. به گمان منتقدان دولت با افزایش قیمت دلار و حذف دلارهای ارزان می‌خواهد کسری بودجه خود را جبران و همچنین راهی برای صعود قیمت سهام شرکت‌های بزرگ دولتی در بورس باز کند. در حالی که بانک مرکزی و نیز وزارت اقتصاد این استدلال را رد کرده و می‌گویند باید تک‌نرخی کردن ارز را از مسائل جناحی - سیاسی خارج کرد اما به هر حال نگرانی‌هایی وجود دارد که گران‌تر شدن دلار بر خانواده‌ها فشار می‌آورد.

واقعیت چیست؟

بررسی‌های کارشناسانه و علمی نشان می‌دهد داستان چند نرخ بودن ارز در ایران بیشتر از اینکه دارای بار علمی - کارشناسانه باشد براساس گمانه‌زنی‌های سیاسی دنبال می‌شود. واقعیت این است که درآمدهای ارزی ایران که از صادرات نفت و نیز از صادرات غیرنفتی به دست می‌آید به اندازه واردات رشد نمی‌کند. در چنین وضعیتی عرضه و تقاضای ارز به هم خورده و بازار از تعادل خارج می‌شود. تجربه نشان داده است دولت‌های ایران از دوره سازندگی تا همین امروز دنبال این بوده و هستند که با پمپاژ دلارهای ارزان‌تر از قیمت بازار آزاد ارز بتوانند قیمت‌ها را کاهش دهند. این راهبرد که به ارزشیابی مشهور است از امروز و با عرضه دلارهای در دسترس شرکت‌های پتروشیمی آغاز می‌شود. دبیر کل انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی با اعلام این خبر

آنها یکی نباشد. به‌طور مثال کسانی که هوادار سرسخت ادامه سیاست ارزی با محوریت ارز چندنرخه هستند شاید نمی‌خواهند بگویند از سیاست چندنرخه ارز سود بادآورده به دست می‌آورند. این گروه که با توجه به پرش بلند قیمت دلار در بازار آزاد صدایشان بلندتر شده است راست یا ناراست در سمت مردم ایستاده و می‌گویند سیاست تک‌نرخه کردن ارز و بازگذاشتن راه برای افزایش قیمت دلار و دیگر ارزهای معتبر و حذف دلار ترجیحی گروه‌های کم‌درآمد را با بدترین وضعیت روبه‌رو خواهد کرد و پیامد این وضعیت ممکن است به «نارضایتی و ناآرامی سیاسی منجر شود. این گروه باور دارند یا اینکه این‌طور نشان می‌دهند که دولت چهاردهم نباید افسار اسب دلار را رها کند و این کالای سرکش را به حال خود بگذارد. برخی کارشناسان می‌گویند در پشت این استدلال که نمایی زیبا و مردم‌پسند هم دارد شاید نهادهایی باشند که دلار ارزان و نیمایی قابل‌اعتنایی را از بانک مرکزی می‌گیرند و در هیچ آماری هم نام آنها منتشر نمی‌شود. به‌طور مثال براساس گزارش ارائه‌شده از سوی مرکز مبادلات ایران تا همین چند روز پیش رقمی معادل ۴۱ میلیارد دلار انواع ارز به واردات اختصاص یافته است. از کل این عدد رقمی برابر با ۱۴ میلیارد دلار به «سایر صنایع» تخصیص داده شده است. مرکز مبادلات ایران در همه آمارهایی که در همین باره منتشر می‌کند هرگز نمی‌گوید سایر صنایع که ۳۰ درصد کل واردات را به خود اختصاص داده و سهم دلار نیمایی در این میزان ارز تخصیص داده شده دلار نیمایی بوده چه نهادی است و این «سایر صنایع» چیست. کارشناسان باور دارند یکی از دلایل مقاومت درباره نرخ ارز آزاد و تک‌نرخه شدن همین مقوله است.

کسری بودجه یا رانت‌زدایی

در برابر گروه پنهان یادشده که با همه نیروی تبلیغاتی و سیاسی در برابر تک‌نرخه شدن ارز ایستادگی می‌کنند یک گروه دیگر که وزیر اقتصاد از نظر پیشگام بودن و اصرار و پافشاری در صدر آنهاست می‌گویند: در وضعیتی که دلار را زیر قیمت بازار آزاد عرضه می‌کنیم تقاضا برای دریافت آن روندی فزاینده می‌گیرد و برای متقاضیان صرفه اقتصادی دارد که در نوبت بمانند و دلار ارزان بگیرند. این اتفاق موجب می‌شود که هرگز عرضه و تقاضا به هم نرسند و عرضه همیشه



عواقب اعتراض ۱۲۲ نماینده مجلس به تک‌نرخی شدن ارز بررسی شد

سیاست ارزی در تله مجلس



و نیز نرخ نیمایی می‌شود. در حالی که بانک مرکزی اعلام کرد از سال آینده قیمت دلار ترجیحی تثبیت شده نیست و بساط دلار ۲۸۵۰۰ تومانی جمع خواهد شد، به گفته کارشناسان باید همزمان دلارهای به دست آمده از صادرات مجتمع‌های پتروشیمی را به مرکز مبادله می‌فرستاد اما با تاخیر در این کار اجازه داد دلار آزاد بازم فاصله‌اش بالاتر رود. با توجه به اینکه مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز تاکید کرده است مطابق سیاست‌های کلی نظام در مقوله نرخ ارز افزایش قیمت دلار با نرخ ترجیحی و کاهش رقم آن برخلاف است و باید دلار ۲۸۰۰ تومانی نیز عرضه شود.

نگاهی به نامه مجلس

خبرگزاری حکومتی تسنیم عکس نامه‌ای از درخواست ۱۲۲ نماینده را روی خروجی خود قرار داده بود که این‌گونه آغاز می‌شد «همان‌گونه که مستحضرید،

جدی کرده است دیگر اعضای دولت به‌ویژه رئیس بانک مرکزی واکنش فوری و جدی نداشته‌اند.

سیاست ارزی در نقطه ایست

دولت چهاردهم با استفاده از همه تجربه‌های دولت‌های پیشین و به‌ویژه دولت سیزدهم که تثبیت نرخ ارز را در هر شرایطی و با همه پیامدهایش در دستور اجرا قرار داشت می‌خواهد سیاست ارزی را از این نقطه رانت‌ساز و فسادساز دور کند. با این همه اما دولت چهاردهم به‌جای اینکه پیش از این اقدام با استفاده از رسانه‌های عمومی، شهروندان و فعالان اقتصادی را از هدف‌های خود آگاه سازد و از نیروی آنها در برابر منتقدان کمک بگیرد با شتاب نرخ ارز را دستکاری کرد. بانک مرکزی در یک رفتار شتابان اعلام کرد دلار نیمایی دیگر وجود خارجی ندارد و از این پس دلار توافقی جایگزین نرخ‌های ترجیحی

حالا و با ورود تهاجمی ۱۲۲ عضو مجلس قانونگذاری کشور به داستان ارز و سیاست‌های ارزی و نیز طعنه‌ای که رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه و نیز هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام به این مقوله زده‌اند و با توجه به دفاع نه‌چندان جانانه محمدرضا عارف درباره تک‌نرخی کردن ارز باید منتظر باشیم، ببینیم واکنش دولت چیست.

با وجود مخالفان سیاست‌های ارزی به‌ویژه در مجلس با طرح استیضاح عبدالناصر همتی و اینکه او را در کانون مسائل ارزی قرار داده‌اند باید منتظر مجادله‌ای سنگین میان مخالفان و موافقان تک‌نرخی کردن ارز باشیم. واقعیت این است که تا امروز جز وزیر اقتصاد که با شور و حرارت کارشناسانه و با استناد به تجربه‌اش در بانک مرکزی از سیاست تک‌نرخی کردن ارز حمایت

می‌شود و به همین دلیل و با توجه به شرایط سیاست داخلی و خارجی ایران که شهروندان را در نقطه التهاب نگه داشته است افزایش قیمت دلار در دوره بسیار کوتاهی که دولت چهاردهم اداره کشور را بر دوش گرفته است برای جناح سیاسی اصولگرا نگران کننده بوده و هست. سیاستمداران اصولگرا و نیز نهادهای در اختیار آنها بهانه مناسبی برای جلوگیری از برنامه‌های اقتصادی دولت چهاردهم پیدا کرده‌اند.

همزمانی مخالفت مجمع تشخیص مصلحت با مجلس قانونگذاری و فشار شدید رسانه‌های منتقد دولت وضعیت را پیچیده کرده است.

در این روزهای باقیمانده و در حالی که بودجه کشور براساس سیاست‌های ارزی دولت بنا شده است باید منتظر واکنش نمایندگان دولت باشیم. دولت چهاردهم برای عبور از این بحران تازه ساخته شده باید از شبکه رسانه‌های کشور کمک گرفته و از کارشناسان و فعالان اقتصادی بخواهد با دولت همراهی کنند. در صورتی که دولت زیر فشار منتقدان دست از سیاست ارزی با رویکرد تک‌نرخ‌ی کردن بردارد باید شرایطی مبهم را تجربه کند. از طرف دیگر نیک می‌دانیم که ادامه فروش دلارهای به دست آمده از صادرات نفت خام به قیمت‌های زیر بازار آزاد بازهم بر ابعاد نابرابری و فساد اضافه می‌کند.

نام کردن دارایی‌های مالی (ارز و سکه) و نیز اجرای قانون مبارزه با پول‌شویی است، لازم به ذکر است که در شرایط فعلی اقتصاد ایران نرخ ارز یک متغیر کلیدی است و نمی‌توان همانند قیمت یک کالا با آن برخورد کرد.»

در این نامه اضافه شده است «مبنی بر ادبیات ریشه‌دار و مهم و بین‌المللی «دانش نرخ برابر ارزها» در اقتصاد، ایمان داریم که در صورت اجرای پیشنهادهای نمایندگان ملت، سرنوشت اقتصاد کشور به این نقطه نمی‌رسید و معیشت مردم دچار چنین وخامتی نمی‌شد. بنابراین تغییر ریل و اصلاح فوری این رویه مخرب، عمیقاً مورد انتظار است و چنانچه دولت جنابعالی به سرعت نسبت به توقف سیاست‌های ویرانگر و معیشت‌سوز ارزی اقدام نکند، به اتخاذ سایر اقدامات قانونی و نظارتی خواهیم پرداخت.

در پایان از نمایندگان محترم مجلس درخواست می‌شود که ضمن حمایت منطقی از دولت، در موضوعات مرتبط با معیشت مردم، جایی که کوتاهی مجلس در اقدام لازم ممکن است سرمایه اجتماعی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی را به خطر اندازد، موضعی انقلابی و شایسته اتخاذ فرمایند.

هراس از ناامیدی شهروندان

افزایش نرخ ارز در ایران همیشه با افزایش قیمت کالاهای دیگر همراه است

سیاست‌های اخیر بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی، تأثیرات بسیار مخربی بر زندگی و معیشت مردم بر جای گذاشته، به گونه‌ای که ارزش پول ملی در چهار ماه گذشته حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است.» در ادامه این نامه به رئیس‌جمهور اضافه شده است: «براساس استدلال‌های علمی و فنی پیش‌بینی می‌شد سپردن نرخ ارز رسمی کشور به مکانیسم عرضه و تقاضا (در شرایط انحصاری عرضه ارز، کسری مداوم و شوک‌پذیری مزمن تراز پرداخت‌های بین‌المللی) موجب شد نرخ ارز رسمی و بازار آزاد قاچاق وارد یک دومینوی افزایشی شود. شرایط کنونی بازار ارز گواه این پیش‌بینی است، به گونه‌ای که نرخ دلار در بازار آزاد قاچاق، از ۵۸/۴۱۰ تومان در ابتدای شهریور به حدود ۸۲/۰۰۰ تومان در تاریخ ۹ دی رسیده و نرخ ارز رسمی کشور که مبنای قیمت‌گذاری منابع ملی و واردات مورد نیاز بخش حقیقی اقتصاد است، از ۴۵/۲۰۰ تومان در ابتدای شهریور به حدود ۶۴/۵۰۰ تومان افزایش یافته است. نمایندگان امضاکننده نوشته‌اند: «آمارها نشان می‌دهد که تضعیف پول ملی در آغاز دولت جنابعالی، بیش از تمامی دولت‌های پس از انقلاب بوده است. داده‌های اقتصادی کشور نیز به وضوح بیانگر آن است که هرگاه ارزش پول ملی کاهش یافته و نرخ ارز افزایش یافته، پیامدهای ویرانگری بر معیشت مردم و بخش مولد اقتصاد بر جای گذاشته است. شدت این کاهش از شهریورماه تاکنون بی‌تردید در ماه‌های آتی اثرات توری خود را بر سر سفره و معیشت مردم نشان خواهد داد و به گسترش فقر و فساد، افزایش زمان دسترسی به مسکن برای جوانان و بیش از هر چیز تخریب سرمایه اجتماعی دولت منجر خواهد شد.»

در این نامه اضافه شده است: «پیشنهاد می‌شود رئیس‌جمهور محترم فرصت را غنیمت شمرده و نامه چهارماه پیش ۱۳۱ نماینده محترم مجلس را (با شماره ۳۰۷۳۸۸۱ مورخ ۱۴۰۳/۵/۲۴) مطالعه فرمایند. در این نامه، ۱۶ بند پیشنهادی برای اصلاح سیاست‌های ارزی کشور ارائه شده است که مهم‌ترین آنها شامل اجرای قانون مبارزه با قاچاق کالا ارز (با آخرین اصلاحیه مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ با



«کارآفرین» شرایط تازه برای بررسی اقتصاد ایران را تحلیل کرد

اقتصاددانان در این روزها چه کنند؟



اقتصادی با دیدن وضعیت نقد و دیدن بی‌مهری دولت و نیز گروه‌های سیاسی رادیکال و نیز مخالفت‌های مدیران سیاسی به مرور از دنیای نقد و نوشتن یا گفتن کناره‌گیری کردند. این گروه باور داشتند در جایی که هر نقدی با یک انگ سیاسی روبه‌رو می‌شد و مدیران دولتی با اصرار به تصمیم‌های عجیب خود در سطح کلان اقتصادی و نیز ناتوانی در اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد و نیز سخت‌تر شدن فضای فعالیت در دانشگاه‌ها و نیز دیگر نهادهای پژوهشی، انزوای عمده را در پیش گرفتند.

اقتصاد سیاسی به‌جای اقتصاد کلان

شماری از اقتصاددانان نیز که می‌توان آنها را اقتصاددانان آزادیخواه خواند اما به‌جای اینکه صحنه را به‌طور

با به‌کارگیری وزیر اقتصادی که در همه عمر کاری‌اش بیشتر مدرس و سخنران بود و نیز رئیس سازمان برنامه و بودجه که فردی نظامی بود و سپس جایش را به فردی بی‌تجربه داد، اقتصاد ایران را به‌سوی ابهام‌ها پیش برد.

اقتصاد ایران در این وضعیت بود که کار برای اقتصاددانان دور از نهادهای قدرت بسیار سخت شد. شماری از این اقتصاددانان به‌مرور از سازمان‌ها و نهادهای اجرایی و نیز نهادهای پژوهشی کنار کشیدند یا اینکه کنار گذاشته شدند. شماری از اقتصاددانان نیز با فضای تازه‌ای روبه‌رو شدند. در این فضای تازه سخن گفتن و نوشتن درباره راه‌های عبور از بحران برای اقتصاددانان سخت شد.

کناره‌گیری

پس از روی کار آمدن دولت چهاردهم شماری از اقتصاددانان منتقد سیاست‌های

اقتصاد ایران دهه‌های پرشماری است که ساختار و بافتی نفت‌آلود یافته و چنان در درآمدهای نفتی غوطه‌ور شده است که اگر این درآمدها از آن گرفته شود یخ می‌زند و توانایی رفتن به پیش را ندارد. شوربختانه یا خوشبختانه پس از اینکه منازعات سیاسی ایران و آمریکا شتاب گرفت و باراک اوباما نخستین رژیم تحریم‌ها را بر اقتصاد ایران اعمال کرد آرام‌آرام کسب‌وکارها به سوی یخ‌زدن روان شدند. کاهش درآمدهای نفتی اما از ۱۳۹۷ و با تحریم‌های گسترش‌یافته دونالد ترامپ بیشتر آشکار شد. با این رخداد بزرگ که حالا شش‌سال است ادامه دارد اقتصاد ایران به مرور شروع به انحراف کرد. با روی کار آمدن دولت مرحوم رئیسی و نگاه و گفتمان سیاسی که دولت سیزدهم داشت اقتصاد ایران را در شرایط پیچیده‌تری قرارداد. دولت سیزدهم با به‌کارگیری یک تیم اقتصادی فاقد تجربه اجرایی و به‌ویژه

نقش اقتصاددانان

در چنین وضعیتی که به دلیل مسائل سیاست خارجی و ادامه اعمال رژیم تحریم ادامه دارد، برخی تحلیل‌ها بر این پایه است که ممکن است بر تعداد تحریم اضافه شود و اقتصاددانان باید چه رویکردی داشته باشند.

واقعیت این است که کنار کشیدن و گوشه‌گیری خودخواهانه در این وضعیت راهبرد جوانمردانه نیست. شهروندان و ایران عزیز در این روزها بیش از پیش به دانش و بینش و نیز به شهادت اقتصاددانان نیاز دارند و از آنها انتظار دارند در روشن کردن فضای تاریک اقتصاد بیش از پیش کوشش کنند.

اقتصاددانان در این روزهای سخت میهن باید به دولت و بیش از دولت به نهادهای بالاتر بگویند اقتصاد ایران اگر با همین دست فرمان جلو برود با شتاب به سوی دره مرگ می‌رود.

اقتصاددانان از هر مکتب و با هر اندیشه‌ای باید به جای اینکه با یکدیگر ستیز کنند نشان دهند که اقتصاد با چه دشواری‌هایی روبه‌رو خواهد شد. به‌طور مثال می‌توان به این دولت و نهادهای بالاتر یادآوری کرد زیرساخت‌های ناآماده و ضعیف ایران، سرمایه‌گذاری را از ایران دورتر می‌کند.

داخلی توانست نماینده جناح سیاسی اصلاح‌طلبان شده و نیز از سوی دیگر سعید جلیلی، نماینده اصولگرایان شد. این‌گونه بود که نهاد ریاست‌جمهوری و نهاد دولت چندین ماه است که بدون ارائه یک برنامه اقتصادی تدوین‌شده متناسب با مسائل روز و نیز در نظر گرفتن همه جنبه‌های سیاست داخلی و خارجی و با انتخاب فرماندهان اقتصادی مورد علاقه همه جناح‌های سیاسی کار خود را ادامه می‌دهد.

از سوی دیگر در میان جامعه اقتصاددانان ایرانی این دیدگاه پذیرفته شده است که دولت چهاردهم علاوه بر اینکه در سیاست خارجی تابع محض نهادهای بالادستی‌ست در سیاست‌گذاری اقتصاد کلان نیز باید بیش از پیش مراعات سیاست‌های کلان کشور را داشته باشد. به این معنی که دولت در تعیین و انتخاب شرکای اقتصادی خود در دنیا آزادی عمل ندارد و نمی‌تواند با کشورهای نیرومند در دنیای آزاد تعامل کند. از سوی دیگر نهاد دولت و نهاد ریاست‌جمهوری اکنون بیشتر از هر دوره دیگری با سیاست‌های کلان سیاسی سازگارند و در تعامل با خارج دستشان بسته است. دولت چهاردهم تا امروز نتوانسته است نشان دهد می‌خواهد به‌سوی اقتصاد بازار برود یا قصد دارد اقتصاد کنترل‌شده دولتی را ادامه دهد.

کلی خالی کنند راه دیگری در پیش گرفتند. آنها به جای اینکه دست از نقد بردارند و هشدار دادن را به کناری بگذارند ترجیح دادند به جای نشان دادن وضعیت موجود اقتصاد کلان و نشان دادن دره‌ای که اقتصاد ایران به سوی آن رانده می‌شد اقتصاد سیاسی را در دستور کار قرار دهند. اقتصاد سیاسی به معنای اینکه تصمیم‌ها و اندیشه‌های نهاد دولت چه پیامدهایی بر اقتصاد دارند راه بهتری برای نشان دادن مخاطرات بود و هست.

با توجه به اینکه توصیف وضعیت موجود با رویکرد اقتصاد کلان و نشان دادن شاخص‌های کاهنده مثل کاهش نرخ سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی نامتعادل، نرخ‌های تورم شتابان و... به مدیران دولت سیزدهم دگر به بن‌بست نزدیک می‌شد و اثرگذاری‌اش را از دست می‌داد این گروه از اقتصاددانان به سوی اقتصاد سیاسی روی آوردند. اقتصاددانانی مثل مسعود نیلی، موسی غنی‌نژاد، محمدمهدی بهکیش و محمد طبیبیان با رویکرد اقتصاد سیاسی به جای اقتصاد کلان محض راه را به رسانه‌ها نیز نشان دادند که از کدام زاویه به مسائل نگاه کنند.

تندتر شدن سخنان

یک گروه دیگر از اقتصاددانان که نام خود را نهادگرایان گذاشته‌اند و از سال‌های دور پس از جنگ به نقد سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها می‌پرداختند و با رویکردی سیاسی‌تر دولت‌هایی مثل دولت روحانی و نیز دولت خاتمی را لیبرال یا پیرو آموزه‌های لیبرالیسم نام گذاشته بودند در سال‌های تازه‌سپری‌شده و به‌ویژه در مناسبات با دولت سیزدهم کمی بیشتر از اندازه میانگین سال‌های پیشین به دولت نقد وارد می‌کردند. نقدهای این گروه از اقتصاددانان بیشتر به ساختار بودجه و نیز بیشتر به افزایش قیمت ارزهای معتبر و دورشدن مدیران اقتصادی از رویکرد توسعه‌ای بود.

دولت چهاردهم

واقعیت تلخ این است که مسعود پزشکیان در شرایط کاملا ویژه سیاست



کارنامه تک‌نرخی کردن ارز

در حالی که انتظار می‌رفت این سیاست به کاهش اختلاف نرخ ارز رسمی و بازار آزاد و ایجاد ثبات در بازار منجر شود، آنچه در عمل رخ داده، افزایش قیمت دلار و بی‌اعتمادی گسترده‌تر به سیاست‌های اقتصادی دولت است. وزیر اقتصاد با تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده و بدون تحلیل واقع‌بینانه از شرایط اقتصادی کشور نه‌تنها بازار ارز را بی‌ثبات‌تر کرد بلکه با ایجاد انتظارات غیرواقعی، اعتماد عمومی را به تصمیمات اقتصادی دولت به شدت تضعیف کرد. سیاست تک‌نرخی کردن ارز، به جای آنکه ابزاری برای کاهش فشارهای اقتصادی باشد، به یک عامل بحران‌ساز تبدیل شده که تبعات آن بر دوش اقشار آسیب‌پذیر سنگینی می‌کند.

دو هفته پس از حذف نیما؛ آیا سیاست تک‌نرخی کردن ارز موفق بوده است؟

تقریباً دو هفته از آغاز به کار تالار ارز توافقی و حذف نرخ نیما می‌گذرد؛ سیاستی که در راستای افکار اقتصادی عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد دولت چهاردهم مبنی بر یکسان‌سازی نرخ ارز و نزدیک کردن نرخ بازار آزاد و رسمی اجرایی شد. البته به‌نظر می‌رسد که این سیاست تنها گوشه‌ای از پازل سیاست‌های اقتصادی دولت چهاردهم باشد و باید این موضوع را یک گام از سیاست آزادسازی اقتصاد و رویکرد شوک درمانی مدنظر تیم اقتصادی در نظر گرفت؛ رویکردی که به نظر می‌رسد باتوجه به شرایط کنونی فضای اقتصادی و سیاسی کشور نه‌تنها شانس چندانی برای موفقیت ندارد بلکه بر ابعاد بحران کنونی خواهد افزود.

معاملات تالار ارز توافقی روز ۲۵ آذر ماه کار خود را آغاز کرد؛ قیمت حواله دلار در اولین روز کاری برابر با ۵۹ هزار و ۶۴۸ تومان و دلار بازار آزاد نیز در آن حدود ۷۵ هزار تومان قیمت خورده بود. با توجه به این اعداد، اختلاف قیمت دلار توافقی و دلار در بازار حدود ۱۵ هزار تومان معادل ۲۶ درصد بود. حالا پس از گذشت دو هفته، قیمت دلار حواله در بازار توافقی با رشد حدود ۸/۲ درصدی به ۶۴ هزار و ۵۹۶ تومان رسیده است و قیمت دلار در بازار آزاد نیز با همین میزان رشد با ثبت رکورد جدید در محدوده بیش از ۸۱ هزار تومان معامله می‌شود. در نتیجه فاصله قیمتی میان دلار آزاد و دلار توافقی بدون تغییر در حدود ۲۶ درصد باقی مانده است. مرور روند معاملات بازار ارز در این مدت نشان می‌دهد که فعلاً هیچ نشانه‌ای از موفقیت این سیاست دیده نمی‌شود. در حقیقت وزیر اقتصاد دو هدف اصلی برای اجرای این سیاست متصور بود و بر آن تاکید می‌کرد. از یک‌سو قرار بود با حذف ارز نیما و نزدیک شدن قیمت دلار رسمی به بازار آزاد، قیمت دلار در بازار آزاد کاهش پیدا کند و از سوی دیگر، شاهد ثبات نسبی در بازار ارز باشیم اما عملاً نه‌تنها التهاب در بازار ارز تشدید شد بلکه هر روز شاهد رکوردشکنی قیمت دلار در بازار آزاد هستیم. شاید گفته شود که برای ارزیابی این سیاست زمانی کوتاهی گذشته است اما باید توجه داشت که سیاست افزایش نرخ ارز رسمی محدود به دو هفته گذشته نیست و از ابتدای شروع رسمی دولت چهاردهم شاهد اجرای این رویکرد بودیم. براساس آمارهای رسمی قیمت دلار نیمایی در ابتدای پاییز در محدوده ۴۶ هزار تومان قرار داشت که این رقم تا پیش از آغاز ارز توافقی به بیش از ۵۴ هزار تومان رسیده بود. به بیان دیگر، نرخ دلار نیمایی در این بازه زمانی افزایش حدود ۲۰ درصدی را تجربه کرد. نکته جالب توجه این است که در



اقتصادی است، زیرا فعالان بازار می‌دانند که نرخ ارز به‌طور شفاف و بر اساس واقعیات اقتصادی تعیین می‌شود.

به‌طور کلی، مبانی نظری این سیاست، بر مفاهیم عرضه و تقاضا در بازار ارز استوار است. از منظر اقتصاد کلاسیک، نرخ ارز به‌طور طبیعی باید توسط تعادل میان عرضه ارز (که ناشی از صادرات و ورود سرمایه خارجی است) و تقاضا برای ارز (که شامل واردات و خروج سرمایه می‌شود) تعیین شود. نرخ‌های چندگانه، این تعادل طبیعی را مختل کرده و منجر به تخصیص غیربهبوده منابع ارزی می‌شوند. علاوه بر این، نظریه‌های مدرن بر اهمیت تعامل میان سیاست‌های پولی و ارزی در اجرای این سیاست تأکید دارند. مدیریت انتظارات بازار، یکی از عوامل کلیدی در موفقیت سیاست تک‌نرخی کردن ارز است. برای مثال، در صورتی که سیاست‌گذاران نتوانند اطمینان عمومی را جلب کنند، احتمالاً تقاضاهای سفته‌بازانه برای ارز افزایش خواهد یافت که به بی‌ثباتی نرخ ارز و شکست سیاست می‌انجامد.

شرایط لازم برای موفقیت سیاست تک‌نرخی کردن ارز

موفقیت سیاست تک‌نرخی کردن ارز نیازمند تحقق مجموعه‌ای از شرایط است که در یک چارچوب جامع و هماهنگ اجرا شوند. این شرایط، از اصلاحات ساختاری گرفته تا مدیریت مناسب بازار، همگی نقش مهمی در تثبیت نرخ ارز و جلوگیری از بی‌ثباتی اقتصادی ایفا می‌کنند. یکی از اولین پیش‌نیازها، وجود ذخایر ارزی کافی است. این ذخایر به دولت امکان می‌دهد تا در مواجهه با شوک‌های ناگهانی، نرخ ارز واحد را تثبیت کند و از نوسانات شدید جلوگیری نماید. بدون ذخایر کافی، اعتماد عمومی به پایداری سیاست تک‌نرخی تضعیف خواهد شد و ممکن است سفته‌بازی و بی‌ثباتی در بازار شدت گیرد. علاوه بر ذخایر ارزی، تعیین نرخ ارز در نزدیکی نرخ تعادلی واقعی اهمیت بسیاری دارد. نرخ تعادلی واقعی نرخ است که در آن، عرضه و تقاضای ارز به توازن می‌رسند و از ایجاد فشارهای تورمی یا کاهش رقابت‌پذیری اقتصاد جلوگیری می‌شود. تعیین نادرست این نرخ، مانند تعیین آن در سطحی بیش از حد بالا یا پایین، می‌تواند به بی‌ثباتی اقتصادی یا کاهش اعتماد عمومی منجر شود.

اصلاحات ساختاری در نظام اقتصادی نیز از ملزومات حیاتی این سیاست است. برای مثال، کاهش کسری بودجه می‌تواند فشار تقاضا بر ارز را کاهش دهد و از نوسانات غیرضروری جلوگیری کند. در کنار آن، تقویت نظام بانکی از طریق افزایش توانایی مدیریت نوسانات ارزی و شفافیت مالی برای کاهش فساد و تقویت اعتماد عمومی ضروری است. شفافیت در تخصیص ارز می‌تواند رفتارهای سفته‌بازانه را کنترل کرده و بازار را به سمت پایداری هدایت کند.

هماهنگی میان سیاست‌های اقتصادی یکی دیگر از شرایط مهم برای موفقیت این سیاست است. سیاست‌های مالی انقباضی، مانند کاهش هزینه‌های دولتی، فشار بر بازار ارز را کاهش می‌دهند. همچنین، سیاست‌های پولی مناسب، مانند تنظیم نرخ بهره، می‌توانند جریان نقدینگی و سرمایه را بهبود بخشند. علاوه بر این، سیاست‌های ارزی باید با هدف تثبیت بلندمدت و جلوگیری از مداخلات بی‌رویه طراحی شوند. نکته مهم دیگر، مدیریت انتظارات بازار است. دولت باید با شفاف‌سازی سیاست‌ها، اطلاع‌رسانی دقیق و نشان دادن تعهد به حفظ نرخ ارز واحد، اعتماد فعالان اقتصادی را جلب کند. اگر بازار اطمینان داشته باشد که دولت قادر به اجرای سیاست‌های خود است، رفتارهای سفته‌بازانه کاهش

همین بازه زمانی قیمت دلار آزاد نیز با افزایش بیش از ۲۶ درصدی از محدوده ۶۰ هزار تومان به ۷۵ هزار تومان رسید. در حقیقت روند چند ماه گذشته نشان می‌دهد که قیمت دلار در بازار آزاد از ابتدای پاییز همپای قیمت دلار رسمی افزایش یافته و عملاً تنها دستاورد این سیاست، افزایش قیمت دلار و احتمالاً تشدید تورم در ماه‌های آینده بوده است. پرسش اصلی اما این است که چرا سیاست تک‌نرخی کردن ارز که در ادبیات اقتصادی همواره از آن به عنوان یکی از سیاست‌های اصلاحی قابل توجه یاد می‌شود، در اقتصاد ایران به اهداف نظری خود نرسیده است؟ پاسخ به این سوال ساده است: اجرای موفق هر سیاست منوط به برقرار شرایط و فروضی است که در فضای اقتصادی و سیاسی ایران، هیچ‌کدام از پیش شرط‌های موفقیت سیاست تک‌نرخی کردن ارز وجود ندارد.

ماهیت تک‌نرخی کردن ارز

هدف اصلی سیاست تک‌نرخی کردن ارز، حذف نرخ‌های مختلف ارز و جایگزینی آن‌ها با یک نرخ واحد، شفاف و بهینه است. ماهیت این سیاست بر پایه اصول اقتصادی طراحی شده و در تلاش است تا مشکلات ناشی از وجود نرخ‌های چندگانه، مانند تخصیص نامناسب منابع ارزی، فساد اقتصادی و کاهش شفافیت در بازارهای مالی و تجاری را برطرف کند. به‌طور کلی سیاست تک‌نرخی کردن ارز با حذف این چندگانگی، تلاش می‌کند تا بازار ارز را به یک حالت پایدار و شفاف برساند. در نظام‌های چندنرخ، اختلاف میان نرخ‌های رسمی و بازار آزاد ناشی از مداخلات غیرمنسجم دولت و عدم تعادل در عرضه و تقاضای ارز است. برای مثال، نرخ رسمی اغلب به‌صورت مصنوعی پایین نگه داشته می‌شود تا از واردات کالاهای اساسی حمایت شود، اما در عمل منجر به افزایش تقاضای ارز در نرخ رسمی و گسترش بازارهای غیررسمی می‌گردد. این شکاف نه تنها فضایی برای فساد و رانت‌جویی ایجاد می‌کند، بلکه باعث ناکارآمدی در تخصیص منابع می‌شود. چالش‌هایی که اقتصاد ایران به ویژه از سال ۱۳۹۷ با آن مواجه است و نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی و پس از آن، نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومانی را می‌توان مصداق بارز آن دانست. بر اساس ادبیات اقتصادی ماهیت سیاست تک‌نرخی کردن ارز بر سه مفهوم کلیدی استوار است:

- توازن عرضه و تقاضا: از دیدگاه نظری، نرخ ارز باید نقطه‌ای را منعکس کند که در آن عرضه و تقاضای ارز به تعادل برسند. این توازن به پایداری نرخ ارز و کاهش نوسانات آن کمک می‌کند.
- کاهش نوسانات نرخ ارز: وجود نرخ ارز یکسان می‌تواند به کاهش نوسانات شدید و پیش‌بینی‌ناپذیر در بازار کمک کند، که خود به جذب سرمایه‌گذاری و کاهش رفتارهای سفته‌بازانه منجر می‌شود.
- دستیابی به نرخ تعادلی واقعی: نرخ تعادلی واقعی به قیمتی گفته می‌شود که علاوه بر تعادل تجاری، ثبات اقتصادی را نیز تضمین کند. این نرخ نه تنها به کاهش فشارهای تورمی ناشی از تغییر نرخ‌های رسمی کمک می‌کند، بلکه رقابت‌پذیری اقتصاد در سطح جهانی را افزایش می‌دهد.

از دیدگاه سیاست‌گذاری، تک‌نرخی کردن ارز مستلزم بازگشت نرخ ارز به مکانیزم بازار و کاهش مداخلات دستوری است. این امر نه تنها باعث شفافیت بیشتر در بازار می‌شود، بلکه هزینه‌های مبادلاتی را نیز کاهش می‌دهد و بستر لازم برای فعالیت‌های اقتصادی سالم‌تر را فراهم می‌آورد. یکی از آثار مثبت این سیاست، افزایش اعتماد عمومی به نظام

سیاست منجر خواهد شد. علاوه بر این، اجرای موفق این سیاست نیازمند اصلاحات ساختاری در اقتصاد است. کاهش کسری بودجه، شفافیت در تخصیص منابع ارزی، و تقویت نظام بانکی از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند فشار بر بازار ارز را کاهش دهند. با این حال، اقتصاد ایران فاقد این اصلاحات است و فساد و ناکارآمدی ساختاری، زمینه را برای افزایش مشکلات فراهم کرده است. در غیاب این اصلاحات، سفته‌بازی و نوسانات ارزی افزایش می‌یابد و اهداف سیاست تک‌نرخی دست‌نیافتنی می‌شوند. یکی دیگر از مشکلات اساسی، بی‌اعتمادی عمومی به سیاست‌گذاران است. در شرایط کنونی، دولت نتوانسته است انتظارات بازار را مدیریت کند و شفافیت لازم را در سیاست‌های خود نشان دهد. این بی‌اعتمادی، رفتارهای سفته‌بازانه را تقویت کرده و فشار بر بازار ارز را افزایش داده است. در چنین فضایی، حتی تلاش‌های درست نیز نمی‌توانند اثرگذاری لازم را داشته باشند. علاوه بر این، تورم بالا و ناطمینانی اقتصادی از بزرگ‌ترین موانع اجرای این سیاست به شمار می‌روند. افزایش نرخ رسمی ارز، که بخشی از سیاست تک‌نرخی است، به‌طور مستقیم قیمت کالاهای وارداتی را افزایش داده و فشار بیشتری بر تورم وارد می‌کند. این شرایط نه تنها قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد، بلکه نارضایتی اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد. در نهایت، نبود ثبات اقتصاد کلان، از جمله ناتوانی در کنترل تورم، مدیریت نقدینگی و ایجاد توازن در تراز پرداخت‌ها، مانعی جدی برای موفقیت این سیاست است. ثبات اقتصاد کلان پیش‌نیاز اجرای موفق هرگونه اصلاحات اقتصادی است و در غیاب آن، سیاست تک‌نرخی کردن ارز به‌جای کاهش بحران، بی‌ثباتی بیشتری به همراه خواهد داشت. با توجه به این موانع، اجرای سیاست تک‌نرخی کردن ارز در شرایط کنونی اقتصاد ایران نه تنها به اهداف خود دست نخواهد یافت، بلکه بحران اقتصادی را تشدید خواهد کرد. تجربه دو هفته اخیر، که فاصله میان نرخ توافقی و بازار آزاد همچنان حفظ شده و نوسانات ادامه دارد، به‌خوبی نشان‌دهنده ناکارآمدی این سیاست است. برای موفقیت چنین سیاستی، ابتدا باید زیرساخت‌های اقتصادی و مدیریتی کشور به‌طور جدی اصلاح و تقویت شوند. در غیر این صورت، نه تنها مشکلات فعلی حل نمی‌شوند، بلکه اقتصاد کشور به سمت بحران‌های عمیق‌تر سوق داده می‌شود.

می‌یابد و پایداری نرخ ارز واحد تضمین می‌شود. فرایند تک‌نرخی کردن ارز باید به‌صورت تدریجی و برنامه‌ریزی شده انجام شود تا بازار فرصت تطبیق با شرایط جدید را پیدا کند. حذف یکباره نرخ‌های چندگانه ممکن است باعث شوک‌های اقتصادی شود و نوسانات شدیدی ایجاد کند که اعتماد عمومی را به سیاست‌گذاران کاهش دهد. در نهایت، ثبات اقتصاد کلان از جمله کاهش تورم، کنترل نقدینگی و ایجاد توازن در تراز پرداخت‌ها از الزامات ضروری برای موفقیت این سیاست است. اگر این ثبات وجود نداشته باشد، سیاست تک‌نرخی کردن ارز نه تنها ممکن است شکست بخورد، بلکه بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی را نیز تشدید خواهد کرد.

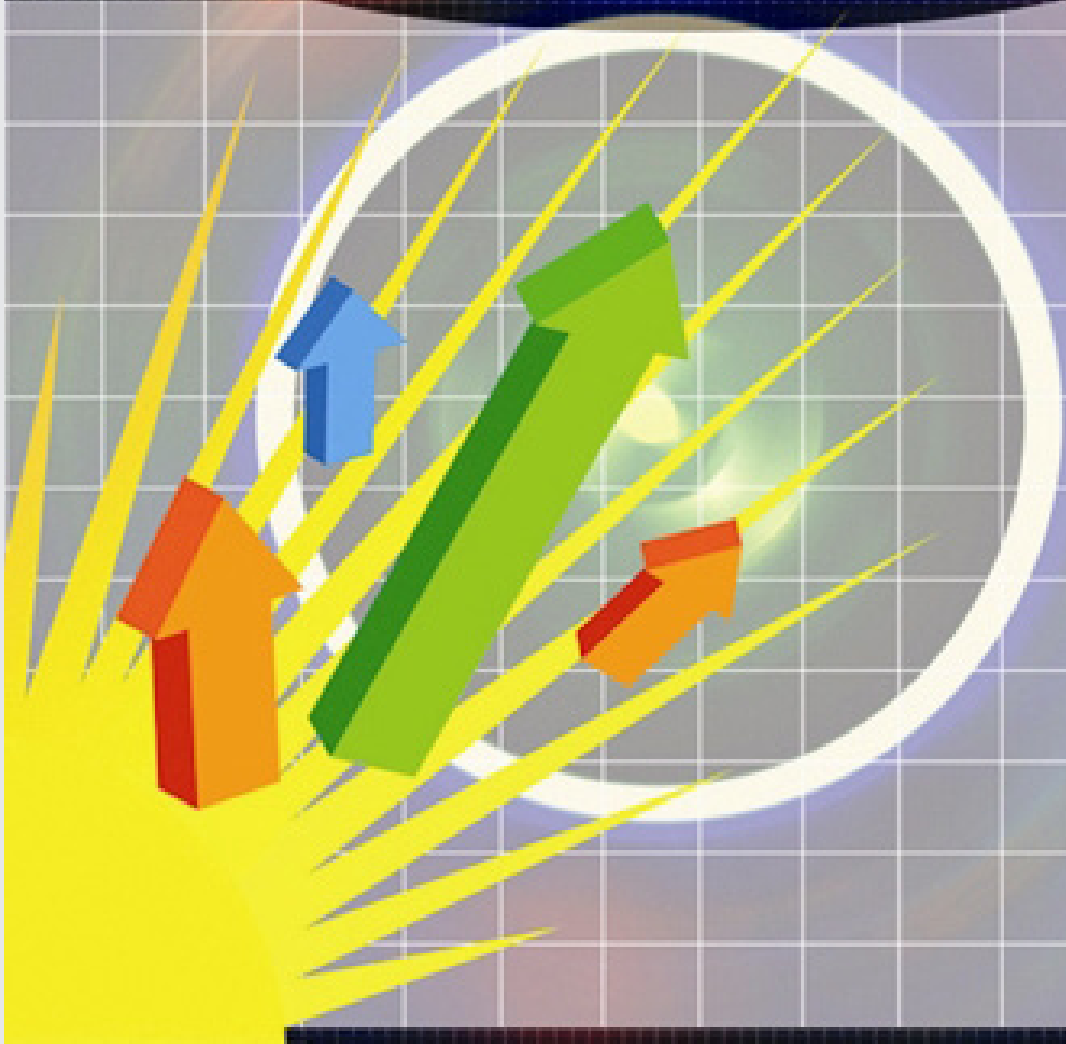
بنابراین، سیاست تک‌نرخی کردن نرخ ارز یک فرآیند پیچیده است که نیازمند مدیریت هوشمندانه، اصلاحات ساختاری، و ایجاد هماهنگی در سیاست‌های کلان اقتصادی است. بدون این پیش‌نیازها، احتمال شکست و بازگشت به نظام‌های چندگانه بسیار زیاد خواهد بود.

سیاست تک‌نرخی ارز: راهکاری ناکام در شرایط کنونی اقتصاد ایران

در شرایط کنونی اقتصاد ایران، اجرای سیاست تک‌نرخی کردن نرخ ارز با موانع جدی روبرو است و احتمالاً به شکست منجر شده و بحران اقتصادی را تشدید خواهد کرد. یکی از اصلی‌ترین الزامات موفقیت این سیاست، وجود ذخایر ارزی کافی برای مدیریت نوسانات و تثبیت نرخ ارز واحد است. اما در حال حاضر، کاهش شدید ذخایر ارزی ناشی از تحریم‌ها، افت درآمدهای نفتی و خروج سرمایه، توانایی دولت را برای مقابله با شوک‌های اقتصادی محدود کرده و بازار ارز را آسیب‌پذیرتر کرده است. نبود ذخایر کافی نه تنها نوسانات را افزایش می‌دهد، بلکه اعتماد عمومی به سیاست‌گذاران را نیز تضعیف می‌کند.

همچنین، تعیین نرخ ارز واحد باید در نزدیکی نرخ تعادلی واقعی باشد تا بتواند توازن میان عرضه و تقاضای ارز را برقرار کند. اما در اقتصاد ایران، به دلیل فشارهای تورمی، نوسانات اقتصادی و رفتارهای سفته‌بازانه، تعیین نرخ تعادلی واقعی به‌شدت دشوار شده است. اگر نرخ ارز واحد به‌درستی تعیین نشود، یا به افزایش شدید نرخ رسمی و تورم منجر می‌شود یا اختلاف میان نرخ رسمی و بازار آزاد همچنان باقی می‌ماند که این خود به شکست





شوک درمانی ، درمان یا کشتار

قرار دارد. تورم لجام‌گسیخته، وابستگی شدید به درآمدهای نفتی، ضعف نهادی و نارضایتی اجتماعی شرایطی ایجاد کرده که اجرای سیاست شوک‌درمانی می‌تواند ریسک‌های جدی به همراه داشته باشد. خصوصی‌سازی‌های گذشته، به‌جای بهبود بهره‌وری، به تمرکز ثروت منجر شده و نبود حمایت‌های بین‌المللی، ابزارهای ایران را برای مدیریت اصلاحات اقتصادی محدود کرده است. در چنین شرایطی، آزادسازی ناگهانی اقتصاد، به‌جای تسریع رشد، ممکن است به تشدید بحران‌های موجود منجر شود و فشار بیشتری بر معیشت مردم وارد آورد.

تجربه جهانی نشان داده است که شوک‌درمانی تنها در صورتی می‌تواند به موفقیت منجر شود که نهادهای اقتصادی قوی، حمایت اجتماعی و برنامه‌ریزی دقیق در کنار آن وجود داشته باشد اما در

در میان بحران‌های اقتصادی که زندگی مردم را تحت‌فشار قرار داده است، سیاستگذاران از نسخه‌ای به نام «شوک‌درمانی» سخن می‌گویند؛ رویکردی که با اصلاحات ناگهانی و گسترده، نظیر آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی و کاهش یارانه‌ها، به دنبال بازگرداندن ثبات اقتصادی است. این سیاست، هرچند در کشورهایی مانند شیلی و لهستان به رشد اقتصادی و کاهش تورم منجر شد اما هزینه‌های اجتماعی سنگینی چون بیکاری گسترده، گسترش فقر و افزایش نابرابری را به همراه داشت. در مقابل در کشورهایی همچون روسیه و آرژانتین اجرای این سیاست‌ها نه‌تنها به ثبات نینجامید، بلکه بحران‌های اقتصادی و اجتماعی را تشدید کرد و بسیاری از خانواده‌ها را به ورطه فقر کشاند.

ایران اکنون در یکی از حساس‌ترین دوره‌های اقتصادی خود



سرعت و گستردگی اصلاحات تاکید دارد، اصلاحات تدریجی به دنبال کاهش هزینه‌های اجتماعی و حفظ ثبات در طول دوره گذار است.

تجربه اجرای سیاست‌های شوک‌درمانی: از شیلی تا روسیه اولین نمونه برجسته از سیاست شوک‌درمانی

به طور سازمان‌یافته در تاریخ، به شیلی در دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد اما اولین اجرای گسترده و رسمی آن در یک چارچوب اقتصادی کامل تحول‌یافته، در لهستان در سال ۱۹۹۰ صورت گرفت. این دو مورد جزو مهم‌ترین نقاط شروع این سیاست هستند. در حقیقت پیش از سیاست‌های شوک‌درمانی که در شیلی و لهستان اجرا شدند، نمونه‌هایی از اصلاحات اقتصادی سریع و گسترده در تاریخ وجود داشت اما این موارد به طور دقیق و رسمی تحت‌عنوان «شوک‌درمانی» شناخته نمی‌شوند. با این حال، می‌توان به اصلاحات میجی در ژاپن (۱۸۶۸-۱۹۱۲) و برنامه داوس در آلمان پس از جنگ جهانی اول به‌عنوان نمونه‌های تاریخی شبیه به شوک‌درمانی اشاره کرد. با این حال، این موارد با تعریف رسمی شوک‌درمانی که شامل آزادسازی اقتصادی سریع و گسترده است، متفاوت هستند و این مفهوم و چارچوب نظری آن در آن زمان وجود نداشت. اجرای این سیاست‌ها با ظهور مکتب نئولیبرال و بحران‌های اقتصادی-سیاسی خاص آن دوره مرتبط است.

شیلی (۱۹۷۳)

سیاست شوک‌درمانی در شیلی یکی از اولین و برجسته‌ترین نمونه‌های اجرای این رویکرد اقتصادی در تاریخ معاصر است. این سیاست‌ها پس از کودتای نظامی سال ۱۹۷۳ به رهبری آگوستو پینوشه و با همکاری تیمی از اقتصاددانان موسوم به پسران شیکاگو اجرا شد. این اقتصاددانان که تحت‌تأثیر مکتب شیکاگو و ایده‌های میلتون فریدمن آموزش دیده بودند، تلاش داشتند اقتصاد متمرکز و ناکارآمد شیلی را به یک اقتصاد بازار آزاد تبدیل کنند. زمینه اجرای این اصلاحات، وضعیت بحرانی اقتصادی در

ایران که جامعه در برابر فشارهای اقتصادی و اجتماعی آسیب‌پذیرتر از همیشه است، چنین اصلاحاتی می‌تواند به‌جای درمان، به بحرانی عمیق‌تر منجر شود. وقتی اقتصاد شکننده است و اعتماد عمومی در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد آیا چنین نسخه‌ای می‌تواند راه نجات باشد، یا تنها سرعت بحران را افزایش خواهد داد؟ تجربه گذشته پاسخ‌های تلخی به این سوال داده است.

شوک‌درمانی و اصلاحات تدریجی

شوک‌درمانی (Shock Therapy) به مجموعه‌ای از اصلاحات اقتصادی سریع و گسترده اطلاق می‌شود که به منظور گذار از اقتصادهای متمرکز و ناکارآمد به بازار آزاد طراحی شده‌اند. این سیاست‌ها بر پایه تغییرات ناگهانی و همزمان در حوزه‌هایی مانند آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی دارایی‌های دولتی، کاهش یارانه‌ها و تثبیت اقتصاد کلان بنا شده‌اند. سیاست شوک‌درمانی به‌عنوان یک مفهوم مدرن در دهه ۱۹۷۰ میلادی و تحت‌تأثیر نظریه‌های مکتب اقتصادی شیکاگو (Chicago School) و به رهبری شخصیت‌هایی مانند میلتون فریدمن توسعه یافت و هدف اصلی این است که با ایجاد یک «شوک» در سیستم اقتصادی، روند اصلاحات را تسریع کرده و ثبات اقتصادی و رشد بلندمدت را تضمین کند. این سیاست بر اجرای سریع اصلاحات اقتصادی، به‌ویژه در کشورهایی تاکید داشت که با بحران‌های اقتصادی شدید یا گذارهای بزرگ سیاسی و اقتصادی مواجه بودند.

بوجود این اهداف بلندپروازانه، اجرای شوک‌درمانی اغلب با پیامدهای کوتاه‌مدت ناخواسته‌ای نظیر افزایش بیکاری، کاهش قدرت خرید و نابرابری اجتماعی همراه است. همین مساله موجب شد که سیاست اصلاحات تدریجی (Gradual Reforms) به‌عنوان یک رویکرد رقیب و جایگزین مطرح شود. در اصلاحات تدریجی، تغییرات به صورت مرحله‌ای و کنترل‌شده اعمال می‌شوند، به طوری که نهادهای اجتماعی و اقتصادی فرصت کافی برای تطبیق با شرایط جدید را داشته باشند. برخلاف شوک‌درمانی که به

اقتصادی کمونیستی باعث نارضایتی عمومی و فروپاشی دولت کمونیستی شدند. برنامه بالچروویچ شامل اصلاحات گسترده و ناگهانی در سه حوزه اصلی بود: آزادسازی قیمت‌ها، تثبیت اقتصاد کلان و خصوصی‌سازی گسترده. در اولین گام، کنترل قیمت‌ها حذف شد و بازار آزاد برای تعیین قیمت‌ها جایگزین سیستم دولتی شد. این اقدام به کاهش کمبود کالا در بازار کمک کرد اما به دلیل جهش ناگهانی قیمت‌ها، فشار زیادی بر مردم وارد آورد. در گام بعدی، دولت لهستان سیاست‌های پولی و مالی انقباضی را برای مهار تورم اجرا کرد. تثبیت نرخ ارز یکی از مهم‌ترین این اقدامات بود که توانست انتظارات تورمی را کنترل کند. همچنین، اصلاحات مالیاتی و کاهش هزینه‌های دولتی در دستور کار قرار گرفت. در نهایت، خصوصی‌سازی گسترده شرکت‌های دولتی آغاز شد تا مالکیت آنها به بخش خصوصی منتقل شود و بهره‌وری اقتصادی افزایش یابد.

پیامدهای کوتاه‌مدت این اصلاحات، هم مثبت و هم منفی بودند. از یک‌سو، تورم که در اواخر دهه ۱۹۸۰ بسیار بالا بود، در مدت کوتاهی کاهش یافت و ثبات نسبی به اقتصاد بازگشت. تولید کالاها در بازار آزاد افزایش یافت و کمبودهای گسترده برطرف شد اما از سوی دیگر، آزادسازی ناگهانی قیمت‌ها و کاهش نقش دولت در اقتصاد، به افزایش شدید بیکاری و گسترش فقر انجامید. بسیاری از صنایع ناکارآمد که در دوران کمونیستی با یارانه‌های دولتی فعالیت می‌کردند، تعطیل شدند و هزاران نفر شغل خود را از دست دادند. در نتیجه، نارضایتی عمومی از سیاست‌های اقتصادی افزایش یافت.

در میان‌مدت و بلندمدت برنامه شوک‌درمانی لهستان نتایج مثبتی به همراه داشت. با تثبیت اقتصاد کلان و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، لهستان توانست رشد اقتصادی پایدار را تجربه کند. در دهه ۱۹۹۰، لهستان به یکی از اقتصادهای پیشرو در میان کشورهای اروپای شرقی تبدیل شد. این کشور با اصلاحات ساختاری و پیوستن به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴، جایگاه خود را در اقتصاد جهانی تقویت کرد. همچنین، نرخ بیکاری که در سال‌های ابتدایی اصلاحات بسیار بالا بود، به مرور کاهش یافت و استانداردهای زندگی مردم بهبود پیدا کرد.

یکی از عوامل موفقیت لهستان در اجرای سیاست شوک‌درمانی، حمایت‌های گسترده بین‌المللی بود. این کشور از کمک‌های مالی و مشاوره‌ای سازمان‌هایی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی بهره‌مند شد. علاوه بر این، تعهد دولت به ادامه اصلاحات و تقویت نهادهای اقتصادی نقش مهمی در موفقیت این برنامه داشت. با این حال، تجربه لهستان بدون چالش نبود. نابرابری درآمدی در این کشور افزایش یافت و برخی مناطق روستایی و صنعتی با مشکلات اقتصادی بیشتری مواجه شدند. همچنین، خصوصی‌سازی سریع باعث شد برخی از دارایی‌های دولتی به قیمتی بسیار پایین به گروه کوچکی از سرمایه‌گذاران واگذار شوند که نارضایتی عمومی را در پی داشت.

در مجموع، تجربه لهستان نشان می‌دهد که سیاست شوک‌درمانی می‌تواند در میان‌مدت و بلندمدت موفقیت‌آمیز باشد، به شرط آنکه اصلاحات با برنامه‌ریزی دقیق، حمایت‌های نهادی و بین‌المللی و تعهد به تقویت نهادهای اقتصادی همراه باشد. لهستان به‌عنوان یکی از نمونه‌های موفق در میان کشورهای اروپای شرقی شناخته می‌شود که توانست از بحران اقتصادی گذر کند و پایه‌های یک اقتصاد رقابتی و پایدار را بنا نهد.

روسیه (۱۹۹۲)

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، روسیه وارد دوره‌ای پرچالش از تغییرات سیاسی و اقتصادی شد. اقتصاد متمرکز و

دوران ریاست‌جمهوری سالوادور آندو بود که سیاست‌های سوسیالیستی او مانند ملی‌سازی گسترده صنایع و کنترل شدید دولت بر اقتصاد، موجب تورم بسیار بالا، کمبود کالا و نارضایتی عمومی شده بود.

پس از کودتا، دولت نظامی پینوشه به سرعت اصلاحات گسترده‌ای را آغاز کرد که شامل آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی گسترده و کاهش کنترل دولت بر اقتصاد بود. یارانه‌ها در بسیاری از بخش‌ها حذف و مقررات دولتی به حداقل رسیدند. علاوه بر این، برای مهار تورم، سیاست‌های مالی و پولی انقباضی اجرا شد و زیرساخت‌های مالیاتی کشور تغییر یافت. این اصلاحات به صورت ناگهانی و گسترده اجرا شدند و اقتصاد شیلی را به یک «آزمایشگاه اقتصادی» برای سیاست‌های بازار آزاد تبدیل کردند.

در کوتاه‌مدت، این سیاست‌ها پیامدهای اجتماعی و اقتصادی شدیدی به همراه داشت. تولید ناخالص داخلی کاهش یافت و بسیاری از صنایع داخلی که تحت حمایت دولت قرار داشتند، ورشکسته شدند. نرخ بیکاری به بیش از ۲۰ درصد رسید و آزادسازی قیمت‌ها باعث شد هزینه‌های زندگی به شدت افزایش یابد. این وضعیت فقر و نابرابری درآمدی را گسترش داد و منجر به اعتراضات اجتماعی شد. با این حال، دولت پینوشه با سرکوب سیاسی شدید، این اعتراضات را کنترل کرد و به اجرای سیاست‌های اقتصادی ادامه داد. در میان‌مدت و بلندمدت، شیلی توانست از این سیاست‌ها بهره‌مند شود و به یکی از پایدارترین اقتصادهای آمریکای لاتین تبدیل شود. اصلاحات ساختاری انجام‌شده، زمینه رشد اقتصادی پایدار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم کرد. شیلی با آزادسازی تجارت و تقویت صادرات، به یکی از صادرکنندگان اصلی مس در جهان تبدیل شد. مهار تورم یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای این سیاست‌ها بود که ثبات اقتصادی را به دنبال داشت. در بلندمدت، نرخ فقر کاهش یافت، اگرچه نابرابری درآمدی همچنان بالا باقی ماند.

یکی از دلایل موفقیت شیلی، مدیریت تدریجی اصلاحات پس از شوک اولیه بود. اگرچه در ابتدا اصلاحات به‌صورت ناگهانی انجام شد اما در سال‌های بعدی دولت تلاش کرد با اقدامات تدریجی هزینه‌های اجتماعی را کاهش دهد. همچنین وجود منابع طبیعی غنی مانند مس و حمایت‌های خارجی از دیگر عوامل موفقیت این سیاست‌ها بود. با این حال، تجربه شیلی همچنان محل بحث است. بسیاری معتقدند که هزینه‌های اجتماعی این اصلاحات در کوتاه‌مدت، نظیر بیکاری گسترده و تمرکز ثروت در دست گروه کوچکی از افراد، بسیار بالا بود. وابستگی اقتصاد شیلی به صادرات مواد اولیه نیز آن را در برابر شوک‌های خارجی آسیب‌پذیر کرده است. در مجموع، تجربه شیلی نشان می‌دهد که سیاست شوک‌درمانی می‌تواند در بلندمدت نتایج مثبتی به همراه داشته باشد اما موفقیت آن وابسته به مدیریت مناسب، وجود نهادهای قوی و اصلاحات تکمیلی برای کاهش هزینه‌های اجتماعی است. شیلی به‌عنوان یک نمونه موفق در تاریخ سیاست‌های اقتصادی شناخته می‌شود، هر چند این موفقیت هزینه‌های سنگینی برای بخش‌های وسیعی از جامعه به همراه داشت.

لهستان (۱۹۹۰)

سیاست شوک‌درمانی در لهستان یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های اجرای این رویکرد در دهه ۱۹۹۰ است. این سیاست‌ها که تحت‌عنوان «برنامه بالچروویچ» شناخته می‌شوند، توسط لسزک بالچروویچ، وزیر دارایی وقت لهستان، طراحی و اجرا شد. هدف اصلی این برنامه، گذار سریع از اقتصاد کمونیستی متمرکز به یک اقتصاد بازار آزاد بود. زمینه اجرای این سیاست‌ها، وضعیت بحرانی اقتصادی و اجتماعی لهستان در اواخر دهه ۱۹۸۰ بود. در این دوره، تورم سرسام‌آور، کمبود کالا و ناکارآمدی سیستم

شود. در حالی که این سیاست‌ها در کشورهایمانند لهستان با موفقیت همراه بود، در روسیه به دلیل ضعف نهادی، فساد در فرآیند خصوصی‌سازی و بی‌توجهی به پیامدهای اجتماعی با شکست مواجه شد. تمرکز ثروت در دست الیگارش‌ها، افزایش فقر و بی‌ثباتی سیاسی از جمله پیامدهای بلندمدت این سیاست‌ها بود. این تجربه به یکی از مثال‌های برجسته در ادبیات اقتصادی تبدیل شده که نشان می‌دهد موفقیت شوک‌درمانی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، حمایت‌های نهادی و توجه به شرایط خاص هر کشور است. تجربه روسیه، یک هشدار مهم برای کشورهایی است که قصد دارند اصلاحات اقتصادی سریع و گسترده را بدون توجه به زیرساخت‌ها و آمادگی‌های لازم اجرا کنند.

آرژانتین (۱۹۹۱)

تجربه آرژانتین در دهه ۱۹۹۰ یکی از نمونه‌های برجسته و بحث‌برانگیز اجرای سیاست‌های شوک‌درمانی است. این سیاست‌ها در واکنش به بحران اقتصادی شدیدی که در اواخر دهه ۱۹۸۰ این کشور را درگیر کرده بود، اجرا شدند. آرژانتین در این دوره با نرخ تورم بی‌سابقه‌ای مواجه بود که در سال ۱۹۸۹ به بیش از ۳۰۰ درصد رسید. کاهش تولید ناخالص داخلی، کسری بودجه شدید و بحران بدهی‌های خارجی، اقتصاد کشور را فلج کرده بود. دولت جدید به رهبری کارلوس منم و با مدیریت اقتصادی دومینگو کاولیلو تصمیم گرفت با اجرای سیاست‌های شوک‌درمانی، اقتصاد کشور را اصلاح کند و آن را به سمت بازار آزاد هدایت کند.

سیاست‌های شوک‌درمانی آرژانتین شامل سه محور اصلی بود: آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی گسترده و آزادسازی تجارت و بازارهای مالی. در گام اول، کنترل قیمت‌ها برداشته شد و بازار به طور کامل مسوول تعیین قیمت کالاها و خدمات شد. این اقدام باعث کاهش کمبود کالا در بازار شد، اما در عین حال قیمت‌ها به طور ناگهانی افزایش یافت و فشار اقتصادی سنگینی بر مردم وارد آورد. در گام دوم، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی آغاز شد. شرکت‌های بزرگی مانند خطوط هوایی، مخابرات و خدمات آب و برق به بخش خصوصی واگذار شدند. این خصوصی‌سازی‌ها با هدف کاهش بدهی‌های دولتی و افزایش بهره‌وری اقتصادی انجام شدند اما فرآیند آن با فساد و سوءمدیریت همراه بود. در گام سوم، آرژانتین تعرفه‌های وارداتی را کاهش داد و بازارهای خود را برای تجارت آزاد باز کرد. این سیاست‌ها با هدف افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی طراحی شدند.

در کوتاه‌مدت، این سیاست‌ها موفقیت‌هایی به همراه داشتند. تورم که یکی از اصلی‌ترین مشکلات اقتصادی آرژانتین بود، به سرعت مهار شد و قیمت‌ها تثبیت شدند. تولید ناخالص داخلی (GDP) در اوایل دهه ۱۹۹۰ رشد کرد و سرمایه‌گذاری خارجی افزایش یافت. خصوصی‌سازی نیز به کاهش بدهی عمومی کمک کرد و برخی از صنایع توانستند کارایی خود را ارتقا دهند. این دوره از رشد و ثبات، آرژانتین را به‌عنوان یک الگوی موفق در میان کشورهای در حال توسعه مطرح کرد. اما مشکلات این سیاست‌ها در میان‌مدت و بلندمدت آشکار شد. آزادسازی نرخ ارز در مراحل اولیه سیاست شوک‌درمانی با گذشت زمان جای خود را به تثبیت نرخ ارز (پگ) به دلار آمریکا داد. این تغییر رویکرد که با هدف تثبیت قیمتی و افزایش اعتماد به اقتصاد اجرا شد، تناقضی جدی با اصول سیاست شوک‌درمانی داشت. پگ کردن پزو به دلار آمریکا، انعطاف‌پذیری سیاست‌های اقتصادی آرژانتین را کاهش داد و صنایع داخلی را در برابر رقابت خارجی آسیب‌پذیر کرد. کالاهای وارداتی به دلیل نرخ ارز ثابت، ارزان‌تر شدند و بسیاری از صنایع داخلی به دلیل ناتوانی در رقابت تعطیل شدند.

دولتی شوروی که سال‌ها تحت کنترل کامل دولت فعالیت کرده بود با ناکارآمدی شدید، فساد گسترده و بحران‌های ساختاری روبرو بود. در این میان، دولت جدید به رهبری بوریس یتسین تصمیم گرفت تا با استفاده از سیاست شوک‌درمانی، اقتصاد روسیه را به سمت بازار آزاد هدایت کند. هدف این سیاست‌ها ایجاد تحولاتی سریع و گسترده بود که بتواند روسیه را از بحران اقتصادی خارج کند و به مسیر رشد پایدار هدایت کند. این تصمیم تحت تأثیر تجربیات موفق کشورهای اروپای شرقی، به ویژه لهستان گرفته شد اما برخلاف انتظارات، اجرای سیاست شوک‌درمانی در روسیه به یکی از مهم‌ترین شکست‌های این رویکرد اقتصادی در تاریخ معاصر تبدیل شد. سیاست‌های شوک‌درمانی در روسیه شامل سه محور اصلی بودند: آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی گسترده و تثبیت اقتصاد کلان. در گام اول، دولت یتسین در سال ۱۹۹۲ کنترل‌های دولتی بر قیمت‌ها را به طور کامل حذف کرد. این اقدام، قیمت کالاها را به شدت افزایش داد و نرخ تورم در همان سال به بیش از ۲۵۰۰ درصد رسید. این تورم شدید قدرت خرید مردم را کاهش داد و بسیاری از خانواده‌ها را به زیر خط فقر کشاند. در گام دوم، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی با سرعت زیادی انجام شد. دولت سیستم واچرها را معرفی کرد که بر اساس آن، هر شهروند روسیه یک واچر دریافت می‌کرد که می‌توانست از آن برای خرید سهام شرکت‌های دولتی استفاده کند. اما این فرآیند با فساد گسترده همراه بود و بسیاری از دارایی‌های دولتی به قیمتی بسیار پایین به گروه کوچکی از سرمایه‌داران جدید معروف به الیگارش‌ها واگذار شد. در نتیجه، ثروت و قدرت اقتصادی در دست گروهی محدود متمرکز شد و نابرابری اجتماعی به شدت افزایش یافت. در نهایت، دولت برای مهار تورم و تثبیت اقتصاد کلان، سیاست‌های مالی و پولی انقباضی را اجرا کرد که شامل کاهش هزینه‌های دولت و افزایش نرخ بهره بود. این اقدامات نیز فشار بیشتری بر خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی وارد کرد.

پیامدهای کوتاه‌مدت این سیاست‌ها برای اقتصاد و جامعه روسیه فاجعه‌بار بود. تولید ناخالص داخلی (GDP) به شدت کاهش یافت و بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ تقریباً ۴۰ درصد از تولید اقتصادی کشور از دست رفت. بسیاری از صنایع داخلی که سال‌ها تحت حمایت دولت فعالیت می‌کردند، به دلیل نبود رقابت‌پذیری و عدم حمایت دولتی ورشکسته شدند. نرخ بیکاری به شدت افزایش یافت و میلیون‌ها نفر شغل خود را از دست دادند. همچنین حذف یارانه‌ها و آزادسازی قیمت‌ها منجر به افزایش هزینه‌های زندگی شد و فقر در سراسر کشور گسترش یافت. از نظر اجتماعی این تغییرات ناگهانی موجب نارضایتی گسترده مردم و بی‌ثباتی سیاسی شد. خصوصی‌سازی گسترده نیز به جای ایجاد یک اقتصاد رقابتی، به تمرکز ثروت در دست الیگارش‌ها انجامید که نفوذ قابل توجهی بر سیاست و اقتصاد کشور پیدا کردند.

در میان‌مدت و بلندمدت نیز سیاست شوک‌درمانی در روسیه نتوانست نتایج مطلوبی به همراه داشته باشد. اقتصاد روسیه که به شدت به صادرات نفت و گاز وابسته بود، از نوسانات قیمت جهانی انرژی آسیب‌های جدی دید. در سال ۱۹۹۸ روسیه با یک بحران مالی بزرگ مواجه شد که در آن دولت مجبور به اعلام ورشکستگی شد و ارزش روبل به شدت کاهش یافت. این بحران، تأثیرات منفی سیاست‌های شوک‌درمانی را بیش از پیش آشکار کرد و بی‌اعتمادی مردم به اصلاحات اقتصادی را افزایش داد. در دهه‌های بعد، اقتصاد روسیه نتوانست به رشد پایدار دست یابد و همچنان با مشکلاتی نظیر فساد گسترده، ضعف نهادی و نابرابری روبرو بود.

تجربه روسیه نشان داد که اجرای سیاست شوک‌درمانی بدون وجود نهادهای قوی و مدیریت مناسب، می‌تواند به پیامدهای فاجعه‌باری منجر



علاوه بر این، خصوصی سازی گسترده نیز مشکلاتی ایجاد کرد. بسیاری از دارایی های دولتی به قیمتی بسیار پایین به گروه کوچکی از سرمایه گذاران واگذار شدند که این مساله منجر به تمرکز ثروت و افزایش نابرابری شد. فساد گسترده در فرآیند خصوصی سازی اعتماد عمومی را به دولت کاهش داد. همچنین، کاهش تعرفه ها و باز شدن بازارها بدون حمایت کافی از صنایع داخلی، منجر به تعطیلی بسیاری از کارخانه ها و افزایش نرخ بیکاری شد. مشکلات ساختاری این سیاست ها در نهایت به بحران مالی بزرگ سال ۲۰۰۱ منجر شد. در این سال، کاهش قیمت کالاهای صادراتی و ناتوانی دولت در حفظ پگ نرخ ارز باعث شد سیستم مالی کشور فرو پاشد. ارزش پزو به شدت کاهش یافت، بدهی های خارجی غیرقابل پرداخت شدند و دولت اعلام ورشکستگی کرد. این بحران، فقر و بیکاری را به شدت افزایش داد و اعتراضات اجتماعی گسترده ای در کشور به راه انداخت.

تجربه آرژانتین نشان داد که سیاست های شوک درمانی، اگرچه در کوتاه مدت می توانند موفقیت آمیز باشند اما بدون مدیریت دقیق، اصلاحات نهادی و در نظر گرفتن پیامدهای بلندمدت ممکن است به بحران های جدی منجر شوند. تثبیت نرخ ارز، که به عنوان یک سیاست مکمل به کار گرفته شد، در واقع از اصول اولیه شوک درمانی فاصله داشت و در بلندمدت آسیب های زیادی به اقتصاد وارد کرد. آرژانتین به عنوان یکی از نمونه های شکست خورده سیاست شوک درمانی، هشدار جدی برای کشورهایی است که به دنبال اجرای سریع و گسترده اصلاحات اقتصادی هستند.

الزامات موفقیت سیاست شوک درمانی

سیاست شوک درمانی یکی از بحث برانگیزترین رویکردهای اصلاحات اقتصادی است که هدف آن گذار سریع از اقتصادهای متمرکز و ناکارآمد به اقتصاد بازار آزاد است. مرور تجربیات کشورهایی مانند شیلی، لهستان، روسیه و آرژانتین نشان می دهد که این سیاست می تواند نتایج مثبت و منفی متعددی به همراه داشته باشد و موفقیت یا شکست آن به عوامل مختلفی بستگی دارد. از جمله آثار مثبت سیاست شوک درمانی می توان به



کارآمد، اصلاحات گسترده ممکن است به بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی منجر شود.

از منظر اجتماعی و سیاسی، اجرای سیاست شوک‌درمانی معمولاً با هزینه‌های اجتماعی کوتاه‌مدت همراه است. افزایش بیکاری، فقر و نابرابری در بسیاری از موارد به نارضایتی عمومی و بی‌ثباتی اجتماعی منجر شده است. در ایران، باتوجه به اعتراضات و نارضایتی‌های اجتماعی اخیر، جامعه ممکن است آمادگی پذیرش هزینه‌های کوتاه‌مدت چنین اصلاحاتی را نداشته باشد. علاوه بر این، ساختار سیاسی و نبود اجماع در سیاست‌گذاری، هماهنگی لازم برای اجرای موفق این سیاست‌ها را دشوار می‌کند. تجربه کشورهایی مانند لهستان نشان داده است که حمایت سیاسی قوی و هماهنگی میان نهادهای حکومتی برای موفقیت این اصلاحات ضروری است.

یکی دیگر از عوامل کلیدی موفقیت سیاست شوک‌درمانی، حمایت بین‌المللی است. کشورهای موفق مانند لهستان و شیلی توانستند از حمایت‌های مالی و فنی سازمان‌هایی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بهره‌مند شوند اما در مورد ایران، تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های گسترده در دسترسی به سرمایه‌گذاری خارجی، این امکان را به شدت محدود کرده است. عدم دسترسی به منابع مالی و بازارهای بین‌المللی، توانایی ایران را برای مدیریت پیامدهای شوک‌درمانی کاهش می‌دهد.

با توجه به این شرایط، می‌توان نتیجه گرفت که ایران فاقد شرایط ایده‌آل برای اجرای سیاست شوک‌درمانی است. ضعف نهادی، بی‌ثباتی اجتماعی، وابستگی به درآمدهای نفتی و محدودیت‌های بین‌المللی از جمله موانع اصلی در این مسیر هستند. اگرچه ایران نیازمند اصلاحات اساسی اقتصادی است، اما اجرای سیاست‌های تدریجی و مدیریت شده، مشابه با رویکرد اصلاحات تدریجی چین، می‌تواند گزینه‌ای مناسب‌تر باشد. این رویکرد به کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی اصلاحات کمک می‌کند و در عین حال ثبات اجتماعی و سیاسی کشور را حفظ می‌کند. بنابراین، هرگونه اصلاح اقتصادی در ایران باید با در نظر گرفتن این چالش‌ها و شرایط ویژه کشور طراحی و اجرا شود.

شوک‌درمانی می‌تواند ابزار مؤثری برای اصلاحات اقتصادی باشد اما موفقیت آن وابسته به شرایط نهادی، مدیریت دقیق و توجه به پیامدهای اجتماعی است. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که بی‌توجهی به این الزامات می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی سنگینی به همراه داشته باشد و اصلاحات را به شکست بکشاند.

آیا ایران شرایط اجرای سیاست شوک‌درمانی را دارد؟

سیاست شوک‌درمانی یکی از رویکردهای اساسی برای اصلاحات سریع و گسترده اقتصادی است که هدف آن گذار از اقتصادهای متمرکز و ناکارآمد به بازار آزاد است. با این حال تجربه کشورهای مختلف نشان داده است که موفقیت این سیاست به عوامل متعددی از جمله شرایط اقتصادی، اجتماعی، نهادی، و سیاسی بستگی دارد. در مورد ایران، بررسی این شرایط نشان می‌دهد که اجرای سیاست شوک‌درمانی با چالش‌های جدی مواجه است. از منظر اقتصادی، ایران با مشکلاتی مشابه کشورهای که سیاست شوک‌درمانی را اجرا کرده‌اند، روبرو است. نرخ تورم بالا، رکود اقتصادی و وجود یک دولت بزرگ و ناکارآمد، شرایطی را ایجاد کرده که اصلاحات عمیق اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد. با این حال، وابستگی شدید ایران به درآمدهای نفتی، مشابه روسیه، اجرای موفق این سیاست را پیچیده می‌کند. نوسانات قیمت نفت و تاثیر آن بر ثبات اقتصادی، مانعی بزرگ در مسیر اصلاحات است. همچنین، خصوصی‌سازی‌های انجام‌شده در گذشته به دلیل ضعف در شفافیت و نظارت به‌جای بهبود بهره‌وری، به تمرکز ثروت و نارضایتی عمومی منجر شده است.

از نظر نهادی، یکی از الزامات کلیدی موفقیت سیاست شوک‌درمانی وجود نهادهای قوی و شفاف است. در ایران، ضعف در حکمرانی اقتصادی و فساد گسترده، چالشی مشابه با تجربه روسیه و آرژانتین است که اجرای سیاست‌های اصلاحی را دشوار می‌سازد. خصوصی‌سازی بدون نظارت شفاف و مدیریت مناسب، همانطور که در گذشته در ایران مشاهده شده، می‌تواند پیامدهای منفی بیشتری به همراه داشته باشد. در غیاب نهادهای

در بازی دلار چه گروهی باختند؟



نسبت به واردات در یک دوره معین کمتر است. این ناترازی بر قیمت ارزهای معتبر اثر گذاشته و نرخ تبدیل دلار به ریال را پرواز داده است. تراز تجاری منفی ایران به میزان حدود ۷ میلیارد دلار تا همین یکماه پیش نشان می‌دهد باید برای تعادل عرضه و تقاضا کاری کرد. یا باید تقاضای ارز را کاهش داد یا عرضه ارز را شوربختانه وضعیت الان گونه‌ای شده است که ناترازی‌ها روز به روز بیشتر و بیشتر خواهد شد. نهاد دولت در ایران به‌عنوان یکی از بازیگران بزرگ سمت عرضه ارز توانسته است مهر خود را بر بازار ارز بزند و قیمت ارزهای معتبر را در انحصار بگیرد. شهروندان و حتی فعالان اقتصادی باورش نمی‌شود دولت‌ها در بازار ارز بیشتر از اینکه به رفاه مردم و نیز جریان آزاد تجارت بیندیشند به این می‌اندیشند که بهتر است با داشتن اختیارات در بازار ارز از محل فروش این کالا برای دولت کسب درآمد کرد. این گونه شده است که عبدالناصر همتی پرچمدار گران‌تر فروختن ارزهای دولتی و نزدیک کردن نرخ‌های سه‌گانه مشهور دنبال کسب درآمد برای دولت است. یک گزارش منتشر شده در بررسی‌های تسنیم نشان می‌دهد؛ نرخ‌های خرید و فروش دلار در بازار توافقی حدود ۶۱ تا ۶۲ هزار تومان است و هیچ‌کسی در این بازار بالاتر از این نرخ‌ها خریدار ارز نیست. این در حالی است که پیش از این قیمت هر دلار در بازار توافقی نزدیک به ۵۰ هزار تومان بود. با توجه به اینکه بانک مرکزی مطابق قانون بازیگر اصلی ارز به حساب می‌آید افزایش نرخ دلار نیمایی و نیز دلار توافقی بیشتر از هر چیزی به زیان شهروندان و مصرف‌کنندگان است. طبق اعلام بازرگانان نرخ‌های خرید و فروش در این بازار حدود ۶۱ تا ۶۲ هزار تومان است. به نظر بازرگانان واردکننده، به دلیل کشش‌های قیمتی بازار، امکان خرید ارز به نرخ‌های بیش از نرخ‌های مذکور وجود ندارد چرا که با توجه به قیمت تمام‌شده اگر بیش از این اقدام به خرید کنند، نمی‌توانند کالای خود را به فروش برسانند.

دولت برنده و مردم بازنده

شهروندان عادی و حتی گروهی از روشنفکران تصور نمی‌کنند نهاد دولت می‌تواند در هر بازار گونه‌ای بازی کند که برآیند همه رخدادهای تغییرات دولت باشد و تصورشان از دولت یک نهاد خوب است. اتفاق‌های بازار ارز در ایران نشان می‌دهد دولت و به نایبیت از دولت، بانک مرکزی می‌توانند سیاست‌های ارزی را گونه‌ای آرایش دهند که دولت برنده شده و مردم بازنده شوند. از سوی دیگر این گمانه‌زنی وجود دارد که نهادهای زیر مجموعه دولت با وجود اینکه باید بازیگرانی بی‌طرف باشند اما با اعمال سیاست‌های ارزی جیب شهروندان را به سود گروه‌های خاص وصل می‌کنند. در این روزها که شاهد افزایش قیمت دلار نیمایی هستیم بسیاری از واردکنندگان که توانسته بودند با دلار ۲۸۵۰۰ تومانی کالا وارد کنند کالاهای خود را به قیمت نیمایی امروزی می‌فروشند.

«یک پرسش بنیادین که بیشتر از سوی گروه‌های مرجع فکری طرح می‌شود و شهروندان عادی کمتر به آن توجه دارند این است که نهاد دولت یا نهاد حکومت برای برآوردن کدام هدف‌های بزرگ تاسیس شده است و چرا مردم بخشی از اختیارات خود را در اختیار دولت قرار می‌دهند؟ واقعیت این است که نهاد دولت و حکومت با این هدف تاسیس شده‌اند که برای شهروندان رفاه مادی، امنیت و آسایش خیال به ارمغان بیاورند. شهروندان از دولت‌ها می‌خواهند با استفاده از مالیاتی که از مردم می‌گیرند و نیز با استفاده از منابع درآمدی طبیعی که در اختیار دارند کارهایی انجام دهند که کار کردن و به دست آوردن درآمد به‌آسانی ممکن شود. دموکراسی انتخاباتی نیز در سده گذشته به این دلیل اوج گرفت که شهروندان بتوانند افرادی کارآمد را برای اداره اقتصاد بر پایه انتخابات آزاد و سالم برگزینند و اگر گروه حاکم بر دولت نتوانست کارآمدی داشته باشد دولت دیگری را انتخاب کنند.

این روش در ایران نیز اتفاق افتاده است و با برخی گرفتاری‌ها البته ادامه دارد. به این معنی که شورای نگهبان قانون اساسی دایره انتخاب شهروندان را با گزینشی که خود می‌کند محدود کرده است. دولت‌های ایران با این محدودیت‌ها اما به‌رحال منتخب شهروندان هستند. تجربه اداره اقتصاد نشان داده است که دولت‌های ایران با وجود اختلاف در دیدگاه‌ها و نیز رویکردهای سیاسی نتوانسته‌اند رفاه مادی و نیز آرامش ذهنی را برای شهروندان فراهم کنند. اقتصاد ایران به دلیل ناکارآمدی‌های تاریخی دولت از ۱۳۶۸ به این سو رفاه مردم را نه تنها افزایش نداده‌اند بلکه متأسفانه مردم ایران هر روز به خط فقر نزدیک‌تر شده و گفته می‌شود ۳۰ درصد از ایرانیان زیر خط فقر قرار دارند. اقتصاد ایران از ابعاد گوناگون دارای کاستی‌ها و ناترازی‌های قابل اعتناست که مسعود نیلی، اقتصاددان ایرانی آنها را به شکل علمی دسته‌بندی کرده و می‌گوید: «در بحث پیدایش ناترازی‌ها عنوان شد که در اقتصاد ما نوعی تعادل ترس میان بازیگران اقتصاد برقرار شده است. نظام حکمرانی رو به بی‌عملی آورده و از انجام اصلاحات اقتصادی طفره می‌رود و تنها با اجبار به آن تن می‌دهد، بنگاه هم که در تامین مالی، انرژی، مواد اولیه، قطعات و ماشین‌آلات، نیروی انسانی متخصص و ماهر دچار مشکل است، تقاضای محصولاتش کاهشی است و دسترسی‌اش به بازارها و فناوری روز جهان نیز بسته شده، از نظام حکمرانی می‌خواهد که فشار مضاعفی بر او تحمیل نکند و خانوار هم با توجه به کاهش دستمزد حقیقی، مشاغل بی‌کیفیت و نداشتن چشم‌اندازی برای تامین رفاهش، از اصلاحات اقتصادی هراس دارد. نتیجه این‌که هیچ‌کسی مشتاق نیست به وضع موجود دست بزند. خانوار و بنگاه نارضایتی انباشته دارند و دولت هم گرفتار کسری است. بنابراین در حالی که بهینه اجتماعی این است که اصلاحات جامع اقتصادی در دستور کار قرار گیرد اما در ادامه وضع موجود گرفتار شده‌ایم. نیاز امروز اقتصاد ایران یک تغییر مسیر و در واقع یک تغییر بزرگ است. امروز ناترازی‌ها خودش را به تصمیم‌گیرنده تحمیل می‌کند و سیاستگذار نمی‌تواند در مقابلشان بی‌تفاوت باشد. درحالی که مصرف‌بنزین به رکوردهای تازه‌ای رسیده، دولت از تامین بنزین ناتوان است و مردم هم از اینکه در تعطیلات زمان زیادی در صف بنزین مانده‌اند، ناراضی هستند. دماسنج اقتصاد روی نقطه جوش قرار گرفته و تصمیم‌گیرنده به اجبار به این سمت سوق می‌یابد که یک اصلاح قیمتی مثلاً در بنزین انجام دهد.»

ناترازی ارزی و آزمندی دولت

بررسی از سر اشاره نشان می‌دهد یکی از ناترازی‌های اقتصاد ایران که بر سرش بنگاه‌ها و مردم تأثیرات منفی گذاشته است ناترازی ارزی است. به این معنی که عرضه و تقاضای ارز از تعادل خارج شده و در هر حال و با توجه به سیاست‌های ارزی در دهه‌های گذشته تقاضای ارز همواره از عرضه ارز بیشتر است. این عدم تعادل، قیمت ارزهای معتبر در بازار ارز ایران را نسبت به ریال افزایش داده است. میزان صادرات ایران به ویژه اگر درآمد ارزی به دست آمده از نفت را کنار بگذاریم

نشانه‌های تورم در بودجه سال آینده



در حالی که بخش اول بودجه ۱۴۰۴ توسط مجلس به تصویب رسید که نه تنها بهبود قابل توجهی نسبت به لایحه بودجه دولت نداشت بلکه نمایی از چالش‌های پیچیده و سیگنال‌های نگران‌کننده برای تورم در سال آینده ارائه می‌دهد. بودجه‌ای که با وابستگی به منابع غیر پایدار نظیر استقراض داخلی، انتشار اوراق بدهی و برداشت از صندوق توسعه ملی تدوین شده نه تنها قادر به تامین هزینه‌های دولت نیست بلکه با افزایش احتمال پایه پولی به تشدید تورم می‌انجامد. رشد قابل توجه هزینه‌های جاری که بخش عمده‌ای از آن صرف پرداخت حقوق و مزایا می‌شود، در حالی اتفاق افتاده که شکاف عمیق میان درآمدها و هزینه‌ها، دولت را به سمت تامین منابع از روش‌هایی سوق می‌دهد که مستقیماً تورمزا هستند. این در شرایطی است که سیاست‌های اقتصادی دولت چهاردهم نیز نقش مهمی در تقویت انتظارات تورمی دارند. حذف ارز نیمایی، تعدیل نرخ ارز ترجیحی و کاهش بودجه ارزی واردات کالاهای اساسی، همه از تغییرات اساسی در سیاستگذاری ارزی حکایت دارند. در کنار این موارد، احتمال افزایش قیمت بنزین در سال آینده، یکی از عوامل اصلی در تقویت شوک‌های تورمی خواهد بود. هرچند دولت این اقدامات را در راستای اصلاحات ساختاری توجیه می‌کند اما نبود پیش‌شرط‌های لازم، خطر شکست این سیاست‌ها را بالا برده است. در همین حال، تورم ۳۰ درصدی سال جاری که همچنان مهار نشده، نشانه‌های صعودی به خود گرفته است. بررسی داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که روند تورم از ابتدای پاییز افزایشی شده و احتمالاً در ماه‌های پایانی سال به اوج خود خواهد رسید. این روند، همراه با ناترازی بودجه‌ای، فشار اقتصادی بیشتری بر خانوارها وارد کرده و به کاهش قدرت خرید مردم منجر می‌شود.

به طور کلی بودجه ۱۴۰۴ در حالی تدوین شده که اقتصاد ایران با بحران‌های ساختاری نظیر ناترازی بانکی، وابستگی به نفت، تورم مزمن و ناکارآمدی نظام مالیاتی دست‌وپنجه نرم می‌کند. در چنین شرایطی، بودجه دولت به جای ارائه راهکارهای پایدار برای عبور از بحران، خود به عامل تشدید مشکلات تبدیل شده است. نبود برنامه‌های شفاف و عملیاتی برای کاهش تورم و مدیریت منابع، ریسک‌های بزرگی را برای اقتصاد کشور به همراه خواهد داشت. با این حال، کاهش نااطمینانی‌های سیاسی و اتخاذ سیاست‌های اصلاحی همسو با توان واقعی اقتصاد، می‌تواند مانع از تضعیف بیشتر ساختار اقتصادی شود.

تصویب بخش اول بودجه ۱۴۰۴

روز پنجشنبه نمایندگان مجلس شورای اسلامی بخش اول لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ را با ۱۷۸ رای موافق، ۱۰ رای مخالف و دو رای ممتنع از مجموع

مالیاتی جدید، انتشار اوراق قرضه و سیاست‌های ارزی و بانکی است. همچنین، نحوه تخصیص بودجه به پروژه‌های خاص و مقررات مربوط به دستگاه‌های اجرایی در این بخش مشخص می‌شود. هدف این بخش، تدوین قواعد اجرایی دقیق و شفاف برای اجرای بودجه است.

اقتصاد ایران با دست فرمان بودجه ۱۴۰۴ اقتصاد ایران در سال‌های اخیر تحت فشار مشکلات ساختاری عمیق و پیچیده‌ای قرار گرفته است که شامل تورم مزمن و بالای ۳۰ درصدی، شوک‌های مکرر ارزی، ناترازی گسترده در نظام بانکی و انرژی و وابستگی شدید و مستمر به درآمدهای ناپایدار نفتی می‌شود. این مشکلات که ریشه در سیاستگذاری‌های ناکارآمد و عدم اجرای اصلاحات اساسی دارند، در کنار شرایط بین‌المللی دشوار و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، فشار مضاعفی بر سیاست‌های مالی و اقتصادی کشور وارد کرده‌اند. در چنین شرایطی، بودجه سال ۱۴۰۴ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاستگذاری مالی دولت، نقشی کلیدی در تعیین مسیر آینده اقتصاد کشور ایفا می‌کند. این لایحه نه تنها باید پاسخگوی چالش‌های کوتاه‌مدت اقتصادی باشد بلکه باید بسترهای لازم را برای اصلاحات ساختاری و دستیابی به رشد پایدار فراهم کند. با این حال، باوجود برخی تلاش‌ها برای شفاف‌سازی منابع و مصارف، بودجه سال آینده همچنان از مشکلات بنیادی متعددی رنج می‌برد. این کاستی‌ها می‌توانند نه تنها در حل مشکلات فعلی ناکارآمد باشند بلکه به تشدید بحران‌های اقتصادی در سال آینده نیز منجر شوند.

۱۹۷ نماینده حاضر تصویب کردند. بر اساس این مصوبه، بودجه کل کشور از حیث منابع و مصارف بالغ بر ۱۰۷۵۰ هزار میلیارد تومان تعیین شد که نسبت به لایحه بودجه تقدیمی دولت با کاهش بیش از ۱۸ هزار میلیارد تومانی (معادل ۱۵/۳ درصد) همراه شد. بر اساس مصوبه مجلس منابع عمومی دولت در سال آینده ۴۶۰۶ هزار میلیارد تومان خواهد بود که نسبت به لایحه دولت کاهش ۱۳۸۱ هزار میلیارد تومان (معادل ۲۳ درصد) داشته است. همچنین بودجه عمومی دولت به میزان ۵۰۲۶ هزار میلیارد تومان (کاهش ۲۱ درصدی نسبت به لایحه بودجه) خواهد بود. بودجه شرکت‌های دولتی نیز با کاهش ۱۵۷ میلیارد تومانی نسبت به لایحه بودجه دولت بالغ بر ۵۳۳۱ میلیارد تومان خواهد بود. لازم به ذکر است که لایحه بودجه به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود که هر یک اهداف و جزئیات متفاوتی را دنبال می‌کنند؛ بخش اول به کلیات بودجه می‌پردازد و منابع و مصارف کلان را شامل می‌شود. این بخش منابع درآمدی مانند درآمدهای نفتی، مالیاتی و فروش اوراق و همچنین مصارف کلانی چون بودجه عمرانی، جاری و بازپرداخت بدهی‌ها را در بر می‌گیرد. جزئیات این بخش شامل جداول کلی منابع و مصارف، تعیین سقف کلی درآمدها و هزینه‌ها و تخصیص بودجه به بخش‌های عمومی و دستگاه‌های اجرایی است. هدف اصلی این بخش، تصویب کلیات اقتصادی و بودجه‌ای کشور برای سال آینده است. در مقابل، بخش دوم بر احکام و تبصره‌های اجرایی تمرکز دارد و به سیاست‌ها و ضوابط اجرایی بودجه می‌پردازد. این بخش شامل تبصره‌هایی درباره نحوه هزینه‌کرد بودجه، قوانین

را کمرنگ می‌کند. به طور مشخص اولین گام برای انجام اصلاحات اقتصادی در ایران، کاهش نااطمینانی و ریسک‌های سیاسی است چراکه در شرایط ریسک بالا، هر اقدامی اصلاحی با بیش واکنشی بازار روبه‌رو خواهد شد. نمونه این موضوع را می‌توان در تحولات بازار ارز مشاهده کرد؛ جایی که با وجود افزایش نرخ نیما از ۴۵ به ۵۲ هزار تومان از ابتدای سال، عملاً فاصله نرخ ارز نیمایی و قیمت دلار در بازار آزاد نه‌تنها کاهش پیدا نکرد بلکه افزایش یافت.

هزینه شکست اصلاحات اقتصادی در این میان عدم موفقیت در اجرای این سیاست، دو هزینه سنگین را به کشور تحمیل خواهد کرد؛ اولاً با توجه به سطح تورم ۳۰ درصدی و گارد صعودی آن از ابتدای پاییز، احتمالاً شاهد افزایش نرخ تورم در ماه‌های پایانی سال و همچنین سال آینده خواهیم بود. با در نظر گرفتن شوک‌های تورمی چند سال گذشته و رسیدن میانگین تورم هفت سال اخیر به سطح ۴۰ درصدی، تشدید دوباره تورم معنایی جز افزایش فقر و فشار مضاعف به معیشت خانوارها نخواهد داشت. شرایطی که می‌تواند کشورهای با چالش‌های اجتماعی و اقتصادی نگران‌کننده‌ای مواجه سازد. مساله بعدی این است که در صورت شکست اصلاحات مدنظر دولت به دلیل عدم توجه به پیش‌شرط‌های لازم، فضا برای انجام اصلاحات اقتصادی بعدی به شدت دشوار خواهد شد. به بیان دیگر، اجرای یک سیاست درست به شکل نادرست، ماهیت اصلاحات اقتصادی را نزد افکار عمومی نادرست جلوه خواهد داد. در این شرایط از یک‌سو با توجه به ناترازی‌های شدید اقتصاد ایران و نیاز به انجام اصلاحات عمیق و از سوی دیگر، لزوم همراهی مردم برای موفقیت این سیاست‌ها، شکست احتمالی سیاست‌های دولت معنایی جز عقب‌افتادگی بیشتر اقتصاد ایران و تشدید بحران‌های کنونی نخواهد داشت.

از نرخ دلار تا قیمت بنزین

علاوه بر چالش‌های بودجه، رویکرد دولت در سیاستگذاری اقتصادی نیز نه‌تنها کاهش‌دهنده تورم نخواهد بود بلکه در شرایط کنونی یکی از عوامل اصلی در افزایش انتظارات تورمی است. به طور مشخص رویکرد دولت در اقتصاد، کاهش سیاست کنترل و تثبیت قیمت‌هاست. به طور مشخص ارز و حامل‌های انرژی (به طور مشخص بنزین) دو حوزه‌ای است که به نظر می‌رسد دولت سعی در تعدیل قیمت‌های آن دارد. افزایش نرخ نیما و در نهایت حذف آن از ابتدای بهمن ماه، کاهش بودجه ارزی واردات کالاهای اساسی و تعدیل قیمت ارز ترجیحی از ۲۸۵۰۰ به ۳۸۵۰۰ تومان نمودهای مشخصی از رویکرد سیاستگذاری ارزی دولت چهاردهم است. در خصوص قیمت حامل‌های انرژی و به طور مشخص قیمت بنزین هم هر چند تاکنون تصمیم قطعی گرفته نشده و اظهارات مختلفی در این خصوص مطرح می‌شود اما جمع‌بندی صحبت‌های مطرح شده نشان از قطعیت افزایش قیمت بنزین در سال آینده دارد. تنها میزان افزایش قیمت و نحوه اجرای آن همچنان مبهم است. هر چند تعدیل سیاست تثبیت و کنترل قیمت را می‌تواند یکی از اصلی‌ترین اصلاحات اقتصادی دانست اما همانگونه که در گزارش‌های قبلی اشاره شد، اقتصاد ایران در شرایط کنونی ظرفیت اصلاحات عمیق اقتصادی را ندارد و در صورت اجرای این سیاست‌ها احتمال شکست آنها بیش از موفقیت است. شرایط بی‌ثبات اقتصادی ناشی از تورم بالا و رشد اقتصادی پایین، کاهش معنادار سرمایه اجتماعی که خود را در مشارکت پایین انتخابات ریاست‌جمهوری نشان داد، شرایط ملتهب و تشدید ریسک‌های سیاسی ناشی از تحولات منطقه و بازگشت ترامپ به کاخ سفید، افزایش نگرانی در خصوص تشدید تحریم‌های اتحادیه اروپا و آینده نامعلوم توافق هسته‌ای و... از جمله نااطمینانی‌هایی هستند که موفقیت اصلاحات اقتصادی

سیگنال‌های تورمی؛ از بودجه ناتراز تا سیاست‌های اقتصادی دولت

در نیمه نخست سال و با وجود سیاست‌های انقباضی پولی و مالی، تورم اقتصاد ایران در سطح ۳۰ درصد باقی ماند و بررسی داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد که از ابتدای پاییز روند تورم صعودی شده است. به بیان دیگر، نه‌تنها سیاستگذار اقتصادی نتوانست سد تورم ۳۰ درصدی را بشکند بلکه حالا احتمال صعودی شدن تورم بیش از گذشته است؛ موضوعی که با توجه به بودجه سال آینده و همچنین رویکرد سیاستی دولت چهاردهم بسیار محتمل به نظر می‌رسد.

چالش‌های تورمی بودجه ۱۴۰۴

بودجه ۱۴۰۴ به دلیل ساختار و محتوای آن، احتمالاً به افزایش فشارهای تورمی منجر خواهد شد. این اثرات به‌ویژه در سایه کسری بودجه، رشد اعتبارات هزینه‌ای و وابستگی به منابع غیرپایدار آشکار می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل تورم‌زا در بودجه سال ۱۴۰۴، کسری تراز عملیاتی است. شکاف میان درآمدهای جاری و هزینه‌های جاری در سال آینده نشان‌دهنده عدم توانایی دولت در تامین هزینه‌های خود از محل درآمدهای پایدار است. برای پوشش این کسری، دولت ناچار به استفاده از منابع غیرپایدار مانند استقراض داخلی، برداشت از صندوق توسعه ملی، یا انتشار اوراق بدهی خواهد بود. هر یک از این روش‌ها، به‌ویژه در صورتی که منجر به افزایش پایه پولی شود، می‌تواند به رشد نرخ تورم منجر شود. از سوی دیگر، افزایش شدید در اعتبارات هزینه‌ای، فشار مالی مضاعفی بر دولت وارد می‌کند. این اعتبارات که بخش قابل توجهی از آن صرف هزینه‌های جاری مانند پرداخت حقوق و مستمری می‌شود، ۶۸ درصد از کل مصارف عمومی را تشکیل می‌دهد. این در حالی است که رشد درآمدهای مالیاتی تنها ۳۹ درصد پیش‌بینی شده و همچنان با هزینه‌ها فاصله زیادی دارد. این شکاف میان درآمدها و هزینه‌ها، دولت را مجبور به استفاده از منابع غیرپایدار می‌کند که اثرات تورمی آن اجتناب‌ناپذیر است. علاوه بر این، وابستگی بالای بودجه به درآمدهای نفتی یکی دیگر از چالش‌های اساسی است. دولت در بودجه سال ۱۴۰۴ برای تامین بخشی از منابع خود بر درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز تکیه کرده است. با توجه به نوسانات بازار جهانی نفت و محدودیت‌های صادراتی ناشی از تحریم‌ها، این وابستگی نه‌تنها اقتصاد را در برابر شوک‌های خارجی آسیب‌پذیر می‌کند بلکه در صورت کاهش تحقق این منابع، نیاز به استقراض بیشتر و در نتیجه افزایش تورم خواهد بود. همچنین رشد درآمدهای مالیاتی نتوانسته است به طور کامل از فشارهای تورمی بکاهد. بخشی از این افزایش ممکن است از طریق تشدید بار مالیاتی بر تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان حاصل شود که می‌تواند تورم هزینه‌ای را افزایش دهد.



خطر تحریم که دیده نمی‌شوند



در تحلیل تحریم‌های اقتصادی غالباً به اثرگذاری آن بر جنبه‌های مشخص تاکید می‌شود. محدودیت در تجارت، انسداد منابع مالی و کاهش دسترسی به بازارهای جهانی از جمله آثار مشخص تحریم است که بیش از همه بر آن تمرکز می‌شود. با این وجود تحریم‌ها آثار پنهان و پیچیده‌ای نیز دارد؛ واسطه‌ها، بازیگران غیررسمی که به‌ظاهر ابزاری برای دورزدن محدودیت‌ها هستند اما در عمل به عامل بی‌ثباتی و آسیب‌های ساختاری در اقتصاد تبدیل می‌شوند. این واسطه‌ها که در خلأ نظام‌های رسمی فعالیت می‌کنند، نه تنها شفافیت مالی را از بین می‌برند بلکه جریان ارزی کشور را به شبکه‌های غیررسمی سوق می‌دهند. نتیجه، کاهش کنترل بانک مرکزی و دولت بر بازار ارز است؛ جایی که نوسانات شدید و شکاف فزاینده بین نرخ رسمی و آزاد، ثبات اقتصادی را به چالش می‌کشد. واسطه‌ها از طریق تسهیل تراکنش‌های مالی خارج از چارچوب‌های قانونی، دسترسی به منابع ارزی را پیچیده‌تر کرده و سیاستگذاران را در مواجهه با شوک‌های ارزی، در موضعی ضعیف‌تر قرار می‌دهند.

از سوی دیگر، نقش واسطه‌ها در تضعیف نهادهای رسمی مالی نیز قابل توجه است. وقتی جریان ارزی به دست شبکه‌های غیررسمی می‌افتد، منابع مالی که باید از طریق بانک‌ها و موسسات رسمی مدیریت شوند، به کانال‌های پنهان هدایت می‌شوند. این فرآیند نه تنها ظرفیت نهادهای رسمی را برای مدیریت بحران کاهش می‌دهد، بلکه ابزارهای سیاستگذاری اقتصادی مانند کنترل نرخ ارز و تثبیت بازار پول را عملاً بی‌اثر می‌کند. این جنبه پنهان تحریم‌ها، فراتر از یک چالش مقطعی، نشان‌دهنده یک تهدید سیستماتیک برای اقتصاد کشور است. وابستگی به واسطه‌ها، در نهایت نه تنها سیاست‌های پولی و مالی را تضعیف می‌کند، بلکه با تشدید شوک‌های ارزی، زیرساخت‌های اقتصادی را فرسایش می‌دهد.

واسطه‌ها در اقتصاد تحریم‌شده؛ نجات‌دهنده یا تهدید پنهان؟

تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان ابزاری کلیدی در سیاست‌های بین‌المللی، با هدف ایجاد فشار بر کشورهای هدف و محدود کردن دسترسی آنها به منابع مالی و تجاری اعمال می‌شوند. با این حال، در پاسخ به این فشارها، کشورهای تحریم‌شده اغلب به روش‌های جایگزین برای انجام تراکنش‌های مالی و تجاری روی می‌آورند. یکی از این روش‌ها استفاده

از واسطه‌ها (trustees) یا (intermediaries) است که امکان دسترسی غیرمستقیم به بازارها و شبکه‌های مالی جهانی را فراهم می‌کند. اگرچه واسطه‌ها می‌توانند به کاهش محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها کمک کنند اما استفاده از آنها اثرات منفی متعددی بر اقتصاد کشورهای تحریم‌شده دارد. واسطه‌ها معمولاً هزینه‌های تراکنش را افزایش می‌دهند، سودآوری شرکت‌ها و دولت‌ها را کاهش می‌دهند و دسترسی به منابع مالی را پیچیده‌تر می‌کنند. علاوه بر این، وجود واسطه‌ها به ایجاد عدم شفافیت مالی منجر می‌شود که نه تنها بهره‌وری اقتصادی را کاهش می‌دهد، بلکه ممکن است ساختارهای اقتصادی و نهادی را دچار آسیب‌های بلندمدت کند.

افزایش هزینه‌های انتقال پول استفاده از واسطه‌ها برای انجام تراکنش‌های مالی در کشورهای تحریم‌شده اغلب با افزایش چشمگیر هزینه‌های تراکنش همراه است. این هزینه‌ها شامل کارمزدهای مستقیم و هزینه‌های پنهان می‌شود که تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد این کشورها دارند. واسطه‌ها برای ارائه خدمات مالی و تسهیل تراکنش‌ها، درصدی از مبلغ معامله را به عنوان کارمزد دریافت می‌کنند. این کارمزدها ممکن است شامل هزینه‌های انتقال وجوه از کانال‌های غیررسمی یا خدمات اضافی مانند تبدیل ارز و پردازش معاملات پیچیده باشد که به‌طور مستقیم سودآوری شرکت‌ها و فعالان اقتصادی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، واسطه‌ها

هزینه‌های پنهانی را نیز به اقتصاد تحمیل می‌کنند. تاخیر در انتقال وجوه از کانال‌های غیررسمی یکی از این هزینه‌ها است که می‌تواند به اختلال در روند پرداخت‌ها و معاملات بین‌المللی منجر شود. همچنین استفاده از واسطه‌ها خطرات قانونی و مالی را افزایش می‌دهد زیرا در صورت کشف این معاملات توسط نهادهای نظارتی، ممکن است جریمه‌های سنگینی بر شرکت‌ها یا حتی کل اقتصاد کشور تحمیل شود. از سوی دیگر، فعالیت واسطه‌ها در شبکه‌های غیررسمی باعث کاهش شفافیت مالی می‌شود که این امر هزینه‌های نظارتی و حسابرسی را افزایش داده و مدیریت اقتصادی را پیچیده‌تر می‌کند. این افزایش هزینه‌ها تأثیر منفی گسترده‌ای بر اقتصاد کشورهای تحریم‌شده دارد. از جمله این اثرات می‌توان به کاهش سودآوری شرکت‌ها اشاره کرد چراکه بخش قابل توجهی از درآمد حاصل از تراکنش‌ها صرف پرداخت به واسطه‌ها می‌شود. این مساله همچنین توان رقابتی شرکت‌ها را در بازارهای بین‌المللی کاهش می‌دهد زیرا هزینه‌های اضافی باعث افزایش قیمت کالاها و خدمات نهایی می‌شود. در نهایت، این هزینه‌های اضافی اغلب به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود که با افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید مواجه می‌شوند.

به طور کلی، کارمزدهای مستقیم و هزینه‌های پنهان ناشی از فعالیت واسطه‌ها فشار اقتصادی قابل توجهی را بر کشورهای تحریم‌شده وارد می‌کند. این هزینه‌ها نه تنها بر عملکرد شرکت‌ها

که این امر باعث افزایش شکاف بین نرخ ارز رسمی و نرخ ارز بازار آزاد می‌شود. در زمان‌های بحران، این شبکه‌ها با احتکار یا عرضه نامنظم ارز، نوسانات بیشتری را در بازار ایجاد می‌کنند و کارایی سیاست‌های پولی مانند تثبیت نرخ ارز یا کنترل تورم را به شدت کاهش می‌دهند.

علاوه بر این، واسطه‌ها به دلیل همکاری با شبکه‌های غیررسمی و گاه غیرقانونی، فعالیت‌های غیرقانونی را تقویت می‌کنند. انتقال غیرقانونی ارز به خارج از کشور یکی از پیامدهای این روند است که ذخایر ارزی داخلی را کاهش داده و کشور را با کمبود منابع ارزی مواجه می‌کند. همچنین، فعالیت‌های مرتبط با پول شویی که توسط این شبکه‌ها انجام می‌شود، شفافیت مالی کشور را تضعیف کرده و اعتماد عمومی به نظام مالی را کاهش می‌دهد.

در مجموع، مدیریت جریان ارزهای خارجی توسط واسطه‌ها نه تنها کنترل دولت بر منابع ارزی را محدود می‌کند، بلکه بی‌ثباتی در بازار ارز و تضعیف سیاست‌های ارزی و پولی کشور را به همراه دارد. این شرایط فشار مضاعفی بر اقتصاد تحريم شده وارد کرده و ظرفیت دولت برای مدیریت بحران‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد.

ریسک‌های سیستمی واسطه‌ها

استفاده گسترده از واسطه‌ها با ایجاد وابستگی فزاینده به شبکه‌های غیررسمی، منجر به افزایش ریسک‌های سیستمی و تهدید جدی برای ثبات اقتصادی می‌شود. این وابستگی به تدریج ساختار اقتصاد رسمی را تضعیف کرده و توانایی دولت در مدیریت بحران‌ها و اجرای سیاست‌های اقتصادی

نهادهای مالی رسمی نقش کلیدی در اجرای سیاست‌های پولی و مالی دارند اما زمانی که فعالیت‌های مالی به سمت شبکه‌های غیررسمی سوق داده می‌شود، بانک مرکزی به داده‌های اقتصادی کلیدی دسترسی کمتری خواهد داشت. این مساله اجرای موثر سیاست‌های پولی مانند کنترل تورم یا نرخ بهره را دشوار می‌کند.

تشدید شوک‌های ارزی

واسطه‌ها در کشورهای تحریم‌شده نقش مهمی در مدیریت جریان ارزهای خارجی ایفا می‌کنند و اغلب به‌عنوان جایگزین یا مکمل نهادهای مالی رسمی عمل می‌کنند. این واسطه‌ها از کانال‌های غیررسمی و غیرشفاف برای انتقال ارز استفاده می‌کنند که این فعالیت‌ها خارج از سیستم مالی رسمی انجام می‌شود. نتیجه این امر، کاهش کنترل دولت و بانک مرکزی بر منابع ارزی است. دولت در چنین شرایطی نمی‌تواند به‌طور کامل بر ورود و خروج ارز نظارت داشته باشد که این موضوع به نبود اطلاعات دقیق از منابع ارزی و دشواری در برنامه‌ریزی ارزی برای واردات کالاهای اساسی و استراتژیک منجر می‌شود. علاوه بر این، کاهش کنترل دولت بر نرخ ارز باعث افزایش نوسانات در بازار ارز می‌شود و بی‌ثباتی بیشتری را ایجاد می‌کند.

فعالیت واسطه‌ها همچنین سیاست‌های ارزی و پولی کشور را تضعیف می‌کند. زمانی که جریان ارز از کنترل دولت خارج شود، سیاست‌گذاران پولی با محدودیت‌های جدی در اجرای برنامه‌های خود مواجه می‌شوند. واسطه‌ها ممکن است ارزهای خارجی را به بازارهای غیررسمی هدایت کنند

تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه رشد اقتصادی کلی کشور را کند کرده و چالش‌های جدی برای توسعه پایدار ایجاد می‌کند. همچنین جریان ارزی کشور را با اختلال همراه خواهد ساخت که خود را در کاهش قدرت بانک مرکزی در بازار ارز و شوک‌های ارزی نمایان می‌کند.

آسیب به نهادهای مالی رسمی

استفاده از واسطه‌ها در کشورهای تحریم‌شده یکی از مهم‌ترین عواملی است که به تضعیف نهادهای مالی رسمی منجر می‌شود. واسطه‌ها معمولاً در شبکه‌های غیررسمی فعالیت می‌کنند و به دلیل ماهیت غیرشفاف خود، به تدریج جایگزین یا مکمل نظام‌های مالی رسمی می‌شوند. این روند اثرات مخربی بر ساختار و عملکرد نظام مالی رسمی داشته و توانایی این نهادها در ارائه خدمات و مدیریت منابع مالی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

یکی از اولین پیامدهای حضور واسطه‌ها، کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی رسمی است. واسطه‌ها با ارائه خدمات ساده‌تر و اغلب بدون نیاز به شفافیت، نقش سیستم بانکی را کمرنگ می‌کنند. این شبکه‌های غیررسمی اطلاعات دقیقی درباره تراکنش‌ها ارائه نمی‌دهند که باعث ایجاد بی‌اعتمادی عمومی به توانایی نهادهای مالی رسمی در مدیریت منابع مالی می‌شود. علاوه بر این، برداشت عمومی از ناکارآمدی یا ناتوانی نهادهای رسمی در مقابله با فعالیت‌های غیرقانونی واسطه‌ها، این بی‌اعتمادی را تشدید می‌کند. از سوی دیگر، فعالیت واسطه‌ها در شبکه‌های غیررسمی باعث افزایش نوسانات در بازارهای مالی می‌شود. تراکنش‌هایی که از طریق واسطه‌ها انجام می‌شوند، از دید نهادهای نظارتی پنهان مانده و امکان نظارت دقیق بر بازارهای مالی را تضعیف می‌کند. این عدم شفافیت می‌تواند جریان‌های مالی ناپایداری ایجاد کند که به نوسانات شدید در بازارهای ارز، سهام و کالا منجر می‌شود. ورود و خروج غیرقابل پیش‌بینی سرمایه‌ها از طریق شبکه‌های غیررسمی نیز ثبات مالی کشور را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، استفاده گسترده از واسطه‌ها منابع مالی نهادهای رسمی را کاهش می‌دهد. زمانی که افراد و شرکت‌ها به جای استفاده از خدمات بانکی رسمی، به واسطه‌ها روی می‌آورند، سپرده‌های بانکی کاهش یافته و توانایی بانک‌ها برای تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای محدود می‌شود. این موضوع جریان نقدی رسمی را نیز کاهش داده و درآمدهای بانکی حاصل از کارمزدها و سایر خدمات مالی را محدود می‌کند. یکی دیگر از پیامدهای مهم حضور واسطه‌ها، تضعیف سیاست‌های اقتصادی و نظارتی است.



را محدود می‌کند. واسطه‌ها به دلیل فعالیت در شبکه‌های غیررسمی که خارج از چارچوب‌های نظارتی و قانونی عمل می‌کنند، باعث می‌شوند بخش قابل توجهی از تراکنش‌ها و سرمایه‌ها از اقتصاد رسمی خارج شود. این امر منابع موجود در نظام مالی رسمی را کاهش داده و کنترل دولت بر جریان‌های اقتصادی را به دلیل نبود شفافیت و نظارت کافی، دشوارتر می‌کند. در مواقع بحرانی، مانند شوک‌های اقتصادی یا نوسانات شدید در بازارهای مالی، وابستگی به این شبکه‌ها آسیب‌پذیری اقتصاد را دوچندان می‌کند. شبکه‌های غیررسمی ممکن است در زمان بحران به سرعت منابع مالی را از کشور خارج کنند که این موضوع باعث کاهش ذخایر ارزی و افزایش بی‌ثباتی در بازارهای مالی می‌شود. علاوه بر این،

اقتصادی کشورهای تحریم‌شده است. وابستگی به این شبکه‌های غیررسمی نه تنها آسیب‌پذیری اقتصاد را در برابر بحران‌ها افزایش می‌دهد، بلکه اجرای سیاست‌های اقتصادی و مدیریت کلان را برای دولت دشوارتر می‌سازد.

کاهش بهره‌وری اقتصادی

استفاده از واسطه‌ها در کشورهای تحریم‌شده، بهره‌وری اقتصادی را به شدت تحت تاثیر قرار داده و منابع مالی و انسانی را از مسیرهای مولد منحرف می‌کند. واسطه‌ها با ایجاد پیچیدگی در فرآیندهای مالی و تجاری، انجام تراکنش‌ها را به شبکه‌های غیررسمی و اغلب غیرشفاف وابسته می‌کنند. این شبکه‌ها شامل مراحل متعدد و زمان‌بری هستند که برای مدیریت آنها، منابع مالی قابل توجهی صرف

منابع اقتصادی که می‌توانست در پروژه‌های مولد مانند سرمایه‌گذاری در نوآوری، فناوری یا توسعه زیرساخت‌ها به کار گرفته شوند، در مسیرهای کم‌بازده و پرهزینه صرف می‌شود. بودجه‌هایی که برای پرداخت به واسطه‌ها اختصاص داده می‌شوند و زمان و انرژی سازمان‌ها که در حل مسائل مرتبط با این تراکنش‌های پیچیده هدر می‌رود، از جمله مصادیق این انحراف منابع هستند.

به‌طور کلی، استفاده از واسطه‌ها نه تنها بهره‌وری اقتصادی را در کوتاه‌مدت کاهش می‌دهد، بلکه اثرات بلندمدتی بر رشد اقتصادی و توسعه پایدار کشورهای تحریم‌شده خواهد داشت. این وضعیت، واسطه‌ها را به یک مانع پنهان اما موثر در مسیر بهبود و توسعه اقتصادی تبدیل می‌کند که نیازمند بررسی و مدیریت دقیق است.

تورم چند لایه

استفاده از واسطه‌ها در اقتصاد کشورهای تحریم‌شده یکی از عوامل مهم در افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان است. این موضوع به دلیل انتقال هزینه‌های اضافی ناشی از واسطه‌ها به زنجیره تولید و توزیع کالاها و خدمات رخ می‌دهد. واسطه‌ها برای ارائه خدمات مالی و تسهیل تراکنش‌ها هزینه‌های قابل توجهی دریافت می‌کنند. شرکت‌ها و فعالان اقتصادی که ناچار به استفاده از خدمات واسطه‌ها هستند، این هزینه‌ها را به قیمت تمام‌شده محصولات خود اضافه می‌کنند. در نتیجه، قیمت کالاها و خدمات در بازار افزایش می‌یابد و مصرف‌کنندگان نهایی که امکان جبران این هزینه‌ها را ندارند، با کاهش قدرت خرید خود مواجه می‌شوند.

باید توجه داشت که تورم ناشی از واسطه‌ها اثرات چندلایه‌ای نیز دارد. این تورم نه تنها باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود، بلکه هزینه تولید را نیز افزایش می‌دهد زیرا هزینه‌های مواد اولیه و حمل‌ونقل به دلیل افزایش قیمت‌ها بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، با افزایش قیمت‌ها، مصرف‌کنندگان توان خرید خود را از دست می‌دهند که این موضوع باعث کاهش تقاضا در اقتصاد می‌شود. کاهش تقاضا به‌طور مستقیم بر سرمایه‌گذاری‌ها و تولید تاثیر گذاشته و رشد اقتصادی را محدود می‌کند. در مجموع، هزینه‌های بالای ناشی از واسطه‌ها زنجیره تولید و توزیع کالاها و خدمات را مختل کرده و فشارهای اقتصادی شدیدی بر مصرف‌کنندگان وارد می‌کند. این فشارها در قالب افزایش قیمت‌ها، کاهش قدرت خرید و نارضایتی اجتماعی، اقتصاد کشورهای تحریم‌شده را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد.

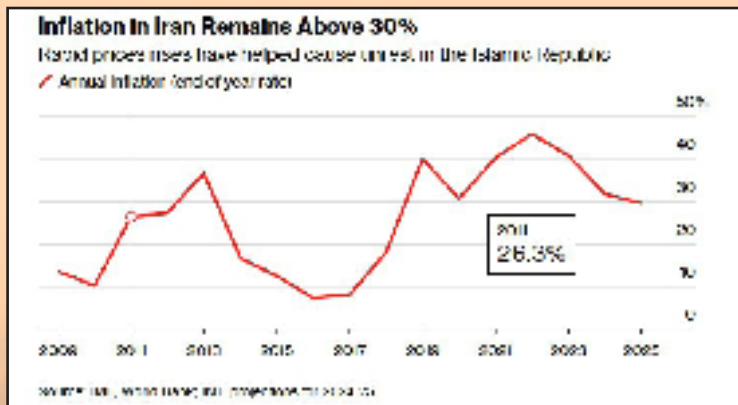
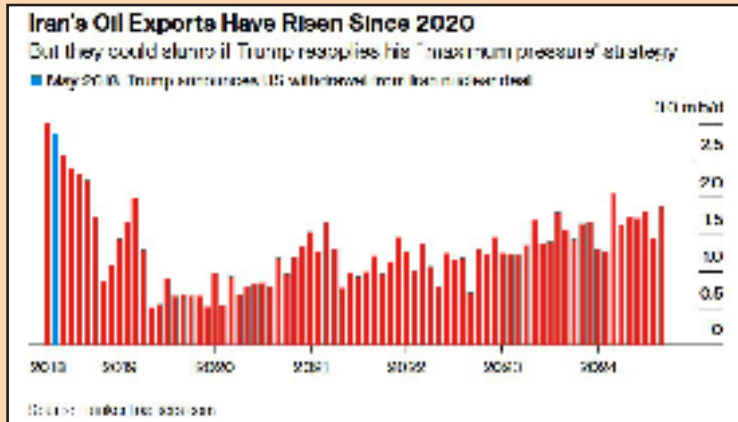


پرداخت هزینه‌های مرتبط با واسطه‌ها می‌شود. علاوه بر این، منابع انسانی ماهر که می‌توانستند در فعالیتهای تولیدی و خدماتی نقش آفرینی کنند، ناچار به مدیریت و هماهنگی با این شبکه‌های پیچیده می‌شوند. پیامد این پیچیدگی‌ها، کاهش تخصیص سرمایه و زمان به فعالیتهای تولیدی است، به‌گونه‌ای که تولید و عرضه کالاها و خدمات به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد.

در بخش خدمات نیز بهره‌وری کاهش می‌یابد زیرا سازمان‌ها به‌جای بهبود خدمات یا توسعه کسب‌وکار، مجبور به مدیریت تراکنش‌ها و مسائل ناشی از تحریم‌ها می‌شوند. این وضعیت شرکت‌ها را درگیر مدیریت ریسک‌های قانونی و مالی مرتبط با واسطه‌ها می‌کند که علاوه بر افزایش هزینه‌های اجرایی و مدیریتی، بهره‌وری اقتصادی را نیز کاهش می‌دهد. از سوی دیگر،

نبود نظارت بر فعالیتهای واسطه‌ها می‌تواند منجر به فروپاشی سیستم‌های مالی غیررسمی شود که تاثیرات مخربی بر کل اقتصاد خواهد داشت. وابستگی به واسطه‌ها مدیریت اقتصادی دولت را نیز پیچیده‌تر می‌کند. دولت به دلیل نبود اطلاعات دقیق و شفاف درباره جریان‌های مالی، با محدودیت در برنامه‌ریزی اقتصادی مواجه می‌شود. علاوه بر این، وجود جریان‌های غیررسمی مالی باعث کاهش اثرگذاری سیاست‌های پولی، مانند کنترل نرخ ارز یا مدیریت نقدینگی شده و توانایی دولت در مقابله با بحران‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد. این شبکه‌ها با ایجاد اختلال در اجرای سیاست‌های اقتصادی، برنامه‌های دولت برای تثبیت اقتصادی را بی‌اثر می‌کنند. در نتیجه، افزایش ریسک‌های سیستمی ناشی از استفاده گسترده از واسطه‌ها تهدیدی جدی برای ثبات

خواب آمریکا برای نفت ایران



حالا و در شرایطی که دونالد ترامپ برای دومین دوره ریاست جمهوری اش آماده می شود، همه نگاهها به این است که آیا او سیاست به اصطلاح «فشار حداکثری» خود را که در دوره اول ریاست جمهوری اش برجسته بود، علیه ایران احیا خواهد کرد یا خیر؟ اما با توجه به مشکلات اقتصادی که ایران پس از متحمل شدن سال های تحریم با آنها دست و پنجه نرم می کند، این احتمال می رود مقامات کشور این بار رویکرد دیگری را اتخاذ کنند.

نهاد ناظر هسته ای سازمان ملل مدعی شد که ایران موافقت کرده تولید اورانیوم با غنای ۶۰ درصد را متوقف کند. رئیس جمهوری جدید ایران، مسعود پزشکیان نیز رفع تحریمها، نزدیک شدن به غرب و عادی سازی اقتصاد برای ایرانیان را پس از پیروزی اش در انتخابات ماه جولای به عنوان اولویت های خود اعلام کرد.

نشریه بلومبرگ در گزارشی تحلیلی می نویسد، اقتصاد ایران تحت فشار تحریم های طولانی مدت با چالش های متعددی دست و پنجه نرم می کند و بازگشت «فشار حداکثری» به آن می تواند مدیریت شرایط را دشوارتر کند.

معمای بازگشت ترامپ برای اقتصاد ایران؛ خواب آمریکا برای نفت ایران تعبیر می شود؟

به گزارش اکوایران، نشریه بلومبرگ می نویسد، زمانی که دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا برای اولین بار در سال ۲۰۱۷ وارد کاخ سفید شد، بازار ایران با توافق هسته ای برجام از سال ها انزوای اقتصادی خارج شده بود و شرکت های آمریکایی و اروپایی به دنبال فرصت های آن بودند. اما سال بعد، زمانی که او از توافق هسته ای با قدرت های جهان خارج شد و تحریم های اقتصادی سختی را به ایران تحمیل کرد، همه چیز تغییر کرد.

تجارت نفت

براساس این گزارش، اتخاذ رویکردی سخت‌گیرانه از سوی دونالد ترامپ می‌تواند به شدت تجارت نفت ایران را تحت‌تاثیر قرار دهد، چنان‌که رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا در طول اولین دوره ریاست‌جمهوری‌اش نیز آن را تحت‌فشار قرار داد.

صادرات نفت ایران

بلومبرگ در ادامه می‌نویسد، مانند سایر تولیدکنندگان نفت، ایران نیز با کاهش ۱۵ درصدی قیمت نفت خام از اواخر ماه ژوئن و این چشم‌انداز مواجه است که مازاد عرضه جهانی در سال آینده به کاهش بیشتر قیمت‌ها منجر می‌شود. تولید نفت ایران در سال‌های اخیر تا حد زیادی بهبود یافته است؛ چراکه پالایشگاه‌ها در چین بشکه‌های تخفیف‌دار را می‌خرند و دولت جو بایدن، رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا برای کنترل هزینه‌های بنزین، اجرای تحریم‌ها علیه ایران را کاهش داده است. از منظر تحلیل‌گران بلومبرگ، مشخص نیست که این بهبود در تولید می‌تواند در مقابل دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ تاب‌آوری ایجاد کند یا خیر؛ حتی با وجود شبکه لجستیکی قدرتمندی که جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها ایجاد کرده است.

تنگنای اقتصادی تهران

براساس این گزارش، این همه در حالی است که مسعود پزشکیان با چالش‌های اقتصادی فراوانی در داخل روبه‌روست؛ از جمله تورم بیش از ۳۰ درصدی، کمبود سوخت، خروج سرمایه و کمبود کارکنان بامهارت و تحصیل‌کرده و مهاجرت آن‌ها به اروپا و آمریکا. از سوی دیگر، ریال ایران نیز به پایین‌ترین رکوردهای خود در مقابل دلار آمریکا رسیده و از سال ۲۰۱۸ تاکنون ۹۰ درصد ارزش خود را از دست داده است.

تورم ایران کمبود سوخت

به نوشته بلومبرگ، فقدان سرمایه‌گذاری موردنیاز در زیرساخت‌های کشور سبب شد تا تهران واردات بنزین باکیفیت (سوپر) را افزایش دهد؛ چراکه پالایشگاه‌های داخلی برای پاسخ‌گویی به تقاضا با مشکل مواجه هستند و در همین حال، به دلیل ناتوانی نیروگاه‌ها در تامین برق مورد نیاز منازل و صنایع، قطعی‌های دوره‌ای برق نیز بع تازگی اعمال شده است. تمامی این موارد نشان‌دهنده افزایش تورم هستند که مدیریت آن در شرایط درگیری منطقه‌ای و ناپایداری دشوار خواهد بود. مسعود پزشکیان برای موفقیت دولت‌ش، عباس عراقچی که در توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ جزو تیم اصلی مذاکره‌کنندگان بود را به راس تیم سیاست‌خارجی برگزید. او همچنین با آشفتنگی پس از خروج ترامپ از توافق نیز مواجه بوده است. اما مشخص نیست، دولت جدید ترامپ چطور به این عمل‌گرایی ایرانیان پاسخ خواهد داد. نامزدهای کابینه او تاکنون شامل متحدان سرسخت اسرائیل و کسانی هستند که از حمله به ایران حمایت می‌کنند. بر اساس تحلیل بلومبرگ، یکی از عواملی که می‌تواند به نفع ایران کار کند، چشم‌انداز ژئوپلیتیکی است که ترامپ در خاورمیانه با آن مواجه است. در طول اولین دوره‌اش در کاخ سفید، او می‌توانست روی عربستان سعودی و امارات متحده عربی حساب کند که هر ۲ کشور از استراتژی فشار حداکثری و تحریم‌های شدیدتر علیه ایران استقبال کردند. اما ارتباط میان ریاض و تهران از آن زمان بسیار بهتر شده؛ چراکه مخالفت آن‌ها با تلفات غیرنظامیان جنگ‌های اسرائیل در غزه و لبنان، باعث نزدیک شدن آن‌ها به یکدیگر شده است. همچنین هر دو کشور، توافقی دوجانبه با میانجی‌گری چین را در نشست‌های پایتخت عربستان در ۲۰ نوامبر امضا کردند. اما برای صاحبان کسب‌وکار چون سیروس رذافی، رئیس شرکت خدمات مشاوره سرمایه‌گذاری Ara Enterprise، نااطمینانی چیز جدیدی نیست. او به مشتریان خود توصیه می‌کند، دور جدیدی از فشارهای حداکثری، محتمل‌تر از یک توافق است، اما همچنان باید چشمان خود را باز کرد.

راه‌پروایی و خط‌خوردن امر در ایران

با احتمال زیاد بی نتیجه بماند، چه اتفاقی می افتد. اگر کارزار فشار حداکثری نتایج سریعی به همراه نداشته باشد، درخواست‌ها از ایالات متحده برای حمله به سایت‌های هسته‌ای ایران احتمالاً افزایش خواهد یافت. ترامپ همچنین احتمالاً پیام‌هایی دریافت خواهد کرد مبنی بر اینکه باید اسرائیل را برای حمله به ایران تشویق کند، اگرچه اسرائیل توانایی تخریب تاسیسات هسته‌ای زیرزمینی ایران را ندارد.

تهران، تمایل ترامپ برای استفاده از نیروی نظامی و همچنین توانایی‌های نظامی اسرائیل را در حالی که به مذاکره فکر می‌کند، ارزیابی خواهد کرد. ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی در مورد ضربه زدن به ایران صحبت کرد و اظهار کرد که اسرائیل باید به سایت‌های هسته‌ای ایران ضربه بزند. اما آنها همچنین می‌دانند که او علیه «جنگ‌های همیشگی» آمریکا در خاورمیانه، در مبارزات انتخاباتی شعار سر داد، در حالی که به اشتباه به خود می‌بالید که «تنها رئیس‌جمهوری در ۷۲ سال گذشته» است که کشور را وارد هیچ جنگی نکرده است. توسل به نیروی نظامی، چه با اقدام مستقیم ایالات متحده و چه از طریق تشویق اسرائیل به حمله، به مثابه پرتاب تاس در بازی قمار خواهد بود. ممکن است فراتر از رویاهای برنامه‌ریزان، این اقدام موفقیت‌آمیز باشد و به نتیجه مدنظر آنها مبنی بر ایجاد نظم جدید در خاورمیانه منجر شود. یا، مانند حمله به عراق، ممکن است جعبه پاندورایی از مشکلات غیرقابل پیش‌بینی بگشاید که در سال‌های آینده، منطقه و ایالات متحده را آزار دهد. این استدلال همیشه ارزش در نظر گرفتن را دارد. اجازه دادن به ایران برای توسعه برنامه‌های هسته‌ای و موشکی بالستیک خود در حالی که محور مقاومت خود را بازسازی می‌کند هزینه‌های خود را دارد.

بنابراین با گذشت زمان در خواهیم یافت آیا ترامپ واقعا در هنر انجام توافق تبحر یافته است یا نه. از طرف دیگر، نیروی دریایی ایالات متحده این هفته حملات هوایی بیشتری را علیه مواضع یمنی‌ها انجام داد. حملات هوایی دوره‌ای که از مارس گذشته آغاز شد، هنوز در دستیابی به هدف خود برای پایان دادن به حملات حوثی‌ها به کشتیرانی در دریای سرخ ناموفق بوده است. منتقدان و مردم چه می‌گویند. در همین رابطه، آلینا پولیاکووا در مجله فارن افرز نوشت، اگر ترامپ امیدوار است با ولادیمیر پوتین بر سر اوکراین به توافق برسد، ابتدا باید فشار بر روسیه را افزایش دهد. او می‌نویسد: «ترامپ گفته است که قصد دارد توافقی با پوتین را دنبال کند، و او حق دارد که می‌خواهد صلح پایدار را در جنگی که به قیمت جان صدها هزار نفر تمام شده و ژئوپلیتیک را در سراسر جهان بی‌ثبات کرده است، به ارمان بیآورد. اما برای دستیابی به این هدف، دولت او ابتدا باید روس‌ها را با تمایل به مذاکره و سازش‌های معنی‌دار به میز مذاکره بکشاند که به چیزی بیش از یک آتش‌بس کوتاه‌مدت منجر شود.» تام اوکانر، خبرنگار نیوزویک، به ده درگیری و بحران در خارج از ایالات متحده که ترامپ در زمان روی کار آمدن با آنها مواجه خواهد شد، پرداخته است. درگیری اسرائیل و غزه، و روسیه و اوکراین، در صدر فهرست اوکانر قرار دارد. او نتیجه می‌گیرد که باتوجه به پتانسیل برخی از بی‌ثبات‌ترین این درگیری‌ها برای تاثیر مستقیم بر منافع ایالات متحده، در زمانی که این کشور درگیر رقابت با قدرتهای بزرگ جهانی، مانند چین و روسیه است، در دولت دوم ترامپ مخاطرات برای اصلاح سیاست خارجی به‌منظور آنچه بازگرداندن دوباره عظمت به آمریکا خوانده می‌شود، در صحنه جهانی بسیار بزرگ خواهد بود. از طرف دیگر بر اساس نظرسنجی موسسه گالوپ از مردم آمریکا مبنی بر پیش‌بینی آنها در مسیر حرکت کشور در سال ۲۰۲۵، بخش اعظم پاسخ‌دهندگان به بهبود وضعیت اقتصادی ایالات متحده خوش‌بین بودند و نه سیاست خارجی کشور. پیش‌بینی آنها افزایش قدرت چین و روسیه و افزایش تعداد مناقشات بین‌المللی بود.

شورای روابط خارجی آمریکا در گزارشی به قلم جیمز لیندسی، پژوهشگر ارشد سیاست خارجی این اتاق فکر، به تاریخ ۳ ژانویه می‌نویسد: شاید در نگاه اول پاسخ به این پرسش آسان باشد، زیرا ترامپ همواره در مورد برنامه‌های خود ثابت‌قدم بوده است: ظاهراً او به سیاست دولت اول خود، یعنی «فشار حداکثری»، باز خواهد گشت. این تلاش با گسترش تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی و تشدید اجرای تحریم‌هایی که از قبل وجود داشت، به دنبال متوقف کردن جریان‌های اقتصادی ایران و نه تغییر رژیم بوده است. هدف اصلی تحت فشار قرار دادن تهران به اعمال محدودیت در برنامه‌های موشکی هسته‌ای و بالستیک خود و حمایت از متحدان منطقه‌ای بوده است. کارزار فشار حداکثری، قطعاً اقتصاد ایران را تحت فشار قرار داد، اما نتوانست تهران را وادار کند پای میز مذاکره حاضر شود. حتی با تزلزل اقتصاد و کاهش ذخایر خارجی، ایران به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خود ادامه داد، حمایت خود را از نیروهای منطقه‌ای خود گسترش داد و حتی در سال ۲۰۲۰ یک حمله موشکی علیه یک پایگاه آمریکایی در عراق انجام داد. اما سوال دیگر این است که اگر دولت بایدن در اجرای کارزار فشار حداکثری اختلال ایجاد نمی‌کرد، آیا نتیجه آن می‌توانست مطلوب آمریکا باشد؟ ترامپ به ما می‌گوید آری. این برای مورخان و طرفداران محل بحث و مجادله است.

اکنون سوال این است که آیا فشار حداکثری در شرایط ژئوپلیتیک بسیار متفاوتی را به ما می‌دهد. به ادعای گزارش این اتاق فکر آمریکایی، جنگ اسرائیل علیه حماس و حزب‌الله و سقوط بشار اسد در سوریه، موقعیت ایران را در منطقه تضعیف کرده است. نیروهای متحد تهران، نسبت به شش ماه پیش، ضعیف شده‌اند.

فراتر از آن، رفت‌وبرگشت حملات و پاسخ‌های ایران و اسرائیل همراه با برخی مشکلات اقتصادی ممکن است دلیلی باشد که وزیر امور خارجه ایران امروز اعلام کرد به دنبال از سرگیری مذاکرات هسته‌ای است. باین حال، واضح است که راهبرد فشار حداکثری زمان می‌برد تا اثرگذار باشد. حداقل زمانی که نوبت به برنامه هسته‌ای ایران می‌رسد، ممکن است کمبودهایی متوجه این کارزار باشد. ایران پس از آنکه ترامپ توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ را که دولت اوپاما با آن مذاکره کرد، فسخ کرد، تلاش‌های خود برای غنی‌سازی اورانیوم تشدید کرد. طبق اکثر تخمین‌ها، ادعا می‌شود ایران اکنون می‌تواند چندین سلاح هسته‌ای را ظرف چند هفته پس از تصمیم‌گیری برای عبور از آستانه هسته‌ای بسازد. سایر قدرتهای بزرگ نیز سیاست فشار حداکثری را تضعیف خواهند کرد. چین و روسیه، هر دو تحریم‌های آمریکا و چندجانبه علیه ایران را نادیده گرفته یا دور زده‌اند. امروز هم بعید است آنها از این تحریم‌ها تبعیت کنند، مگر اینکه در ازای آن امتیاز قابل توجهی از ایالات متحده دریافت کنند. ترامپ ممکن است تمایلی نداشته باشد یا نتواند چنین امتیازی را به این کشورها اعطا کند. اگر تهران بر این باور باشد که یکن و مسکو پشتیبان آن هستند، مقاومت به یک راهبرد عملی‌تر تبدیل می‌شود. تهران حتی می‌تواند از مذاکرات به‌عنوان راهی برای خرید زمان برای احیای بازدارندگی خود استفاده کند.

حتی اگر ایران با حسن‌نیت وارد مذاکرات شود، تلاش‌های ترامپ ممکن است بر سر تصمیم‌گیری درباره اینکه چه توافقی به‌اندازه کافی خوب است، دچار مشکل شود.

تنوع ایدئولوژیک گروه مجزه او که از تندروها تشکیل شده است، این احتمال را ایجاد می‌کند که آنها در مورد آنچه تهران برای انجام یک معامله ارزشمند باید بپذیرد، نظرات متفاوتی داشته باشند. این شکاف داخلی می‌تواند تلاش برای دستیابی به یک معامله را به شکست بکشاند.

همه این موارد این سوال را مطرح می‌کند که اگر مذاکرات یا شروع نشود

سیاست‌بازی ترامپ با ایران

نویسنده: جیمز لیندسی



دیپلماسی ایرانی: ایران، یکی از مشکلات پیچیده سیاست خارجی است که دونالد ترامپ کمتر از دو هفته دیگر به ارث خواهد برد. ایران در آستانه تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای است، برنامه موشک‌های بالستیک آن به پیشرفت خود ادامه می‌دهد و ایالات متحده را به عنوان مانع اصلی تسلط خود بر خاورمیانه می‌بیند. ترامپ چگونه واکنش نشان خواهد داد؟

پاسخ به این پرسش آسان است زیرا ترامپ در برنامه‌های خود همواره ثابت‌قدم بوده است: او به سیاست «فشار حداکثری» دولت اول خود باز خواهد گشت. این سیاست تلاش می‌کند با گسترش تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران و تشدید اجرای تحریم‌های موجود، فشار اقتصادی بر ایران را افزایش دهد. هدف این سیاست، تغییر رژیم نبود بلکه وادار کردن تهران به محدود کردن برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خود و کاهش حمایت از شبه‌نظامیان منطقه‌ای بود که اصطلاحاً محور مقاومت را تشکیل می‌دهند.

فشار حداکثری قطعاً اقتصاد ایران را تحت فشار قرار داد. با این حال، نتوانست تهران را به میز مذاکره بکشاند. حتی در حالی که اقتصادش با مشکل روبه‌رو بود و ذخایر ارزی خارجی‌اش کاهش می‌یافت، ایران به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خود ادامه داد، حمایت از نیروهای نیابتی منطقه‌ای‌اش را گسترش داد و حتی در سال ۲۰۲۰ یک حمله موشکی به یک پایگاه آمریکایی در عراق انجام داد.

آیا کارزار فشار حداکثری، اگر دولت بایدن آن را ادامه می‌داد، موفق می‌شد؟ ترامپ چنین فکر می‌کند.

اما این موضوعی است که مورخان و سیاست‌مداران باید درباره آن بحث کنند. اکنون پرسش این است که آیا فشار حداکثری در شرایط ژئوپلیتیکی بسیار متفاوت امروز مؤثر خواهد بود؟

شواهد در این باره ضد و نقیض هستند. جنگ‌های اسرائیل علیه حماس و حزب‌الله و سقوط رژیم اسد در سوریه موقعیت ایران را در منطقه تضعیف کرده است. نیروهای نیابتی ایران کمتر و ضعیف‌تر از شش ماه پیش شده‌اند. افزون بر این، حملات هوایی تلافی‌جویانه اسرائیل در ماه اکتبر بخش زیادی از سامانه‌های پدافند هوایی ایران را نابود کرده و آن را در برابر حملات نظامی بیشتر آسیب‌پذیر ساخته است. این آسیب‌پذیری، همراه با مشکلات اقتصادی و ناآرامی‌های داخلی ایران، ممکن است دلیل اظهارات امروز وزیر امور خارجه ایران باشد که گفت تهران به دنبال ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای است.

با این حال، راهبرد فشار حداکثری زمان می‌برد تا نتیجه دهد. این زمان ممکن است به‌ویژه در مورد برنامه هسته‌ای ایران کوتاه باشد. ایران پس از خروج ترامپ از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ که دولت اوباما مذاکره کرده بود، تلاش‌های خود برای غنی‌سازی اورانیوم را تشدید کرد. بر اساس بیشتر برآوردها، ایران اکنون می‌تواند ظرف چند هفته پس از تصمیم به عبور از آستانه هسته‌ای، تعداد محدودی سلاح هسته‌ای بسازد.

دیگر قدرت‌های بزرگ نیز سیاست فشار حداکثری را تضعیف خواهند کرد. چین و روسیه هر دو از تحریم‌های موجود ایالات متحده و چندجانبه

علیه ایران عبور کرده‌اند یا آنها را نادیده گرفته‌اند. بعید است اکنون نیز با آنها همکاری کنند مگر اینکه امتیاز قابل توجهی از ایالات متحده دریافت کنند. ترامپ ممکن است تمایلی نداشته باشد یا قادر نباشد چنین امتیازی ارائه دهد. اگر تهران باور داشته باشد که پکن و مسکو از آن حمایت می‌کنند، مقاومت به یک راهبرد عملی‌تر تبدیل می‌شود. تهران حتی ممکن است از مذاکرات به‌عنوان راهی برای خرید زمان برای رسیدگی به آسیب‌های خود استفاده کند. حتی اگر ایران با حسن نیت وارد مذاکرات شود، تلاش‌های ترامپ ممکن است بر سر تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه توافقی به‌اندازه کافی خوب است، به مشکل بخورد. تنوع ایدئولوژیکی تیم ترامپ که متشکل از تندروها و ملی‌گرایان افراطی است، احتمالاً باعث خواهد شد که آنها بر سر اینکه به تهران چه امتیازهایی باید بدهند تا توافق ارزشمند باشد، اختلاف نظر پیدا کنند. این اختلاف داخلی می‌تواند تلاش برای رسیدن به توافق را مختل کند.

این موضوع این پرسش را مطرح می‌کند که اگر مذاکرات آغاز نشود یا، شاید محتمل‌تر، پس از آغاز، به جایی نرسد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اگر کارزار فشار حداکثری نتایج سریعی به همراه نداشته باشد، درخواست‌ها برای حمله ایالات متحده به سایت‌های هسته‌ای ایران احتمالاً افزایش خواهد یافت. ترامپ همچنین احتمالاً درخواست‌هایی خواهد شنید که باید اسرائیل را به حمله به ایران تشویق کند، هرچند اسرائیل توانایی نابودی تأسیسات هسته‌ای زیرزمینی ایران را ندارد. تهران در حال ارزیابی

استراتژی ایران در برابر دولت دوم ترامپ

عبدالرضا فرجی‌راد - در خصوص بازگشت مجدد ترامپ به کاخ سفید و تاثیر پیروزی او بر تعاملات و روابط ایالات متحده با ایران و نیز در خصوص تغییر معادلات جدید خاورمیانه باید تحلیلی چند بعدی از این اثرگذاری ارایه داد. اولین گزاره با تکیه بر روحیات شخص ترامپ و سخنانی که او در این کارزار انتخاباتی طی چند ماه اخیر ایراد کرد، است. با در نظر گرفتن این مولفه می‌توان اینگونه ارزیابی کرد که روی کار آمدن مجدد دونالد ترامپ خیلی جای نگرانی ندارد، چرا که روحیات ترامپ نشان داده است که او به دنبال جنگ و درگیری نیست. در دور چهارساله اول این موضوع به اثبات رسید؛ حال چه در تعاملاتی که با رهبر کره شمالی داشت و نیز بعد از اشتباهاتی که در رابطه با خروج از برجام مرتکب شد. به گونه‌ای که او در مقطعی خواهان آغاز مذاکراتی جدید با ایران نیز شد. به اعتقاد من این قبیل موضع‌گیری‌های ترامپ نشان داد او تاجر و اهل معامله است و به دنبال صرف هزینه برای جنگ‌های نیابتی ایالات متحده نیست. دوم اینکه در سخنرانی‌های انتخاباتی که ترامپ در فرآیند تبلیغاتی کمپین خود داشت به موضوع لغو تحریم‌های اعمالی علیه ایران اشاره کرده است. نمی‌توان گفت این ادعا اتفاقی بوده است و باید آن را به فال نیک گرفت. در شعارها و وعده‌های انتخاباتی دیگر او در طول چند ماه اخیر نیز این مساله را دائماً تکرار می‌کرد که قصد درگیری با ایران را ندارد. لذا با لحاظ کردن گزاره‌های ذکر شده می‌توان پیامدهای مثبت پیروزی ترامپ را نیز در نظر گرفت. اما آنچه اهمیت دارد این است که عملکرد شخص ترامپ را سوازی از حمایت همه‌جانبه کنگره‌ای با اکثریت جمهوری خواهان ندانیم. به عبارتی دیگر ترامپ تنها تصمیم‌گیرنده اصلی نخواهد بود. متغیرهای مهم ذکر شده را باید در ارایه هر تحلیلی در رابطه عملکرد آتی دولت ترامپ لحاظ کرد. به اعتقاد من بخشی از عملکرد احتمالی ترامپ در قبال تهران به نوع بازی ایران و استراتژی جدید کشورمان در قبال دولت تازه ایالات متحده بستگی دارد. در دولت اول ترامپ ایران به دلیل سیاست‌های او در قبال برجام و خروجش از این توافق و نیز ترور شهید سردار قاسم سلیمانی آماده ریزنی‌های جدیدی نبود. این عدم آمادگی در شرایطی بود که ترامپ در همان بازه زمانی بازگشایی درب‌ها برای مذاکره با ایران را از طریق واسطه‌هایی در دستور کار قرار داد، اما ایران آمادگی نداشت. حال باید دید که در دولت جدید با ریاست آقای پزشکیان که بر اصل تنش‌زدایی تاکید دارند آیا تهران همچنان سیاست پیشین خود در قبال دولت اول ترامپ را در پیش می‌گیرد یا با تغییر هدفمند تاکتیک‌های خود به دنبال رفع تحریم‌های اعمالی است. اگر ایران به دنبال گفت‌وگو با ترامپ باشد به اعتقاد من این توانایی و امکان در دولت جدید وجود دارد که به نتایجی منتج شود. در غیر این صورت تنش‌ها افزایش خواهد یافت. از طرفی اگر دونالد ترامپ به این نتیجه برسد که ایران آمادگی از سرگیری مذاکرات را ندارد مجدداً به سیاست تشدید تحریم‌ها باز خواهد گشت؛ همان‌گونه که در چهار سال دولت اول خود علیه فروش نفت ایران تحریم‌هایی را اعمال کرد. به نظر می‌رسد طی بازه زمانی دومه‌های که دولت جدید ایالات متحده رسماً کار خود را آغاز می‌کند، دونالد ترامپ احتمالاً پیام‌هایی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم نه تنها برای ایران بلکه برای سایر کشورها از جمله روسیه ارسال خواهد کرد. در این فاصله یعنی از زمان پیروزی رییس‌جمهور جدید تا زمان ورود رسمی به کاخ سفید ترامپ فرصتی برای آزمون و خطا خواهد داشت. تصور می‌کنم او در این زمینه ایران را محک خواهد زد تا از آمادگی یا عدم آمادگی تهران برای شروع فصل جدیدی از گفت‌وگوها اطمینان حاصل کند. اگر این آمادگی وجود داشته باشد به محض ورود به کاخ سفید پالس‌های مثبتی را برای تهران خواهد فرستاد و در این شرایط نیز می‌توان طی زمانی کوتاه‌تر با او به نتیجه رسید. اما اگر تا قبل از اول ژانویه به این نتیجه برسد که ایران آمادگی ریزنی را ندارد با آغاز رسمی دولت خود احتمال دارد به دنبال تشدید تنش‌ها در قبال ایران باشد. دو ماه پیش رو تا ورود رسمی ترامپ به کاخ سفید بسیار حیاتی است بدین منظور که جمهوری اسلامی ایران می‌بایست پلن خود را برای تعامل با دولت جدید امریکا اعلام کند. این متغیر نیز در شرایط ملتهب کنونی خاورمیانه صادق است. البته که این موضوع به تحولات خاورمیانه و مقوله برقراری احتمالی آتش‌بس در لبنان و غزه منوط است. آنطور که ادعا شده ترامپ در دیداری که با نتانیاهو داشته خطاب به نخست‌وزیر این رژیم گفته است تا قبل از ورود به کاخ سفید جنگ را به پایان برساند. به اعتقاد من ترامپ نیز احتمالاً این قول را به مسلمانان امریکایی و به ویژه عرب‌تباران امریکایی داده است که در صورت پیروزی جنگ در منطقه را به پایان خواهد رساند. تجربه ۴ ساله دولت اول ترامپ نشان داده او به اکثر وعده‌های خود عمل خواهد کرد. حال نیز او وعده‌هایی در راستای پایان جنگ در غزه و لبنان به شهروندان خود داده است و احتمال اینکه به این وعده‌ها در دولت دوم خود نیز عمل کند بالا است. من تصور می‌کنم تصمیم‌گیران ایرانی باید از همان آغاز انتشار خبر پیروزی ترامپ یک استراتژی معینی را در رابطه با دولت جدید ایالات متحده به ریاست ترامپ داشته باشند. گفتنی است که اولویت اول ایران برقراری آتش‌بس در غزه و لبنان است. بنابراین به اعتقاد من این امکان وجود دارد با این هدف که به درگیری‌ها در غزه و لبنان پایان دهیم ریزنی‌ها با ترامپ را آغاز کنیم. این احتمال وجود دارد ایران در این بازه زمانی بهتر بتواند زمینه را برای ریزنی در خصوص مسائل منطقه هموار کند. چرا که بایستن به دلیل انتخابات و با این هدف که آرای لابی یهودیان را از دست ندهد در معذوراتی قرار داشت؛ البته که او در این مورد مرتکب خطای محاسباتی شد. اساساً یکی از دلایل پیروزی ترامپ شخص بایستن و عملکرد ضعیف او در قبال تحولات خاورمیانه بود. بایستن رای مسلمانان و اعراب امریکا را از دست داد. البته که با تمامی این تفاسیر این گزاره قوی به نظر می‌رسد که به فرض برقراری آتش‌بس از طریق گفت‌وگو با ترامپ ممکن است او در ادامه سیاست‌هایی را دنبال کند که به منافع متحد دیرین خود یعنی نتانیاهو خدش‌های وارد نشود. بدین منظور او احتمالاً مسائل شهرک‌نشینان اسرائیلی کرانه باختری در باب مسائل مهاجرت اجباری که طی یک سال اخیر داشته‌اند را رفع خواهد کرد و همچنین با تاکید بر بیت‌المقدس به عنوان پایتخت سرزمین‌های اشغالی نیز طرح دو دولتی را نیز مجدداً مطرح خواهد کرد.

استاد ژئوپلیتیک

تمایل ترامپ به استفاده از نیروی نظامی است. در حالی که تهران به مذاکرات فکر می‌کند، تمایل ترامپ به استفاده از نیروی نظامی و همچنین توانایی‌های نظامی اسرائیل را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. رهبران ایران می‌دانند که ترامپ دستور ترور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس را در سال ۲۰۲۰ صادر کرد، در کارزار انتخاباتی‌اش از «تابود کردن ایران» سخن گفت، و اظهار داشت که اسرائیل باید به سایت‌های هسته‌ای ایران حمله کند. اما آنها همچنین می‌دانند که ترامپ در کارزارهای انتخاباتی‌اش علیه جنگ‌های «بی‌پایان» امریکا در خاورمیانه تبلیغ کرد و به اشتباه ادعا کرد که او «تنها رئیس‌جمهور در هفتاد و دو سال گذشته» است که «هیچ جنگی نداشته است». افزون بر این، آنها باید ارزیابی کنند که آیا تلاش‌های عوامل ایرانی برای ترور ترامپ، که ایران آن را انکار کرده، ممکن است بر تفکر او درباره گزینه‌های نظامی تأثیر بگذارد یا خیر.

روی آوردن به نیروی نظامی، چه از طریق اقدام مستقیم ایالات متحده و چه با تشویق اسرائیل به حمله، یک قمار بزرگ خواهد بود. این اقدام ممکن است فراتر از انتظارات برنامه‌ریزان آن موفق از آب در بیاید و دوران جدید و صلح‌آمیزتری را در خاورمیانه به ارمغان آورد. یا اینکه، مانند تهاجم به عراق، ممکن است جعبه پاندورایی از مشکلات را باز کند که سال‌ها گریبان‌گیر منطقه و ایالات متحده خواهد بود. اما، و این نکته همیشه باید در نظر گرفته شود، اجازه دادن به ادامه برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران در حالی که محور مقاومت خود را بازسازی می‌کند، هزینه‌های خود را دارد. بنابراین، امیدواریم که سیاست‌های ترامپ موفق شود و کشف کنیم که دولت ترامپ واقعاً در هنر معامله‌گری استاد است.

منبع: شورای روابط خارجی (سی اف آر)

تحریریه دیپلماسی ایرانی

ترامپ و اقتصاد ایران



یکی از داغ‌ترین بحث‌های سیاسی در ایران در پاییز و دیماه امسال ورود دوباره دونالد ترامپ به کاخ سفید و ریاست بر دولت ایالات متحده آمریکا است. دونالد ترامپ در انتخاب ۲۰۱۶ با صراحتی عجیب در باره مناسبات با جمهوری اسلامی سخن می‌گفت. او ۸ سال پیش جمهوری اسلامی را تهدید می‌کرد یکی از مهمترین کارهایش بلافاصله پس از اینکه رئیس‌جمهور شود پاره کردن قرارداد برجام و خروج آمریکا از این قرارداد است. این چهره عجیب سیاسی آمریکا که هرگز گمان نمی‌رفت دوباره در مبارزهای سیاسی بماند اما به کوششی خستگی‌ناپذیر خود را برای سال ۲۰۲۴ آماده نگه داشت و در یک مبارزه نه چندان سخت بر نامزد حزب دموکرات غلبه کرد. ترامپ اما این بار در ارایه سیاست خارجی خود در باره ایران به طور آشکار چیزی نگفت و معلوم نیست در باره ایران چه برنامه‌ای دارد. سایت عصر ایران در یادداشتی در این باره نوشته است: اولین پرسشی که باید نزد مردم پاسخ داده می‌شد این است که آیا ترامپ همان رفتارهای ۸ سال پیش را ادامه خواهد داد یا با ترامپ دیگری مواجه هستیم؟ در هر صورت، ترامپ چه تهدیدها و فرصت‌هایی برای اقتصاد ایران محسوب می‌شود؟ رئیس کل بانک مرکزی ایران به صداوسیما رفت تا تحلیلی از وضعیت ارزی و اقتصادی ایران را پس از آمدن ترامپ ارائه کند؛ اقدامی که به‌طور کلی بسیار خوب و بجا بود و به‌طور طبیعی هم بازتاب قابل توجهی داشت. گزاره‌های آقای رئیس کل در مواردی درست و در مواردی نادرست بود. برخی از موارد درست آن، مثل عدم حلقه‌های وابستگی یا ارتباطی با اقتصاد غرب لزوماً مثبت نبود و منفی تلقی می‌شود.

موارد نادرست هم مثل تاثیر نپذیرفتن اقتصاد ایران از انتخاب ترامپ؛ از روی ناچاری و برای گرم کردن دل مخاطبان گفته شد. البته آقای فرزین وزیر خارجه و تحلیلگر سیاست خارجی نبود و نباید انتظار داشت که حرف‌های سیاسی بزند؛ ولی بخش‌های نادرست را می‌توانست به گونه دیگری بزند. شاید چون از مدیران دولت سیزدهم است هنوز گمان می‌کند که باید در همان قالب‌های دولت پیش سخن بگوید؛ درحالی که در دولت جدید از بیان سخنان غیرواقعی یا کم‌احتمال و بعیدالوقوع باید پرهیز کرد و با مردم صادقانه سخن گفت. وی معتقد بود که: «حلقه‌های وابستگی اقتصاد ایران به آمریکا و حتی اروپا محدود است و روابط اقتصادی بالایی با آنها نداریم. بنابراین، انتخابات آمریکا و ریاست‌جمهوری ترامپ به صورت

می‌دهد ما باید انتظار ترامپی متفاوت از ترامپ ۸ سال پیش را داشته باشیم. روز گذشته و تنها سه روز پس از پیروزی ترامپ اتفاق مهمی رخ داد. ترامپ در آخرین موضع خود صریحاً اعلام کرد که: «من از نیکی هیلری، سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل یا مایک پمپئو، وزیر خارجه سابق کشورم برای پیوستن به دولت ترامپ که در حال حاضر در حال شکل‌گیری است، دعوت نخواهم کرد.» همه می‌دانیم که این دو نفر در کنار جان بولتون مثلث ضد ایرانی را در دولت اول ترامپ تشکیل می‌دادند. آنان نه فقط درباره ایران بلکه نسبت به موضوعات دیگر هم مواضع رادیکال و تندروانه‌ای داشتند که در نهایت، منجر به جدایی جان بولتون از ترامپ شد؛ ولی دو نفر دیگر در دولت او باقی ماندند. اکنون ترامپ به‌جایی رسیده که نه تنها دو نفر باقیمانده را به دولت خود دعوت نمی‌کند؛ بلکه در اولین فرصت نیز آن را رسماً اعلام می‌کند. این خبر مثبتی به‌ویژه در رابطه با موضع احتمالی ترامپ در مورد ایران است. ما معتقد نیستیم که ترامپ لزوماً تغییر مهمی خواهد کرد. از این نظر، می‌توان فرض را بر بدترین سیاست‌های او گذاشت و خود را برای آن آماده کرد؛ ولی آن روی دیگر سکه هم مهم است و نباید راه را بر احتمال سیاست‌های متعارف‌تر از سوی ترامپ مسدود بدانیم. اگر آقای رئیس کل بانک مرکزی، چنین رویکردی را به‌طور مستدل و بر اساس شواهد می‌گفت، نقش بیشتری بر آرام‌سازی فضای ذهنی و روانی مردم داشت.

مستقیم اثر زیادی بر اقتصاد ایران ندارد و همانطور که پس از انتخاب ترامپ شاهد بودیم نوسانات بازار ارز کمتر از یک درصد بود.

با این حال، از نظر اثرات غیرمستقیم، اقتصاد آمریکا اقتصاد بزرگی است و بر اقتصاد تمام جهان اثرگذار است. ارز ما کمتر از یک درصد کاهش ارزش را تجربه کرد که یکی از کمترین واکنش‌ها را نسبت به ارزهای سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد. اقتصاد ما در همان روز اول نشان داد که در برابر این اتفاق (روی کار آمدن ترامپ) تاب‌آوری بالایی دارد. اقتصاد ایران، اقتصاد ۸ سال پیش نیست که انتخاب ترامپ اثر زیادی بر آن داشته باشد.» به نظر می‌رسد که این سخنان اگرچه تا حدی دلگرم‌کننده است؛ ولی از یک سو، واقعی نیست و از سوی دیگر، فقط تحلیلی و توصیفی است. درحالی که مردم نیازمند پاسخ‌های سیاستی هم هستند. در واقع، هر تحلیلی می‌تواند این‌گونه سخنان را بگوید و مردم هم شاید تحلیل او را بیشتر بپذیرند؛ ولی به دلایلی مردم اعتماد چندانی به تحلیل‌های مسئولین ندارند. لذا آنها باید از سیاست‌های خود سخن بگویند که در این گفت‌وگو عملاً خبری از آن نبود. اولین پرسشی که باید نزد مردم پاسخ داده می‌شد این است که آیا ترامپ همان رفتارهای ۸ سال پیش را ادامه خواهد داد یا با ترامپ دیگری مواجه هستیم؟ در هر صورت، ترامپ چه تهدیدها و فرصت‌هایی برای اقتصاد ایران محسوب می‌شود؟ شواهد مهمی هست که نشان



الگوی شکست خورده شی جین پینگ

چین در خارج کردن میلیون‌ها نفر از فقر اعتبار داد اما در حال حاضر به نظر می‌رسد که این سیستم در حال شکست است.

اشتباهات برنامه‌ریزی مرکزی چین

طبق گزارشی که در این خصوص مجله نشنال اینترست منتشر کرده، تعریف و تمجید از دوران‌دیشی برنامه‌ریزی مرکزی چین همیشه نادرست بوده است. از آنجا که چین مدرن به‌عنوان یک اقتصاد بسیار ضعیف و جنگ‌زده آغاز به کار کرده، برنامه‌ریزان آن زمان، به‌راحتی می‌توانستند تشخیص دهند که کشور باید بر چه چیزهایی تمرکز کند. آنها تنها کافی بود به کشورهای توسعه‌یافته نگاه کنند و ببینند که ساخت جاده‌ها، خطوط ریلی، بنادر، مسکن، نیروگاه‌ها و موارد مشابه چگونه باعث رشد اقتصادی می‌شود و همین کار را هم انجام

اقتصاد چین مسیر طولانی را از دوره‌ای که مورد ستایش بی‌وقفه رسانه‌های غربی بود، طی کرده است. تا همین یکی، دو سال قبل، پیش‌بینی می‌شد که اقتصاد چین به‌زودی ایالات‌متحده را پشت‌سر بگذارد. تحلیل‌ها بیشتر از اثربخشی و دوران‌دیشی برنامه‌ریزی متمرکز چین تمجید می‌کردند؛ به طوری که برخی آن را برتر از آشفتگی نسبی دموکراسی و رویکردهای مبتنی بر بازار می‌دانستند. برای مثال، در سال ۲۰۰۹ توماس فریدمن، ستون‌نویس نیویورک‌تایمز از «خودکامگی تک‌حزبی» چین تمجید کرد. جاستین تروود، نخست‌وزیر کانادا با تحسین گفت که «دیکتاتوری اساسی» چین به آن کشور اجازه داده تا اقتصاد را به سرعت تغییر دهد. حتی باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا نیز به رویکرد

مصرف‌کنندگان از دست داد. با کند شدن اقتصاد، کسب‌وکارهای خصوصی نیز برنامه‌های گسترش و استخدام خود را بازنگری کردند. با این حال، مقامات چین همچنان واکنش نشان ندادند.

سیاست‌های کووید و آسیب به صادرات

در اشتباهی دیگر، مقامات چین با سیاست‌های سختگیرانه «کووید صفر» فشار اقتصادی را تشدید کردند. در حالی که جهان پس از همه‌گیری دوباره به حالت عادی خود بازمی‌گشت، پکن محدودیت‌های شدیدی اعمال کرد که متعاقب آن درآمد کارگران مختل شده و میزان مصرف نیز کاهش یافت. این محدودیت‌ها همچنین جریان کالاهای صادراتی را مختل کرد؛ امری که باعث شد شهرت چین به عنوان یک تامین‌کننده مطمئن زیر سوال برود. در نتیجه چنین وضعیتی خریداران در ایالات متحده، اروپا و ژاپن را متقاعد کرد که باید منابع تامین خود را از چین متنوع کنند؛ موضوعی که سبب شد صادرات چین به این مناطق مهم هرگز به طور کامل بهبود نیابد.

آینده اقتصادی چین در سایه اشتباهات سیاسی

تنها در سال ۲۰۲۳ پکن متوجه نیاز به انجام اقدامات اصلاحی شد اما پس از این همه تاخیر، دولت باید اقدامات قوی‌تری انجام می‌داد. با این حال، برنامه‌ریزان با ارائه اقدامات بسیار ضعیف، اشتباه دیگری مرتکب شدند. آنها تصمیم گرفتند با استفاده از شرکت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری در صنایعی مانند خودروهایی برقی، باتری‌ها، هوش مصنوعی و نیمه‌هادی‌ها کمبودهای مصرف داخلی و سرمایه‌گذاری خصوصی را جبران کنند اما با ضعف تقاضای داخلی و کاهش خریداران خارجی، این ظرفیت اضافی، چین را بیش از پیش به صادرات وابسته کرد.

این وابستگی به صادرات در حالی است که خریداران خارجی همچنان از چین دور می‌شوند و دولت‌های آمریکا، اروپا و ژاپن محدودیت‌های بیشتری بر تجارت با چین اعمال می‌کنند. اکنون، به دلیل این سلسله اشتباهات، چین در موقعیت اقتصادی ضعیفی قرار گرفته است و آماده مقابله با تعرفه‌های جدید وعده داده شده توسط ترامپ نیست. در واقع در حالی که صحبت از فروپاشی اقتصادی چین اوراق آمیز است اما دستاوردهایی که زمانی موجب تحسین این کشور بود، اکنون بسیار دور از دسترس به نظر می‌رسد. حتی رسیدن به رشد اقتصادی کافی نیز بعید است. بنابراین اگر پکن ادعا کند که در سال ۲۰۲۴ به هدف رشد اقتصادی ۵ درصدی رسیده است؛ چنین ادعایی نیازمند بررسی دقیق است چراکه بازگشت به چنین نقطه‌ای از رشد اقتصادی اگر ممکن باشد، زمان زیادی نیاز خواهد داشت.

دادند. این اقدامات باعث شد مردم چین از فقر شدید خارج و ثروتمندتر شوند اما با توسعه چین و پیوستن به اقتصادهای پیشرفته، نیازهای اقتصادی آینده آن، وضوح کمتری یافتند. به همین دلیل بود که سیاستگذاران مدل اصلی را خود را از دست داده و شروع به اشتباهات فزاینده کردند.

این واقعیت جدید اقتصادی برای چین در دهه ۲۰۱۰ آشکار شد. در آن زمان، مقامات برای مدتی طولانی ساخت‌وساز املاک را ترویج می‌کردند. به طوری که علاوه بر بارانه‌ها و اعتبارات ارزان، زمین و تسهیلات لازم را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دادند اما در نهایت اتفاقی که رقم خورد این بود که با جابه‌جایی چین از اقتصادی با کمبود مسکن به اقتصادی با مازاد مسکن، برنامه‌ریزان اشتباه کرده و سیاست‌های خود را تغییر ندادند تا اینکه توسعه املاک و مستغلات به سطح غیرقابل‌پایداری رسیده و ۳۰ درصد اقتصاد چین را تشکیل داد.

بحران املاک و واکنش دیر هنگام پکن

هنگامی که مقامات پکن سرانجام متوجه مشکل شدند، اشتباه دوم را تکرار کردند. در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۹، دولت به‌طور ناگهانی تمام حمایت‌های قبلی از بخش مسکن را حذف کرد. این تصمیم منطقی بود اما ناگهانی بودن آن مشکلاتی ایجاد کرد. در واقع این اقدام توسعه‌دهندگان و دولت‌های محلی را غافلگیر کرد و فرصتی برای تطبیق با شرایط جدید باقی نگذاشت. توسعه‌دهندگان و دولت‌های محلی که سیاست‌های قبلی خود را گسترش داده بودند، با مشکلات مالی شدیدی مواجه شدند. در سال ۲۰۲۱ توسعه‌دهندگان شروع به ورشکستگی کردند و دولت‌های محلی گزارش دادند که در تامین تعهدات مالی خود، حتی در ارائه خدمات عمومی اساسی، مشکل دارند.

در آن سال، وضعیت مالی چین، دقیقاً مشابه بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ آمریکا شد اما به جای اقدام قاطع برای جلوگیری از گسترش مشکلات مالی، مقامات پکن اشتباه دیگری مرتکب شدند و کاری نکردند. این بی‌عملی اجازه داد که مشکلات مالی در سراسر سیستم گسترش پیدا کند و توانایی مالی چین برای حمایت از رشد اقتصادی به شدت کاهش یابد. فعالیت‌های ساختمانی و خرید مسکن کاهش یافت. بدتر از آن، کاهش تقاضا باعث افت ارزش املاک شد.

از آنجا که بخش زیادی از ثروت خانوارهای چینی در مسکن سرمایه‌گذاری شده بود، این کاهش ارزش، دارایی خالص خانوارها را به شدت کاهش داد و بیشتر چینی‌ها را متقاعد کرد که از مصرف خود بکاهند. در مدت کوتاهی، اقتصاد چین حمایت خود را از فعالیت‌های ساختمانی و



گام‌های بلندار دوغان در مسیر نوعثمانی گری



ایران و بازی جدید ژئوپلیتیک

در این میان اما چیزی که از همه مهم‌تر بوده، نقش و مدل کنشگری ایران در میدان جدید بازی ژئوپلیتیک منطقه‌ای پیرامونش است. در واقع ایران به واسطه قرار گرفتن در مجاورت با چند منطقه مهم همچون خاورمیانه عربی، آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی نمی‌تواند نسبت به هیچ کدام از آنها بی‌طرف و بی‌تفاوت باشد و لازم است تا با اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه دست به کنشگری فعال در آن مناطق بزند.

در همین راستا توجه به چند نکته برای مقابله با تهدیدات احتمالی مهم به نظر می‌آید. نخست اینکه رفتار ترکیه برای نفوذ در مناطق عثمانی - ترکی نه فقط به منظور احیای بنیادهای تاریخی - ایدئولوژیک آن، بلکه ابزار و وسیله‌ای به منظور کسب و تأمین منافع ملی آن است. بنابراین تهران نیز باید به دور از دیدگاه‌های آرمان‌گرایانه‌محور که گاه برخی از کارشناسان آن را ارائه می‌دهند، تحلیلی واقع‌گرایانه از رفتارهای ترکیه داشته باشد و با بهره‌گیری از ابزارهای سخت و نرم خود، در منطقه قفقاز جنوبی تهدید را خنثی و در آسیای مرکزی دست به رقابت بزند.

دومین مساله مهم نیز شهر شلوغ خاورمیانه امروز است. این شرایط باید ایران را بر آن دارد تا با کسب اطلاعات لازم و اقدامات بجا از غافلگیری‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی جلوگیری کند. در نهایت سومین موضوع مهم نیز توجه متناسب به تمامی حوزه‌های پیرامونی کشور است. باید توجه داشت که مبدا صرف بیش از حد منابع دولت در منطقه‌ای خاص، حاکمیت را از دیگر مناطق مهم همچون قفقاز جنوبی غافل کند. به هر حال جان کلام اینکه یکی از ملزومات رئال پلیتیک در خاورمیانه پرماجر، فهم درست بازی ژئوپلیتیک و تصمیم‌گیری عقلانی در چارچوب آن است.

دومین موضوع نیز به اظهار نظر یکی از گروه‌های تندرو اسلام‌گرای ترک‌تبار مربوط می‌شود. حزب اسلامی ترکستان شرقی که زادگاهش به لحاظ سرزمینی، استان سین‌کیانگ چین بوده و افراد آن شامل اوغورهای ترک‌تبار چینی می‌شوند، اواخر آذرماه اظهارات قابل توجهی را مطرح کردند. اعضای این گروه که هدف نهایی خود را استقلال اوغورستان از تحت حاکمیت جمهوری خلق چین اعلام کرده‌اند، بزرگ‌ترین گروه مسلح غیردولتی خارجی مقیم سوریه در دوران مبارزه با بشار اسد، رئیس‌جمهوری پیشین سوریه بودند. در همین راستا و به استناد خبرگزاری ایندپندنت، یکی از اعضای این گروه در ویدئویی اظهار می‌کند که: «ما در اینجا، در سوریه، در حمص، در حماه، برای الله می‌جنگیم. این نبرد را در شهرهای خودمان، مانند ارومچی، آکسو و کاشغر، در آینده ادامه خواهیم داد. ما کافران چینی را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد.»

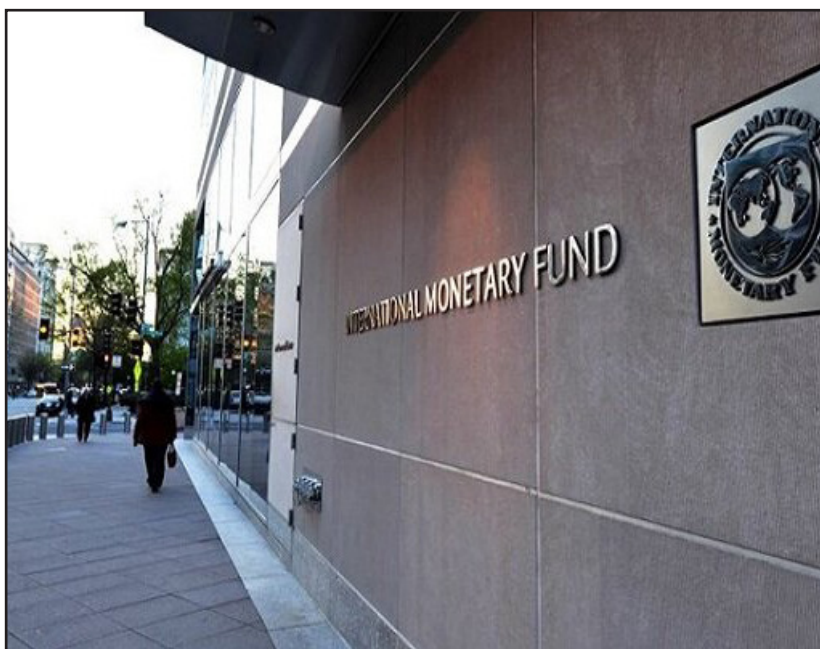
سومین مساله نیز سخنرانی چند روز پیش رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه است. به گزارش خبرگزاری کردپرس، وی در مراسم اهدای جوایز شورای تحقیقات علمی و فناوری ترکیه به سخنرانی پرداخت و با اشاره به نقش آنکارا در تحولات سوریه گفت: «ترکیه بزرگ‌تر از مرزهای جغرافیایی خود است. نمی‌توانیم اقیانوس خود را به ۷۸۲ هزار کیلومتر مربع محدود کنیم.» موضوعی که می‌توان آن را در زمینه‌های غایب‌های فرهنگی - زبانی آنکارا در آسیای مرکزی، حضور آشکار ترکیه در تحولات قفقاز و حمایت از طرح‌هایی همچون کریدور زنگزور و میانجیگری‌های ترکیه در منازعات و اختلافات میان کشورهای آفریقایی دنبال کرد.

تحولات منطقه پرماجرای خاورمیانه روز به روز شکل و شمایل جدیدی به خود گرفته و کانون منازعات و بحران‌های آن از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌شود. البته گفتنی است این شکل از منازعات چندوجهی و چندکانونی که امروزه در منطقه جریان دارد، تقریباً مسبوق به سابقه نبوده است. این سلسله منازعات بیش از یک ساله، توسط قدرت‌های ملی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از یک سو و بازیگران فراملی از طرفی دیگر راهبری شده و با برهم زدن مناسبات و مکانیسم‌های امنیتی - سیاسی پیشین منطقه، بحران نوینی را بر خاورمیانه حاکم کرده است؛ بحرانی که یک سر آن تهدید و یک سر آن فرصت است. در همین راستا برخی از بازیگران منطقه سعی دارند تا با استفاده از این شرایط گذار، به منافع و دستاوردهای استثنایی خود دست پیدا کنند. به طوری که می‌توان گفت یکی از این بازیگران، همسایه شمالی سوریه یعنی ترکیه است که احتمالاً در سر دارد تا علاوه بر حاکم کردن نظم مطلوب منطقه‌ای خویش در خاورمیانه، جاه‌طلبی‌های فرامنطقه‌ای‌اش را نیز با تکیه بر پشتوانه تاریخی - ایدئولوژیک خود در سایر مناطق گسترش دهد. به طوری که اظهار نظرهای گروه‌های غیردولتی تندرو همسو با آن و صحبت‌های مقامات ارشدش، سیگنال چنین بلندپروازیهایی را مخابره می‌کند. موضوعی که می‌طلبد تا ایران با اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه و واقع‌گرایانه، بتواند به نحو بهتری در بازی جدید ژئوپلیتیک جاری در منطقه‌های پیرامونش، دست به کنشگری بزند.

رویای دیرینه اردوغان

تقریباً اگر کسی تا پیش از تحولات جاری منطقه شک داشت که ترکیه و رجالش، برنامه‌ای برای نفوذ مجدد در سرزمین‌های گذشته عثمانی و همچنین سایر سرزمین‌های ترک‌تبار را ندارند، حوادث و اتفاقات اخیر، پرده از این نیت آنکارا برداشته و این شک را به یقین تبدیل کرده است. در واقع سیاست پان‌ترکی آنکارا که حتی در برخی شرایط رنگ و بوی پان‌تورانی به خود نیز گرفته است، در صدد آن است تا با استفاده از شرایط آشوبناک ژئوپلیتیکی امروز خاورمیانه، اهداف خود را پیگیری کند. در این میان می‌توان به چند قرینه توجه‌برانگیز به منظور تلاش ترکیه برای احیای نفوذ در سرزمین‌های عثمانی - ترکی اشاره کرد. نخست اینکه در دوران شروع درگیری معارضان سوری با ارتش اسد و سقوط پی‌درپی شهرهایی همچون حلب، حمص و حماه، داده‌های قوی و محکمی پیرامون حمایت ترکیه از این معارضان وجود داشت. حمایت و پیوندی که هم‌اینک روز به روز بیشتر می‌توان آن را در سفرهای مقامات آنکارا همچون ابراهیم کالین، رئیس سازمان اطلاعات ملی ترکیه (میت) و هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه مشاهده کرد.

اقتصاد کدام کشورها در سال ۲۰۲۴ عملکرد بهتری داشت؟



بالا باقی ماندن نرخ بهره در دهه اخیر، جنگ در اروپا و خاورمیانه، انتخابات در کشورهایمانند آمریکا و هند؛ هیچ‌یک از اینها اهمیتی ندارد تا زمانی که بدانیم اقتصاد جهان در سال جاری عملکرد قوی دیگری از خود نشان داده است.

طبق پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی جهانی تا پایان سال جاری میلادی ۳/۲ درصد رشد خواهد کرد. تورم کاهش یافته و رشد اشتغال پایدار است. همچنین بازارهای سهام برای دومین سال متوالی بیش از ۲۰ درصد رشد کرده‌اند.

باین‌حال، مثل همیشه، این تصویر گلگون جهانی بین کشورهای مختلف به شکلی پنهان و گسترده متنوع است. برای ارزیابی این تفاوت‌ها، نشریه اکونومیست داده‌هایی را در مورد ۵ شاخص اقتصادی و مالی، یعنی تولید ناخالص داخلی، عملکرد بازار سهام، تورم اصلی، بیکاری و کسری دولت، در ۳۷ کشور عمده ثروتمند جمع‌آوری کرده است. سپس هر اقتصاد را براساس عملکرد آن رتبه‌بندی کرده تا یک امتیاز ترکیبی به دست آورد. این رتبه‌بندی در جدول زیر نمایش داده شده است.

برندگان چه کسانی هستند؟

این سومین سال متوالی است که کشورهای مدیترانه در صدر رتبه‌بندی اکونومیست قرار می‌گیرند و اسپانیا در صدر فهرست امسال قرار گرفته است. یونان و ایتالیا که زمانی نماد مشکلات منطقه یورو بودند، به روند بهبودی خود ادامه می‌دهند. ایرلند که شرکت‌های فناوری زیادی را به خود جذب کرده است و دانمارک، محل شهرت شرکت دارویی تولیدکننده داروی بحث‌برانگیز اما پرسود لاغری اوزمپیک، ۵ رتبه برتر را تکمیل می‌کنند.

درعین‌حال، قدرت‌های اقتصادی شمال اروپا با عملکرد ضعیف انگلیس و آلمان ناامید شده‌اند. دو تیم بالتیکی لتونی و استونی هم خود را در انتهای جدول قرار داده‌اند، موقعیتی که در سال ۲۰۲۲ نیز به دست آوردند.

به گزارش اتاق ایران آنلاین، اولین شاخص اکونومیست رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی است که به‌طور گسترده به‌عنوان قابل‌اعتمادترین معیار برای سلامت کلی

خود جان سالم به دربرده‌اند، زمانی که کاهش ارزش تجارت باعث ترس از وقوع بحران شد. سهام آمریکا بازدهی قابل توجه ۲۴ درصدی تعدیل شده براساس تورم را به همراه داشته است. زیرا ارزش گذاری شرکت‌های فناوری که از قبل بالا بود، بالاتر رفته‌اند. بازار کانادا که ارتباط تنگاتنگی با همسایه جنوبی خود دارد، با عملکردهای قوی در صنایع انرژی و بانکداری نیز سودهای مثبتی را به ثبت رسانده است. شاخص Nikkei 225 ژاپن به رکورد بالایی دست یافت، حتی باوجود اینکه عملکرد کلی سالانه آن متوسط بود، چند بازنده هم در این میان وجود دارند. قیمت سهام در فنلاند به‌صورت واقعی در محدوده منفی باقی ماند و بازار سهام کره جنوبی در پی اقدام به خود-سرنگونی رئیس‌جمهور این کشور در ۳ دسامبر سقوط کرد.

اکونومیست در مرحله بعد به تورم اصلی پرداخته است که اجزای نوسانی مانند انرژی و مواد غذایی از آن حذف شده است تا فشارهای قیمتی را با دقت نشان دهد. اگرچه تورم جهانی به میزان قابل توجهی کاهش یافته است، قیمت خدمات در بسیاری از کشورها همچنان بالاست. در انگلیس رشد دستمزدها همچنان به افزایش هزینه‌های خدمات ادامه می‌دهد، به این معنی

اقتصاد در نظر گرفته می‌شود. تولید ناخالص داخلی جهانی در سال جاری به لطف اقتصاد انعطاف‌پذیر آمریکا و قدرت مصرف‌کنندگان در این کشور تقویت شد. براساس داده‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، OECD، رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی دیگر از عملکردهای برجسته دیده می‌شود، اگرچه رشد قوی آن در واقع بازتاب بازگشت از انقباض بسیار شدید در سه‌ماهه پایانی سال ۲۰۲۳ است.

در اسپانیا رشد تولید ناخالص داخلی سالانه به لطف بازار کار قوی و سطوح بالای مهاجرت که به‌صورت مکانیکی تولید اقتصادی را بالا می‌برد، در مسیر فراتر از ۳ درصد قرار گرفته است. اگرچه سرانه تولید ناخالص داخلی این کشور نیز افزایش یافته اما این میزان کمتر از تولید ناخالص داخلی کل کشور بوده است.

در کشورهای دیگر، رشد ناچیز بوده است. آلمان و ایتالیا به دلیل قیمت بالای انرژی و کساد صنایع تولیدی با مشکل مواجه شده‌اند. ژاپن قرار است به دلیل ضعف در گردشگری و صنعت خودروسازی، رشد ناچیز ۰/۲ درصدی را به ثبت برساند. مجارستان و لتونی هم هر دو وارد رکود شده‌اند.

معیار دوم اکونومیست بازه بازار سهام است. سرمایه‌گذاران از ماه آگوست پرتنش

نامید. تجارت جهانی در معرض تهدید است، بدهی‌های دولت‌ها در حال افزایش است و بازارهای سهام ظرفیتی برای اشتباه ندارند. در حال حاضر، حداقل، اسپانیا، یونان و ایتالیا که مدت‌ها توسط همسایگان شمالی خود به‌عنوان اقتصادهایی ضعیف تحقیر شده‌اند، می‌توانند تجدید حیات اقتصادی خود را جشن بگیرند. آنها سزاوار یک جشن هستند.

خورد. فرانسه در آشفتگی سیاسی غوطه‌ور است و قادر به مهار هزینه‌های خود نیست. اکنون، در آستانه آغاز سال ۲۰۲۵، اقتصاد جهانی با چالش‌های جدیدی روبه‌روست. تقریباً نیمی از جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که امسال انتخابات برگزار کردند؛ بسیاری از آنها رهبرانی را انتخاب کردند که می‌توان آنها را «غیرقابل پیش‌بینی»

که تورم اصلی به طرز ناراحت‌کننده‌ای افزایش می‌یابد. در استرالیا افزایش هزینه‌های مسکن تا حدودی مقصر افزایش نرخ تورم است. تورم در ترکیه همچنان سرسام‌آور است. در مقابل، فرانسه و سوئیس توانسته‌اند فشار قیمت‌ها را کنترل کنند.

بازار داغ مشاغل

یک نشانگر کلاسیک فلاکت اقتصادی، افزایش بیکاری است؛ روندی که بسیاری از زمانی که بانک‌های مرکزی شروع به افزایش نرخ بهره کردند و هوش مصنوعی پیچیده‌تر شد، آن را پیش‌بینی کردند. با وجود برخی کاهش‌ها، بازارهای کار همچنان قوی هستند و نرخ بیکاری نزدیک به پایین‌ترین حد است. اروپای جنوبی که هنوز از بیکاری بالا رنج می‌برد، شاهد بهبود قابل توجهی بوده است: بیکاری در یونان، ایتالیا و اسپانیا به کمترین میزان خود در بیش از یک دهه گذشته رسیده است. ایتالیا با کاهش ۱/۴ درصدی بیکاری از ابتدای سال، بیشترین پیشرفت را داشته است. در آمریکا و کانادا که نرخ بیکاری اندکی افزایش یافته است، روند افزایش بیکاری تا حد زیادی به بازگشت مردم به بازار کار و سطوح بالای مهاجرت نسبت داده می‌شود.

معیار نهایی اکونومیست به ترازهای مالی، به‌استثنای پرداخت‌های بهره، به‌عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی نگاه می‌کند. پس از سال‌ها هزینه‌های کلان، در بسیاری از کشورها برای اطمینان از اینکه بار بدهی قابل مدیریت باقی می‌ماند، به یکپارچه‌سازی نیاز است. دانمارک و پرتغال به خاطر دستیابی به مزاد بودجه از طریق انضباط مالی، متمایز از دیگر کشورها هستند. نروژ و ایرلند نیز به مزاد بودجه خود می‌بالند، البته به دلایل دیگر: نروژ به دلیل درآمدهای بالای نفتی و ایرلند به دلیل درآمد بادآورده مالیات شرکت‌ها که با پرداخت چندمیلیارد دلاری مالیات معوقه غول فناوری، اپل، تقویت شده است.

با این حال، بیشتر دولت‌ها همچنان بدون نگرانی از عواقب آن، هزینه می‌کنند. کسری اولیه لهستان به دلیل افزایش هزینه‌های دفاعی در واکنش به جنگ روسیه در اوکراین، از ۳ درصد تولید ناخالص داخلی فراتر رفت. در ژاپن، محرک‌های مالی سنگین، باهدف حمایت از اقتصاد و کاهش فشارهای هزینه‌های زندگی در پی پایان یافتن دوران نرخ‌های بهره بسیار پایین، مشکلات بدهی‌ها را تشدید کرده است. مسیر بدهی انگلیس رو به وخامت است و آخرین بودجه آن برای ترمیم مالیه عمومی شکست

OECD countries, 2024

Ranking*		GDP Q4 23-Q3 24 ⁺ % change	Share prices % change on a year earlier ⁺
1	Spain	3.5	17.1
2	Ireland	2.0	17.6
3=	Denmark	2.5	7.8
3=	Greece	3.7	10.6
5	Italy	0.6	12.4
6=	Colombia	2.6	16.5
6=	Israel	6.7	26.7
8	Lithuania	3.4	10.7
9	Switzerland	1.9	7.4
10	South Korea	1.6	0.3
28	Poland	2.3	3.8
29	Slovakia	1.6	-8.5
30	Belgium	1.2	5.5
31	Britain	1.7	6.3
32	Austria	0.6	3.8
33	New Zealand	0.8	8.2
34	Finland	1.3	-0.7
35	Turkey	1.0	-20.5
36	Latvia	-1.1	-37.3
37	Estonia	-0.2	-6.2

دنیا زیر ذره بین اکونومیست



مجله اکونومیست در پرونده جدید خود با ارزیابی شرایط اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۴ میلادی، نوشت: ۲۰۲۴ سالی پر از رنج برای جهان بود. جنگ در سه قاره بیداد می‌کرد در حالی که جهان درگیری‌ها در غزه، اوکراین و لبنان را از نزدیک دنبال می‌کرد ولی مرگبارترین جنگ در سودان در جریان بود. طوفان، سیل و آتش‌سوزی‌های زندگی‌های بسیاری را از بین برد و در تمام این مدت رقابت میان کشورهای طرف چین و متحدان غربی به رهبری آمریکا عمیق‌تر شد در حالی که آمریکایی‌ها کسی را به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب کردند که تعهدش به این اتحاد مورد تردید است.

در ادامه این مطلب آمده است: بنابراین، در اولین نگاه به نظر می‌رسد که سال ۲۰۲۴ به این احساسات که نظم جهانی که پس از جنگ جهانی دوم ظهور کرده بود، در حال فروپاشی است دامن زد. رفتار دولت‌ها به گونه‌ای است که گویی قدرت حرف اول را می‌زند. خودکامگان قوانین را نادیده می‌گیرند و قدرت‌های غربی که به آنها پند می‌دهند به داشتن استانداردهای دوگانه متهم می‌شوند.

پیام امیدوارکننده ۲۰۲۴

ولی اگر با دیدی وسیع‌تر نگاه کنیم، ۲۰۲۴ پیامی امیدوارکننده‌تر دارد. از منظر اکونومیست، تاب‌آوری دموکراسی‌های سرمایه‌داری، از جمله آمریکا در این سال تایید شد و در عین حال، برخی نقاط ضعف حکومت‌های استبدادی از جمله چین آشکارتر شد. در حالی که بازگشت به نظم گذشته آسان نیست اما جنگ‌های جهانی زمانی اتفاق می‌افتند که قدرت‌های در حال رشد، قدرت‌های روبه افول را به چالش می‌کشند. قدرت آمریکا مثال‌زدنی است و همین احتمال درگیری را کاهش می‌دهد.

نمایش بزرگ دموکراسی

یکی از معیارهای تاب‌آوری دموکراتیک این بود که انتخابات در سال گذشته به تغییرات سیاسی مسالمت آمیز منجر شد. ۷۶ کشور جهان در سال ۲۰۲۴ به پای صندوق‌های رای رفتند. درست است که همه انتخابات‌ها واقعی نیستند ولی همانطور که در انگلستان محافظه‌کاران پس از ۱۴ سال کنار گذاشته شدند، بسیاری از آنها در واقع توبیخ مقامات قبلی هستند. انتخابات راه خوبی برای جلوگیری از نتایج بد است. در هند، در یک جشنواره پر شور دموکراسی، دولت نارندرا مودی انتظار داشت تسلط خود را افزایش دهد اما رای‌دهندگان ایده‌های دیگری داشتند. آنها می‌خواستند او کمتر بر روی ناسیونالیسم هندو و بیشتر بر استانداردهای زندگی آنها تمرکز کند و او را به سمت یک ائتلاف هدایت کردند. در آمریکا نیز در حالی که خطر خشونت انتخاباتی وجود داشت، پیروزی قاطع دونالد ترامپ از آن جلوگیری کرد. این واقعیت که بسیاری از آفریقایی‌تبارها و اسپانیایی‌ها به جمه‌وریخواهان رای داده‌اند، نشان می‌دهد که سیاست تفرقه‌انگیز و از دست دادن هویت سیاسی دموکرات‌ها به اوج خود رسیده است.

پایداری قدرت آمریکا و افول چین

ماهیت پایدار قدرت آمریکا در اقتصاد نیز خود را نشان داد. اقتصاد این کشور از سال ۲۰۲۰ رشدی سه برابر سایر اعضای گروه هفت (G7) داشته است، و شاخص سهام P&S 500 در ۲۰۲۴ تا بیش از ۲۰ درصد رشد کرده است. اقتصاد چین نیز در دهه‌های اخیر در حال رشد بوده است ولی تولید ناخالص اسمی آن از حدود سه چهارم اندازه آمریکا در سال ۲۰۲۱، امروزه به دوسوم آن رسیده است. این موفقیت آمریکا تاحدی به دنبال هزینه‌های دولتی دوران کرونا بوده است ولی علت اصلی پویایی بخش خصوصی این کشور است. این بخش، به همراه بازار بزرگ این کشور، جذابیت زیادی برای سرمایه و استعدادها دارد. به طوری که هیچ اقتصاد دیگری در موقعیتی بهتر از آمریکا در ایجاد و سود بردن از تکنولوژی‌های انقلابی چون بیوتکنولوژی و هوش مصنوعی نیست و در صورتی که حمایت‌گرایی فزاینده در جریان نبود، چشم‌انداز آن حتی روشن‌تر بود. این در حالی است که مدل اقتدارگرایانه مدیریت اقتصادی چین پس از سال ۲۰۲۴ طرفداران کمتری خواهد داشت چراکه روشن می‌شود کاهش رشد اقتصادی این کشور تنها چرخه‌ای نیست، بلکه محصول سیستم سیاسی آن است. شی جین‌پینگ به دلیل هراس از بدهی و مخالفت با مصرف‌گرایی، در برابر محرک‌های افزایش مصرف مقاومت می‌کند و به جای آن به جوانان توصیه می‌کند سختی‌ها را بدون شکایت تحمل کنند. او در این شرایط سانسور آمارهای ناامیدکننده کشورش را انتخاب کرده است، در حالی که این کار می‌تواند به تصمیمات اقتصادی بدتری منجر شود.

نشانه‌های ناکامی اقتدارگرایی

ناکامی اقتدارگرایی در روسیه آشکارتر شده است. در حالی که این کشور اکنون در میدان نبرد نسبت به اوکراین

برتری دارد اما دستاوردهای آن کند و پرهزینه بوده است. تورم در داخلی کشور روبه رشد است و منابعی که باید در کشور سرمایه‌گذاری می‌شد در میدان جنگ هدر می‌رود. در حالی که در یک جامعه آزاد ولادیمیر پوتین باید برای آن پاسخگو می‌بود. تلاش برای تغییر جهان با زور دشوار است. در حالی که میلیارد‌ها دلار برای ماندن بشار اسد در سوریه هزینه شده، او در نهایت سقوط کرد.

نقاط ضعف‌های دموکراسی‌ها

اما دموکراسی‌ها نیز ضعف‌هایی دارند. این ضعف‌ها در اروپا که احزاب میانه‌رو در حال فروپاشی هستند روشن‌تر است چراکه دولت‌ها نتوانستند حمله روسیه به اوکراین و ضعف خود در صنایع آینده را حل و فصل کنند. اگر اروپا افول کند، آمریکا نیز متضرر خواهد شد؛ هرچند ممکن است دونالد ترامپ نظر دیگری داشته باشد. سوالات زیادی نیز درباره ترامپ وجود دارد. وعده آتش‌بس در غزه به او فرصت می‌دهد تا رابطه میان اعراب و اسرائیل را ایجاد کند و حتی با ایران به توافقی برسد. او همچنین ممکن است بر صلیبی نظارت کند که به اوکراین فرصت فرار از سلطه روسیه را می‌دهد.

با این حال خطراتی هم وجود دارند. بازارها براساس مقررات‌زدایی و نقش مؤثر هوش مصنوعی در رشد قیمت‌گذاری شده‌اند. اگر ترامپ در روابط دوستانه غرق شود یا اخراج دسته‌جمعی مهاجران را دنبال کند و جنگ تجاری را به طور جدی دنبال کند، ریاست‌جمهوری او آسیب خواهد دید. اما فرض کنید که ترامپ با خودتخریبی مخالف است. در سال آینده و پس از آن، تغییرات تکنولوژیک و سیاسی به ایجاد فرصت‌های چشمگیر برای پیشرفت بشر ادامه می‌دهد. در ۲۰۲۴، دموکراسی‌ها با اخراج رهبران بد، کنار گذاشتن ایده‌های منسوخ و انتخاب اولویت‌های جدید نشان دادند که برای استفاده از این فرصت‌ها ساخته شده‌اند. این فرآیند اغلب آشفته است ولی منبع قدرت پایدار است

عصبانیت بایدن از تصمیم ترامپ پسند مالک فیس بوک



سختگیری و اثربخشی آن‌ها را مدام ستایش کرده بود. فولکر تورک، مسئول حقوق سازمان ملل متحد نیز روز جمعه تاکید کرد: نظارت بر محتوای مضر و سخنان نفرت‌انگیز آنلاین، سانسور نیست. تورک در ایکس نوشت: اجازه دادن برای انتشار آنلاین چنین محتواهایی، در دنیای واقعی، عواقب دارد.

برزیل، روز جمعه، به شرکت متا ۷۲ ساعت مهلت داد تا سیاست راستی‌آزمایی خود را برای این کشور توضیح دهد و اینکه چگونه قصد دارد از حقوق اساسی، در پلتفرم‌های خود محافظت کند. خورخه مسیاس، دادستان کل این کشور به خبرنگاران گفت: اگر متا به موقع به این اخطار پاسخ ندهد، دفتر او می‌تواند اقدامات قانونی و قضایی علیه متا انجام دهد. فیس‌بوک در حال حاضر برای استفاده از راستی‌آزمایی حدود ۸۰ سازمان در سراسر جهان در این پلتفرم و همچنین در واتس‌آپ و اینستاگرام، پول پرداخت می‌کند.

پس لرزه‌های تصمیم متا سوپینیا کلنگارونگ، یکی از بنیانگذاران پلتفرم تایلندی Cofact، به خبرگزاری فرانسه گفت: این سیاست متا، کاربران آمریکایی را هدف قرار داده است، اما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که چگونه بر سایر کشورها تاثیر خواهد گذاشت. فراهم کردن زمینه اشاعه سخنان نفرت‌انگیز و گفت‌وگوهای نژادپرستانه، می‌تواند محرکی برای خشونت باشد. بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه، ترامپ سال‌هاست که منتقد شدید متا و زاکربرگ بوده و این شرکت را به غرض‌ورزی علیه خود متهم و تهدید کرده بود پس از بازگشت به قدرت، علیه این میلیارد در فناوری، تلافی خواهد کرد.

عواقب ویرانگر تصمیم متا برای اعمال این تغییر سیاست به بیش از ۱۰۰ کشور، هشدار داده است. این نهاد در نامه‌ای سرگشاده به زاکربرگ گفت: برخی از این کشورها در برابر اطلاعات نادرست که موجب بی‌ثباتی سیاسی، مداخله در انتخابات، خشونت اوباش و حتی نسل‌کشی می‌شود، بسیار آسیب پذیر هستند. وی افزود: اگر متا تصمیم بگیرد این برنامه را در سراسر جهان متوقف کند، قطع به یقین، به آسیب‌های دنیای واقعی در بسیاری از کشورها منجر خواهد شد.

زاکربرگ روز جمعه، در مصاحبه‌ای با پادکست جو روگان، برنامه راستی‌آزمایی را با نمونه‌ای از سال ۱۹۸۴ مقایسه کرد و به رمان پیشگویانه جورج اورول اشاره کرد. وی افزود: این برنامه که در سال ۲۰۱۶ آغاز شد، اعتماد زیادی را به خصوص در آمریکا، از بین می‌برد. این میلیارد در فناوری همچنین از دنباله‌روی بیش از حد از رسانه‌های سنتی ابراز تاسف کرد و از آن‌ها برای طرح این ادعا که اطلاعات نادرست شبکه‌های اجتماعی، انتخابات سال ۲۰۱۶ را به نفع ترامپ تغییر داده است، انتقاد کرد.

عواقب یک تصمیم جنجالی زاکربرگ، سه‌شنبه گذشته، با بیان اینکه، افراد مسئول راستی‌آزمایی، جانبداری سیاسی بیش از حدی دارند، بسیاری را مبهوت کرد. وی گفته بود این برنامه، به سانسور بیش از حد، منجر شده است. «شبکه بین‌المللی راستی‌آزمایی» در نامه خود، این ادعا را رد و تاکید کرد شرکای راستی‌آزمایی شرکت متا، تحت بررسی‌های دقیق قرار گرفته‌اند تا مطابق با استانداردهای سخت‌گیرانه عدم سانسور، عمل کنند. متادون زیر سوال بردن این استانداردها،

شرکت متا که مالک شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک، اینستاگرام و تردز است، هفته گذشته تصمیم گرفت سیستم راستی‌آزمایی شخص ثالث را حذف کرده و سیاست‌های نظارت بر محتوا را تسهیل کند.

به گزارش ایسنا، جو بایدن، رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا که به زودی جای خود را به دونالد ترامپ جمهوریخواه می‌دهد، شرکت متا را به دلیل لغو راستی‌آزمایی در فیس‌بوک و اینستاگرام در آمریکا، شمانت کرد و پس از هشدار یک شبکه جهانی در خصوص آسیب‌های دنیای واقعی تصمیم این غول فناوری برای کشورهای دیگر، این اقدام را واقعا شرم‌آور خواند.

مارک زاکربرگ، مدیرعامل شرکت متا، سه‌شنبه گذشته، اعلام کرد این شرکت در حال کنار گذاشتن برنامه راستی‌آزمایی شخص ثالث در آمریکا است و وظیفه افشای دروغ‌ها را به کاربران عادی تحت مدلی به نام «یادداشت‌های انجمن» که توسط شبکه اجتماعی «یکس» محبوبیت یافت، واگذار می‌کند.

این تصمیم به عنوان تلاش زاکربرگ برای خشنود کردن دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، تفسیر شد. حامیان محافظه‌کار ترامپ، مدت‌هاست که اعتراض می‌کنند راستی‌آزمایی در پلتفرم‌های فناوری، برای محدود کردن آزادی بیان و سانسور محتوای راست‌گرایان است.

بایدن در پاسخ به سوالی درباره این تصمیم، به خبرنگاران در کاخ سفید گفت: تصور می‌کنم واقعا شرم‌آور است. او گفت: گفتن حقیقت مهم است و افزود: این اقدام کاملاً مغایر با ارزش‌های آمریکاست. «شبکه بین‌المللی راستی‌آزمایی»، نسبت به

نوع فعالیت: طراحی ، ساخت و تامین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ و رفت و برگشتی جهت استفاده در صنایع نفت ، گاز و پتروشیمی ، فولاد ، دارویی ، شیشه سازی و خودرو
نشانی: تهران: میدان ونک ، خیابان ونک غربی ، پلاک ۶۱
تلفن: ۸۸۶۰۴۷۳۶-۸۸۶۰۴۷۳۵
فاکس: ۸۸۶۰۴۷۳۹
پست الکترونیک: office@otce-co.com



نچریزات نوروبو کمپرسور نفت
مدیر عامل: مر تقی کاظمی

نوع تولید: تولید ریترنگ سواری، سنگین و رام خودرو
نشانی: مشهد، کیلومتر ۸ بزرگراه آسیایی، تپش پیامبر اعظم ۱۰۱، کد پستی: ۹۱۹۷۱۷۴۹۲۹
تلفن: ۰۵۱۳۶۵۱۶۰۰۱-۴
فاکس: ۰۵۱۳۶۵۱۶۰۲۱
پست الکترونیک: info@mwmco.com
وب سایت: www.Mwmco.com



ریترنگ سازی مشهد
مدیر عامل: سهیل یزدانبخش

نوع تولید: سیستمهای آببندی ، انواع نوارهای لاستیکی آببندی (فلزدار و بدون فلز) صنعت خودرو و سایر صنایع
نشانی: شهرک صنعتی توس، فاز ۲، اندیشه ۵، دانش ۴، پلاک ۶۶۶
کد پستی: ۹۱۸۵۱۸۳۷۶۱
تلفن: ۰۵۱۳۵۴۱۳۲۰۰ ۳
فاکس: ۰۵۱۳۵۴۱۳۲۰۷
پست الکترونیک: salesoffice@pouya-gostar.com
وب سایت: <https://pouyagostar.com>



پویا گستر خراسان
مدیر عامل: سعید بخشعلی

نشانی (دفتر تهران): خیابان آزادی، روبروی وزارت تعاون و کار، کوی آشیان، پلاک ۲، طبقه اول واحد ۲
کد پستی: ۱۳۴۵۶۹۷۶۷۱
تلفن: دفتر تبریز: ۰۳-۳۴۷۵۱۴۰۱ (۰۴۱) دفتر تهران: ۶۶۳۵۱۷۸۹
فاکس: ۳۴۷۵۱۴۰۴-۰۴۱
پست الکترونیک: info@pouyapartow.com
وب سایت: www.pouyapartow.com



بازرسی فنی پویا پرتو
مدیر عامل: احمد محمدنژاد

نوع فعالیت: برگزاری تورهای تجاری، آموزشی و توریستی کشورهای حوزه تنگن، چین، کره جنوبی، ژاپن
خدمات ویزای تنگن، کانادا، انگلیس و آمریکا
نشانی: تهران، خ مطهری، خ سرافراز، وی خبرنگار یا دوم، پ ۱، ط ۳
کد پستی: ۱۵۸۶۸۳۴۹۱۵
تلفن: ۰۲۱۸۸۵۲۷۶۲۵-۰۱۷۶۱-۸۸۵۰۱۷۶۱-۸۸۵۲۷۶۲۵
پست الکترونیک: Parsa.mobin.parvaz@gmail.com



خدمات مسافرتی پارسا موبین پرواز
مدیر عامل:
سیده فاطمه مهربخش بندری



لیزینگ با لک اقتصاد نوین

EGHTEHAD NOVIN LEASING CO.

لیزینگ با لک اقتصاد نوین

مدیرعامل: ایمان فرجام نیا

نوع خدمت: تأمین منابع مالی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در صنایع مختلف جهت خرید تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی، خودروهای کار و سنگین، خودروهای سواری، ماشین‌آلات راهسازی، دفاتر اداری و تجهیزات پزشکی

نشانی: تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، جنب تهران گلبنک، کوچه ازادگان، پلاک ۱۵۲

تلفاکس: ۸۸۷۰۰۷۷۶

پست الکترونیک: info@enleasing.com

وب سایت: www.enleasing.com



بهره‌وری انرژی باغ اورنگ

مدیرعامل: روشنگ عباسی نینایوری

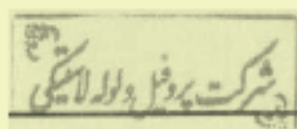
نوع فعالیت: کشاورزی و دامداری

نشانی: مشهد، بلوار شهید منتظری، نبش منتظری ۷، طبقه ۳، واحد ۷

کد پستی: ۹۱۷۶۸۷۵۴-۹

تلفن: ۰۵۱۳۸۴۵۰۹۸۶

فاکس: ۰۵۱۳۸۴۵۰۹۸۵



پروفیل و نوته‌های لاستیکی

مدیرعامل: نرجس خاتون یزدانبختن

نوع تولید: تولید پروفیل و لوله‌های لاستیکی

نشانی دفتر مرکزی: تهران، شهرداری، اول جاده فیم، سه راه بهشتی، خیابان اول

پالایشگاه، خیابان اتیار نفت، پلاک ۱۱۰۱

کد پستی: ۱۸۷۹۹۴۴۴۱۱



بانک کارآفرین

KARAFARIN BANK

بانک کارآفرین

مدیرعامل: احمد بهاروندی

نوع فعالیت: بانکداری

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر روبروی پارک ملت خیابان ناهید غربی پلاک ۹۷

تلفن: ۲۶۲۱۵۰۰۰

فاکس: ۲۶۲۱۵۱۵۸

پست الکترونیک: info@karafarinbank.ir

وب سایت: www.karafarinbank.ir



مؤسسه معیار آزمون پارت

مؤسسه معیار آزمون پارت

مدیرعامل: عبدالعزیز دارابی

نوع فعالیت: ارائه خدمات فنی مهندسی ماشین‌سازی، تجهیزات و کالیبراسیون -

طراحی انواع گریج و فیکسچرهای کنترلی و اندازه‌گیری

نشانی: شهرک صنعتی طوس، فاز ۲، اندیشه ۵، دانش ۴، قطعه ۶۶۶

کد پستی: ۹۱۸۵۱۸۴۵۹۶

تلفن: ۰۵۱ ۳۵۴۱۳۲۰۰

فاکس: ۰۵۱-۳۵۴۱۰۵۲۲

پست الکترونیک: Alizadeh۸۰۱۴@yahoo.com

وب سایت: partlasticgroup.com

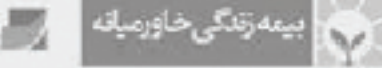
بانک خاورمیانه
Middle East Bank



سازمان توسعه و عمران



تولیدکننده



انجمن مدیران صنایع به عنوان شکل کارفرمایی غیردولتی با نقش میانجیگری بین دولت و بخش خصوصی و جلب مشارکت فعالان بخش خصوصی به عضویت در انجمن و ارائه خدمات به اعضا در راستای تأثیرگذاری بر سیاستها از طریق طرح مشکلات، ضرورتها، موانع و وضعیت بنگاه ها در شاخه های مختلف کسب و کار در عرصه عمومی تلاش میکند.

بر این باوریم مادامی که نیازها و خواسته های ما در حوزه های مختلف در گستره عمومی در منظر سیاست گذاران قرار نگیرد و اهمیت آنها مورد پذیرش واقع نشود در دستور کار نیز نخواهد بود. انجمن تلاش میکند با تغییر قوانین، سیاستها و تصمیمات اتخاذ شده در راستای بهبود محیط کسب و کار و پیگیری حقوق اعضای خود قدم بردارد.



به جمع ما بپیوندید
۸۸۸۱۳۰۴۷ - ۸۸۳۰۴۰۷۰
۰۹۱۲۰۷۰۲۰۳۶
www.amsiran.com